

بر ضد- کودتا

جين شارپ

و

بروز جنکنز

مترجم: محمد رقيب

مؤسسۀ البرت انشتين

The

ANTI-COUP

Gene Sharp

&

Bruce Jenkins

The Albert Einstein Institution

بر ضد- کودتا

جين شارپ

و

بروز جنکنز

مترجم: محمد رقيب

مؤسسہ البرت انشٲين

رسالت مؤسسه البرت انشتین:

در مؤسسه البرت انشتین همیشه وظیفه ما در مقیاس جهانی ترویج مطالعه و استعمال ستراتژیکی مبارزه عدم تشدد در تصادمات میباشد. این مؤسسه متعهد است که:

- از آزادی های دیموکراتیک و مؤسسات آن دفاع میکند؛
- با دیکتاتوری، ظلم و قتل های دسته جمعی مخالفت میکند؛ و
- و برای بدست آوردن اهداف سیاسی، اتکا به تشدد را به حیث یک وسیله، تقلیل میدهد.

وظایف فوق به سه طریق ذیل اجرا میگردد:

- تشویق نمودن، تدقیق و مطالعات روش ها، در مورد اصول مبارزه عدم تشدد، و بکار بردن آنها، در جریان تصادمات مختلف در گذشته.
- مردم را از نتایج این مطالعات توسط نشریات، کنفرانس ها و وسایل ارتباط جمعی خبر نمودن.
- مشوره دادن در مورد قدرت ستراتژیکی مبارزه عدم تشدد به آن دسته های که در تصادمات درگیرند.

فهرست مندرجات

بر ضد- کودتا

کودتاها چگونه اجرا میشوند

وقوع کودتاها چه وقت محتمل میباشد؟

حمایت برای کودتاها

مساعی برای ممانعت از وقوع کودتاها

کودتاها مغلوب گردیده اند

جرمنی سال ۱۹۲۰ م

فرانسه سال سال ۱۹۶۱ م

اتحاد شوروی سال ۱۹۹۱ م

مدافعه ضد کودتا

کودتاچیان ضرورت دارند.....

مدافعه مستقیم جامعه

ضرورت برای احضارات

اهداف مدافعین ملکی

مقاومت: عمومی یا متشکل

اهمیت ستراتیژی

اسلحه ضد-کودتا

تعلیمات برای مقاومت عمومی

معامله با قطعات و عاملین غاصبین

مواجه شدن به تعرض: ممانعت و مذاکره

مواجه شدن به تعرض: انکار و تردید

متوقف نمودن کنترل توسط کودتاچیان

عدم اعتنا به تهدید و فشار

اهمیت انضباط عدم تشدد

حمایه بین المللی

تغیر ستراتیژی در جریان مبارزه

یک موفقیت پایدار

در حالتیکه به مدافعه دراز مدت ضرورت شود

مضمحل نمودن کودتا

باز داشتن کودتا

بهبتر ساختن مدافعه ضد- کودتا

اتخاذ کردن مدافعه ضد- کودتا

احضارات توسط مؤسسات مدنی

احضاراتیکه از طرف حکومت آغاز شده

وضع قانون و دگر پلانهای ممکن جهت ترتیب و تنظیم مدافعه

طرزهای دگر احضارات

نتایج مدافعه ضد- کودتا

ضمیمه یکم

وضع قوانین و دگر احضارات حکومتی برای مدافعه ضد کودتا

ضمیمه دوم

احضارات توسط جامعه مدنی برای مدافعه ضد- کودتا

۱ . تعلیم و تربیه عوام

۲ . وسایل ارتباط دسته جمعی

۳ . تشکیلات سیاسی

۴ . مؤسسات دینی

۵ . گروها و مؤسسات مشخص

مقدمه مترجم

تعرض بالای نظام های حکومتی مستقر و حاکم، به قصد غصب نمودن قدرت سیاسی از طرف اشخاص و گروهها، با انگیزه های مختلف در طول تاریخ در سراسر جهان یک روش معمول بوده که در زمان معاصر به اصطلاح کودتا یاد میگردد. قرار تعریف این اثر، " کودتا عبارت از قبض نمودن سریع کنترل فزیک و سیاسی تاسیسات دولتی توسط عمل غیر قانونی از طرف یک گروه کوچک توطئه گر میباشد، که با تهدید ویا استعمال تشدد پشتیبانی میگردد."

اشخاص و گروهها از اثر انگیزه های مختلف به عمل کودتا مبادرت مینمایند. از آن جمله، بعضی از آنها توسط عقیده خاصی تحریک گردیده میخوانند جامعه را به اساس آن پایه گذاری کنند؛ دسته دگر برای از بین بردن بحران، رشوت، فساد و بی عدالتی؛ و گروهی دیگری که در راس آن معمولاً یک شخص خودخواه و قدرت پسند واقع میباشد محض برای رسیدن به ارمان شخصی خود؛ به کودتا مبادرت میکنند. طوریکه تجارب نشان داده است، اگر کودتا ها به مقصد انجام دادن مرام های خیر خواهانه و انسانی هم اجرا گردیده باشند، چون از طریق غیر قانونی، قدرت حکومت را قبض نموده و هم پیرو کدام اصول مشخص نیستند، لذا بسیار زود از مسیر خود انحراف نموده که در نتیجه وضعیت جامعه از بد، بدتر میگردد. لذا طوریکه دولت ها برای دفاع از مهاجمین خارجی مصارف گزاف را متقبل و خود را آماده میسازند، باید برای دفاع در مقابل کودتا ها هم احضارات مکمل قبلی را اتخاذ کنند.

این اثر، برای جلوگیری قبلی از وقوع کودتا، مقابله به آن در زمانیکه به اجرای آن مبادرت گردید و اعاده نمودن حکومت قانونی در حالتیکه اگر کودتا موفق و تسلط نسبی خود را بالای جامعه تامین کرده باشد، رهنمایی های عملی را تجویز مینماید، که اگر بصورت لازم بکار برده شوند، جوامع را از خطر کودتا نجات میدهد. اگرچه زیاد تر بالای مسایل اروپا متمرکز میباشد، لکن، درین اثر اصول ها و قواعد عمومی مدافعه ضد- کودتا تشریح گردیده که تقریباً در تمام شرایط مورد استفاده قرار گرفته می تواند.

چون در تاریخ معاصر کشور ما بدست آوردن اهداف سیاسی، از طریق خشونت بسیار معمول و به مقصد غصب نمودن قدرت سیاسی توسط توطئه و تشدد به اشکال مختلف و مکرر از آن استفاده گردیده، و در دوره های زمامداری هوتکیان، سدوزایان، محمد زایان، کمونستان، و مجاهدین تا امروز به پیمانۀ وسیع مثال های زیاد آن موجود میباشد، لذا میخواهم که با استفاده ازین فرصت در بین ارتباط به ترتیب بصورت مجمل روشنی اندازم.

دوره هوتکیان (۱۷۰۹ - ۱۷۳۸)، از جمله پنج زمامدار این دوره تنها میرویس خان مؤسس این دودمان به مرگ طبیعی فوت نموده و چهار نفر دیگر آنها توسط خشونت از بین برده شده اند. شاه محمود هوتکی، کاکای خود عبد العزیز را بعد از هژده ماه سلطنت در کندهار به قتل رسانید و خودش زمام امور را بدست گرفت. محمود فاتح اصفهان، از طرف اشرف پسر عبد العزیز در اصفهان به قتل رسید و خودش به عنوان شاه اشرف بر تخت اصفهان جلوس نمود. شاه اشرف بعد از کارنامه های زیاد شجاعت و مردانگی، در اصفهان از طرف نادر افشار شکست خورده به جانب کندهار عقب نشست تا که در ریگستان های شوراک در جنوب کندهار از طرف ابراهیم بلوچ کشته شد. شاه حسین پادشاه هوتکی از طرف نادر افشار بعد از سقوط کندهار به مازندران تبعید و در آنجا مسموم گردیده زندگی را وداع نمود.

دوره سدوزایان (۱۷۴۷ - ۱۸۱۸)، احمد شاه درانی (احمد شاه بابا) مؤسس این سلسله در سال دوم سلطنت خود در کندهار وقتیکه از سفر هندوستان عودت نمود از طرف یک عده بزرگان قومی یک سو قصد خطرناکی به مقابل او طرح گردیده بود. نقشه مذکور کشف و مرتکبین آن که به ده ها نفر میرسید اعدام گردیدند. میگویند هر بار که احمد شاه بابا از سفر های جنگی به کندهار عودت مینمود نوعی از دسیسه به مقابلش طرح شده میبود.

بعد از ایشان، پسر بزرگش تیمور شاه در سال ۱۷۷۳ به سلطنت رسید. اگرچه تیمور شاه درانی یک پادشاه صلح جو و آرام بود لکن باز هم به توطئه ها و دسایس مکرر مواجه گردید. در آغاز قوماندانان بزرگ عهد احمد شاهي سردارجان خان را با سه پسرش به نسبت پشتیبانی آنها از برادرش شهزاده سلیمان به قتل رساند. برای تامین امنیت خود او یک قطعه دوازده هزار نفری گارد محافظ خود را از مردم قزلباش تحت قوماندانی محمد خان بیات تشکیل نموده و پای تخت را به کابل انتقال داد. تیمور شاه در دوران سلطنت بیست ساله خود هدف سه تعرض بزرگ واقع گردید. در سال دوم پادشاهی خود به بغاوت عبد الخالق خان سدوزایی مواجه گردید لکن تیمور شاه او را شکست داده گرفتار و نابینا ساخت. همچنان یک لشکر بزرگ از شمال به استقامت کابل در صدد تعرض بود که از طرف قوای تیمور شاه دفع و طرد گردید. حرکت بزرگ به شکل کودتا بمقابل تیمور شاه به رهبری فیض الله خان خلیل، ارسلاخان مومند و یک روحانی به نام پیرزاده میا محمد صورت گرفت. فیض الله خان روزی به بهانه سلام داخل ارگ بالای حصار پشاور گردیده و بالای تیمور امر حمله را صادر نمود. جنگ شدید تن به تن بین گارد محافظ قزلباش تیمور شاه و قوای یاغی رخ داد که در نتیجه شش هزار از کودتاچیان کشته شده و متباقی فرار کردند. فیض الله و ارسلاخان گرفتار و اعدام شدند و پیرزاده بخشیده شد. تیمور شاه درانی با لآخره در سال ۱۷۹۳ درگذشت، و میگویند که مسموم شده بود. پسر پنجم او شاه زمان، بجایش بالای تخت کابل جلوس نمود.

اولین تهدید برای شاه زمان، از طرف برادرش همایون رخ داد که دو بار به مقابلش برخاست، بار اول مغلوب و فرار نمود و بار دوم گرفتار و به امر شاه زمان کور گردید. باز مخالفت برادر دگرش محمود پیش آمد که در فراه او را مغلوب و به فرار به ایران مجبور ساخت. شاه زمان پادشاه عالم و صاحب نظریات عالی بود. میخواست که از مملکت نفوذ ملوک الطوائفی را محوه و شان و شوکت دور احمد شاهي را احیا کند، و هم جلو پیشروی انگلیس را در هندوستان بگیرد. متأسفانه که متنفذین قبیلوی روش های او را بر ضد منافع خود دیده به مقابلش به دسیسه ها دست زدند. شاه زمان فوراً دسیسه سازان را که در راس آن سردار پاینده محمد خان بود احضار و همه را اعدام نمود و با این عمل عوامل سقوط خود را فراهم کرد. پسر ارشد سردار پاینده محمد خان، فتح خان برای اخذ انتقام پدر خود با محمود در ایران متحد گردیده داخل افغانستان شدند که بعد از چند تصادم مختصر شاه زمان را در ننگرهار دستگیر و نابینا کردند. شاه محمود در سال ۱۸۰۰ میلادی پادشاه افغانستان شد و فتح خان وزیر ارشد او گردید.

سالهای بین ۱۸۰۰ الی ۱۸۱۸ م، در منازعات بین شاه شجاع و شاه محمود سپری گردید. با لآخره واقعه کور ساختن و قتل فجیع وزیر فتح خان توسط کامران پسر ناخلف محمود و خود او اسباب سقوط دودمان سدوزایی را بدست برادران وزیر فراهم نموده، و حاکمیت کشور به سلاله محمد زایی انتقال گردید. محمود در سال ۱۸۲۹ م در هرات فوت نمود و پسرش کامران در ۱۸۴۲ م توسط وزیر خود یار محمد خان الکوزایی به قتل رسید.

اگرچه شاه شجاع الملک، آخرین زمامدار سدوزایی به کومک انگلیس از سال ۱۸۳۹ الی ۱۸۴۲ م در کابل تنها به نام پادشاه بود، تا که در روز پنجم اپریل ۱۸۴۲ از طرف ملیون افغان به قتل رسید.

قرار فوق قتل سردار پاینده محمدخان از طرف شاه زمان باعث نابینا شدن و عزل او از مقام سلطنت گردید، و کور ساختن و قتل ظالمانه وزیر فتح خان توسط شاه محمود و پسر ناخلفش کامران نه تنها سبب سقوط پادشاهی آنها، بلکه عامل خاتمه دوره زمامداری سدوزیان شد.

بعد از سرنگون ساختن شاه محمود در انتقام قتل برادر اشان، برادران بارکزیایی برای گرفتن اقتدار در جان هم افتادند که این مجادله فامیلی برای مدت هشت سال دوام نمود تا سرانجام دوست محمد خان خوردرترین ولی باکفایت ترین آنها در کابل در سال ۱۸۲۶ م خود را به حیث امیر اعلان کرد. امیر دوست محمد خان یک شخص مدبر و دارای استعداد عالی رهبری بود. ولی متأسفانه، بر علاوه مخالفت برادران، به نارامی های داخلی مثل شورش میر یزدان بخش در هزاره جات و غیره، تهدید های خارجی از جانب ایران، روس ها، سک ها، و مضرترین آنها انگلیسها رو به رو بود. او دو بار از توطئه نابینا ساختن از طرف اعضای فامیلش جان به سلامت برد، و در عهد او بود که انگلیسها بر خاک ما تجاوز

ظالمانه نموده و برای مدت اضافه از سه سال مملکت ما تحت اشغال شان باقی ماند، تا که به زور شمشیر از وطن بیرون رانده شدند. با وجود تهدیدها و مشکلات زیاد امیر دوست محمد خان مملکت را دوباره متحد ساخت و تا دم مرگ برای بدست آوردن خاک های شرقی اشغال شده افغانستان از طرف سکها و بعداً توسط انگلیس ها جد و جهد نمود.

امیر دوست محمد خان در سال ۱۸۶۳ م در هرات درگذشت و در همانجا شیرعلی خان پسرش اعلان پادشاهی نمود، که فوراً به مخالفت برادرها و برادرزاده ها مواجه گردید. در قرن نهم چندین پادشاه و امیر دو بار به قدرت رسیده اند مثل شاه محمود، شاه شجاع، امیر دوست محمد خان که امیر شیرعلی خان هم از جمله آنها میباشد. در بین امیر شیرعلی خان، برادران و برادرزاده هایش چندین جنگهای خونین واقع گردیده که به دهها هزار نفر دران به قتل رسیده اند و خودش دو مرتبه هدف کشتن واقع گردیده است. تجاوز دوم انگلیس بالای وطن ما در عهد امیر شیرعلی خان به وقوع پیوست که امیر به امید بدست آوردن کومک از روس ها به مزار شریف رفت و پسر خود محمد یعقوب خان را در کابل وکیل خود ساخت و خودش در آنجا فوت نمود، گفته میشود که او مسموم گردیده بود (۱۸۷۸). امیر شیرعلی خان یک زمامدار روشن فکر و ترقی خواه بود که به پیشرفت وطن بسیار علاقه داشت، ولی متاسفانه، توطئه ها و نفاق خاندانی و تجاوز انگلیس برایش اجازه نه داد که به این ارمانهای والای خود برسد.

بعد از وفات امیر شیرعلی خان، پسرش سردار محمد یعقوب خان در کابل جا نشین او گردید. در زمان امارت یعقوب خان جهاد مردم افغانستان به مقابل قوای اشغالگر انگلیس دوام داشت، واقعه بالای حصار کابل که دران سفیر انگلیس کیوناری با محافظین او از طرف میلیون افغان به قتل رسید، و محل سکونت آنها حریق گردید، در همین وقت رخ داد. انگلیس ها در انتقام، بالای حصار را تخریب، یک تعداد زیاد مردم را اعدام، و یعقوب خان را از امارت خلع و به هندوستان تبعید کردند. بعد از آن محاربه مشهور میوند، تحت رهبری سردار محمد ایوب خان برادر یعقوب خان که دران قوای انگلیس بصورت مکمل امحا گردیده بود در کندهار، در جولای سال ۱۸۸۰ م واقع گردید.

در این بی سر و سامانی ها سردار عبد الرحمن خان، از تبعید بخارا به وطن عودت نمود در چهاریکار خود را به حیث امیر اعلان نموده داخل کابل گردید، که ساحه حکومت او از کابل و توابع آن تجاوز نمیکرد. از زمان فوت تیمور شاه در ۱۷۹۳ الی ظهور امیر عبد الرحمن خان، در ۱۸۸۰ م برای مدت ۷۸ سال در افغانستان نزاع های فامیلی، جنگ های داخلی و تجاوز های خارجی جریان داشته، و علی الرغم حکومت های مرکزی در کشور ملوک الطوائفی و بی امنی حکمفرما بود. در چنین حالتی امیر عبد الرحمن خان زمام امور مملکت را بدست گرفته و با تدبیر عالی و عزم آهنین در امر تاسیس یک حکومت مستحکم مرکزی و تامین امنیت در کشور به کار آغاز نمود، و با جد و جهد غیر قابل تصور در زمان مرگ خود در ۱۹۰۱ م یک افغانستان متحد را که ما امروز مشاهده میکنیم به ما به میراث گذاشت. البته برای بدست آوردن این هدف مجبور بود که در از بین بردن مقاومت های که در مقابلش وجود داشت از شدت کار بگیرد و متفدین قبیلوی را که طرح های او را بر ضد منافع خود میدیدند از بین بردارد.

مؤرخین میگویند که امیر عبد الرحمن خان، در دوران امارت بیست ساله خود به هفده بغاوت عمده مواجه گردیده که همه آنها را با مهارت دفع و طرد نموده است. بعضی ازین سرکشی ها از طرف اعضای قریب فامیلش و بعضی از آنها از طرف اقوام و قبایل مختلف مملکت صورت گرفته است. در مزار شریف وقتیکه یک رسم و گذشت عسکری را معاینه میکرد، یک عسکر از مسافه بسیار نزدیک بالایش فیر نمود که مرمی وسط چوکی اش را سوراخ و نفری را که در عقب او استاده بود زخمی، لاکن خود امیر طور معجزه آسا محفوظ ماند. بعضی از مؤرخین شک دارند که شاید امیر عبد الرحمن خان سرانجام در حالیکه شدیداً مریض بود با سو قصدی از بین رفته باشد. والله اعلم.

بعد از وفات او پسر بزرگش حبیب الله خان به امارت کابل رسید که دران صلح و امنیت برقرار بود. باوجود، در زمان امارت امیر حبیب الله خان حزب سری مشروطه خواهان تشکیل گردید. از سازمان دهی آنها به امیر راپور داده شد که اعضای آن مجازات شدند. یک نفر از اعضای حزب مذکور، به نام عبد الرحمن لودین در شوربازار بالای امیر فیر نمود و لی امیر از آن زنده ماند. بالاخره، اجل مطلق امیر حبیب الله خان در ۲۵ فیبروری سال ۱۹۱۹ م، در مجاورت تگری

لغمان در اثنای شکار رسید و در هنگام شب در خیمه خود به قتل رسانیده شد. برادر امیر سردار نصرالله خان نایب السلطنه که در معیت امیر مقتول بود خود را امیر اعلان نمود و تمام مردم و مامورین ملکی و نظامی در جلال آبا به او بیعت نمودند، مگر در عین زمان پسر سوم او امان الله خان در کابل خود را جانشین پدر اعلان کرد. با وجودیکه سردار نصرالله خان امارت را به امان الله خان واگذار گردید، لکن اخیرالذکر کاکای خود را زندانی و میگویند که او را به قتل رسانده، که در حضیره قول آبچکان با مراسم محدود دفن گردید.

امان الله خان، استقلال افغانستان را از تسلط انگلیس اعلان نمود که سبب جنگ سوم افغان و انگلیس گردید، و در نتیجه افغانستان به حیث یک کشور مستقل در جهان شناخته شد. امان الله خان اولین زمامدار محمد زایی بود که بعد از شاهان سدوزایی افغانستان، عنوان پادشاه را اختیار نمود، او یک پادشاه ترقی خواه و صادقی بود که میخواست افغانستان را به سرعت به مدارج عالی پیشرفت برساند. امان الله خان با انگلیس ها مناسبات خوب نه داشت تا حدیکه در کابل به ناراضیان هندوستانی اجازه داد که حکومت موقت را در کابل تشکیل نمایند و هم مهاجرین خلافت را به آغوش باز در افغانستان پذیرفت. اما مناسبات او با دولت روسیه شوروی حسنه بود. متاسفانه، عناصر محافظه کار جامعه افغانستان با پلانهای اصلاحی او موافقت نه داشته و اولین بغاوت مسلحانه به مقابل او در پکتیا در بین قوم منگل به رهبری ملا عبد الله (ملای لنگ) آغاز گردید که مدت چهارده ماه طول کشید، و بالأخره، به کومک اقوام دگر افغانستان خاموش و ملای لنگ با پنجا نفر از پیروان خود در کابل اعدام گردید. بعد از آن شورش شینوارها در ۱۴ نومبر ۱۹۲۸ م، صورت گرفت، که در آن تعمیر سراج العمارت و قونسلگری برطانیه را در جلال آباد حریق نمودند. ضربه آخری قاطع بر پیکر سلطنت شاه امان الله از استقامت کوهدامن به سرکردگی حبیب الله کلکانی "بچه سقاو" در دسمبر، ۱۹۲۸ م واقع گردید (نظر به تعریف قبول شده میتوانیم آنرا کودتا بنامیم)، که شاه رسماً کابل را به قصد کندهار ترک نمود و در ۲۳ می، ۱۹۲۹ م از آنجا به بمبئی و سرانجام در ایتالیا اقامت اختیار و در ۱۹۶۰ میلادی در آنجا درگذشت. صاحب نظران میگویند که در سقوط شاه امان الله دست نامرئی برطانیه دخیل بود، زیرا که جاسوس بد نام انگلیس لارنس، در هنگام بغاوت شینواری ها در میدان هوایی میرامشاه اقامت داشت.

حبیب الله کلکانی از ۱۸ جنوری ۱۹۲۸ م، الی ۱۳ اکتوبر همین سال، برای مدت نه ماه (۲۶۹ روز) زمامدار افغانستان بود، که مؤرخین بیطرف این مدت را دوره هرج و مرج، غارت و وحشت نامیده اند. برای معلومات مفصل درین بخش هموطنان عزیز کتاب (Kabul Under Siege) را مطالعه نمایند.

سپه سالار محمد نادرخان، از طریق پکتیا داخل کشور گردید، و بعد از یک سلسله تصادمات کابل را در ۱۶ اکتوبر سال ۱۹۲۹ اشغال و حبیب الله را با یک دسته از همکاران نزدیکش اعدام نمود، و خود زمام امور کشور را در دست گرفت. نادرخان در مدت چهار سال پادشاهی خود، یک اردوی منظم چهل هزار نفری را تاسیس، سه اغتشاش مردم شینواری، اهالی کوهستان و قوم غلجایی را فرونشاند، عایدات ملی را بالابرد، امنیت راه ها را تأمین و راه شیر را در بین شمال و جنوب کشور اعمار نمود. سر انجام زندگی اش با فیر گلوله قاتل در نومبر ۱۹۳۳ م خاتمه یافت، و پسرش محمد ظاهر شاه در عوض پادشاه افغانستان گردید. دوره سلطنت محمد ظاهر شاه نسبتاً آرام بود لکن باوجود بعضی اغتشاشات در ولایات واقع گردید، که میتوان در جون ۱۹۳۸ م از شورش پیرشامی که به طرفداری امان الله خان در پکتیا اعلان جهاد نمود یاد کرد، و از جنگ ساپی در کتر نام برد که از سال ۱۹۴۷ - ۱۹۴۹ م طول کشید و بسیار خسارات مالی و جانی را به بار آورد. و هم در سال ۱۹۵۹ م در کندهار در مقابل روی لچی زنان شورشی بر پا شد که در آن سه نفر کشته و هشت نفر مجروح گردید.

چون موضوع بحث ما درینجا کودتا میباشد، لذا میخواهم که بالای توطئه نوروژ سال ۱۳۳۰ هجری (۱۹۵۱ م)، که به آن کودتا گفته میتوانیم مختصراً بحث کنم. در دوران صدارت سردار شاه محمود خان، در ناحیه چنداول شهر کابل، توسط حزب ارشاد که از طرف یک پیشوای مذهبی شیعه سید اسمعیل بلخی رهبری می شد، توطئه طرح گردید که در اول حمل(نوروز) صدارت، سردار شاه محمود خان را با محافظین او در اثنای نمایش های نوروزی که در دامنه علی آباد برگزار میگردد با فیرهای تفنگچه به قتل برسانند. بعداً منسوبین حزب ارشاد با افراد کوهستانی و کوهدامنی به عملیات

مسلحانه آغاز و محبس بزرگ دهمزنگ را تصرف شوند. متعاقباً یک هزار و چندصد نفر بندگان را باخود متفق ساخته به استقامت ارگ شاهی هجوم برده شاه را با اعضای خانواده سلطنتی قتل عام کنند. طراحان این توطئه به سادگی فکر میکردند که به کومک هزاران نفر حامیان، آنها نظام سلطنتی را سرنگون و جمهوریت دلخواه خود را اعلان خواهند نمود. اعضای حزب ارشاد را عمدتاً مردم چنداول تشکیل میداد. به هر حال توطئه از طرف حکومت کشف و اعضای مهم حزب ارشاد گرفتار و رهبر آنها در تحقیق از اقدام به کودتا اعتراف کرد. اگرچه آنها نظر به معیار های شناخته شده سزاوار جزای شدید بودند لکن، در عوض محبوس گردیده، و بعد از چهارده سال، در سال ۱۹۶۵ م دوره دیموکراسی دوم رها گردیدند.

در زمانی که اعلحضرت محمد ظاهر شاه به عملی کردن پلان های دیموکراسی خود در کشور مصروف بود، از طرف سردار محمد داود خان کودتای ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ هجری ش (۱۷ جولای ۱۹۷۳ م)، به کومک گروه پرچم، به راه انداخته شد، که حکومت قانونی وقت و نظام شاهی دونیم صد ساله را سرنگون و افغانستان را به جمهوریت تبدیل کرد. داود خان یک شخص وطن دوست و خدمتگار واقعی مردم خود بود که در دوران صدارت برای آبادی و پیشرفت کشور خدمات زیادی را انجام داده بود. لکن حال که از طریق کودتا به اقتدار رسیده بود امور مملکت به تدریج از هم پاشید. بعضی حلقه ها راه کوتاهترین رسیدن به قدرت را توسط کودتا آموختند و حرکات پیهم برای عملی کردن آن صورت گرفت. ازین رهگذر حکومت داود خان به تشوش افتاده محبس ها را از بندگان سیاسی پر نموده و به شکنجه و اعدام نیز دست زد. همدستان نزدیک او در کودتا مخالفین سیاسی خود را تا که توانستند محوه و یا به فرار از مملکت مجبور ساختند. با الآخره، گروه های خلق و پرچم در ۲۷ اپریل سال ۱۰۷۸ م (۷ ثور سال ۱۳۵۷ هجری ش) به کودتای خونینی اقدام نموده اقتدار داود خان و زندگی او را با قتل عام ۷۳ نفر اعضای فامیل و همکاران نزدیک او خاتمه دادند. اینها اولین قربانیانی اند که در شروع کودتای هفتم ثور توسط کودتاچیان خلق و پرچم به شهادت رسانیده شدند. اینطور، کودتای سردار محمد داود خان نه تنها به قتل عام او، فامیل و همکارانش منجر گردید، بلکه برای کشور و مردم بد بختی های جبران ناپذیری را به بار آورد که تقریباً برای نیم قرن دوام دارد.

بعداً دوره حاکمیت متشنج و خونین خلق و پرچم یکجا با مجادلات شدید بر سر قدرت در بین این دو گروه آغاز گردید، که در نتیجه خلقی ها موفقانه رقبای پرچمی خود را از مقامات مهم طرد کردند. متعقب آن در رهبری گروه خلق نیز اختلاف بوجود آمد که در ۱۴ سپتمبر ۱۹۷۹، حفیظ الله امین مرد درجه دوم رژیم مقام درجه اول نور محمد ترکی را مقتول و جای او را اشغال نمود. بسیار زود امین نیز از طرف قوای مهاجم شوروی در شب ۲۷ / ۲۸ دسمبر ۱۹۷۹ م به قتل رسید و بیرک کارمل از طرف شوروی بجایش نصب گردید. به نسبت موجودیت قوای اتحاد شوروی و سواس توطئه و مبادرت به کودتا تا حدی از بین رفت. سرانجام وقتیکه شورویها از اجراءات کارمل ناراضی گردیدند، در نومبر، ۱۹۸۶ م او را بانجیب الله تعویض نمودند. اداره نجیب الله نیز تا زمان خروج نیرو های شوروی از افغانستان در فیوروری سال ۱۹۸۹ م، از اختلافات داخلی حکومت آرام بود، اما در اواخر این سال یک تعداد صاحب منصبان به جرم طرح نمودن کودتا گرفتار شدند، و هم تشنج تازه بین خلقی ها و پرچمی ها در حکومت و اردو اوج گرفت. خروج قوای شوروی در صفوف مجاهدین نیز اختلافات را به ارمغان آورد، طوریکه در ماه جولای افراد حزب اسلامی حکمتیار سی نفر افراد جمعیت اسلامی را در یک حمله کمین کشتند و در مقابل احمد شاه مسعود چهار نفر حزب اسلامی را اسیر و به دار آویخت. خلقی ها و پرچمی های مخالف بر ضد پالیسی های مسالمت آمیز نجیب الله بر خاستند. بالآخره در مارچ ۱۹۹۰ م، جنرال شاه نواز تپی در یک اتحاد عجیب (بین یک کمونسست چپی و یک مسلمان دست راستی) با حکمتیار به مقابل حکومت نجیب الله به کودتا اقدام کرد. توطئه افشا و تپی توسط هلیکوپتر به پاکستان فرار کرد. برای تحکیم قدرت خود، نجیب بعضی ابتکارات مثل تاسیس حزب وطن، دعوت نمودن مجاهدین در حکومت و غیره را به راه انداخت که فایده به بار نیاورد. در اخیر روسها ارسال مواد غذایی و حمایت خود را از نجیب الله قطع نمودند، تا که از اثر فشار ملل متحد و عوامل دگر اخیر الذکر، در ۱۵ اپریل، ۱۹۹۲ م، تصمیم خارج شدن را از مملکت گرفت، و چون از جانب عناصر مربوط حکومت خودش راه رفتن به میدان هوایی به رویش مسدود گردید به دفتر ملل متحد پناهنده شد.

سر انجام، به روز ۲۸ اپریل یک هیئت سی نفری تحت ریاست حضرت صیغت الله مجددی در کابل جای حکومت نجیب الله را اشغال و حکومت اسلامی افغانستان را اعلان کردند. در جولای ۱۹۹۲ م، برهان الدین ربانی حکومت را از مجددی به دست گرفت. بعد از این جنگ های خونین برای کسب قدرت در بین تنظیم های مجاهدین رخ داد که قرار منابع خبیر در حدود سی هزار از اهالی کابل دران کشته و یکصد هزار نفر دران مجروح گردیدند.

در اکتوبر سال ۱۹۹۴ م، طالبان در ولایت کندهار سر بر افراشتند و ولایات مجاور را یکی بعد از دیگری به سرعت بدست آوردند. در ۲۶/۲۵ سپتمبر ۱۹۹۶ م، بالای کابل از استقامت ننگرهار هجوم بردند و بعد از جنگ های شدید که دران هشت هزار انسان جان خود را از دست داد، ربانی، مسعود و حکمتیار با دار و دسته خود از کابل فرار، و طالبان حکومت بالفعل افغانستان گردیدند. طالبان در داخل دارای یک انضباط محکم و سیستم استوار سلسله مراتب بودند و در حدود ۸۰٪ اراضی افغانستان را زیر تسلط خود آوردند.

طالبان در دوره حاکمیت خود فساد، دزدی و زرع کوکنار را از بین برده و امنیت را در سرتاسر مملکت تامین کردند، ولی میزبانی شان از بن لادن اسباب سقوط آنها را فراهم نمود. بعد از واقعه ۱۱ سپتمبر، ۲۰۰۱ با وجودیکه هیچ افغان دران جنایت دست نه داشت، غیظ و غضب امریکا بالای افغانستان و طالبان به طغیان آمده، در اثر هجوم بی امان امریکا به هزار ها طالب و مردم عادی نابود و حکومت طالبان از صحنه برداشته شد. از میان حامد کرزی در ۲۷ اکتوبر ۲۰۰۱ بحیث رئیس جمهور افغانستان ظهور نمود، که نظر به لزوم دید امریکا برای دو دوره تا سال ۲۰۱۴ م، دوام نمود. قتل برهان الدین ربانی رهبر جمیعت اسلامی از طرف طالبان یک عمل خشونت عمده این دوره میباشد.

درین سال انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد، که در جریان آن جنجال های مکرر پیش آمد و انتخابات را به دور دوم کشانید و بصورت غیر معمول برای مدت شش ماه طول کشید. کاندید بازنده ادعا میکرد که در انتخابات فریب صورت گرفته و نتیجه را نمی پذیرفت به فیصله کمیته انتخابات و حکمیت نماینده ملل متحد هم تن در نمیداد. با طرفداران خود به تظاهرات و ایراد بیانیه های تهدید آمیز شروع نمود، تا حدیکه حامیانش در تالار لویه جرگه عکس رئیس جمهور برحال مملکت را شکستانده و عکس کاندید بازنده خود را بجایش گذاشتند. آنها اخطار دادند که به زور به ارگ ریاست جمهوری داخل و امور مملکت را به دست خواهند گرفت. درین اثنا فشار و تهدید حکومت امریکا کاندید متمرّد را بجایش نشانده و هردو کاندیدان را به تشکیل حکومت اتحاد ملی مجبور و برای فعلاً اوضاع را آرام نمود. ازینکه این حکومت اتحاد ملی چطور به اتحاد و اتفاق برای منافع ملی باهم کار خواهند کرد، وقت وزمان جواب آنها خواهد داد.

هدف از بیان طولانی سابقه استعمال خشونت، برای بدست آوردن مقاصد سیاسی، درین مقدمه، متوجه نمودن هموطنان به گذشته بکاربردن وسیع تشدد در جامعه ما میباشد. از آغاز تاریخ معاصر افغانستان، زمامداری میرویس خان هوتکی (۱۷۰۹م) تا امروز، حکومت حامد کرزی (۲۹ سپتمبر، ۲۰۱۴)، برای مدت ۳۰۵ سال، سی ویک نفر در افغانستان حکومت نموده اند. ازین جمله دوازده نفر آن مقتول، یک نفر آن نابینا، و سه نفر آنها مسموم گردیده اند، و پانزده نفر متباقی آن به شکلی از اشکال مورد توطئه های مکرر قرار گرفته اند.

غاصبین قدرت از راه کودتا، نه تنها کشور را از مسیر پیشرفت و انکشاف انحراف داده اند، بلکه خود هم از احراز آن مقام مصنوعی کامگار نه گردیده، و زود توسط دسیسه و کودتای دگر قربانی توطئه و تشدد گردیده اند.

ببدون تردید، این منازعات و برادر کشی ها مانع عمده پیشرفت و ترقی کشور ما گردیده، و هم به بیگانگان فرصت را مهیا کرده که به وطن ما تعرض کرده قسمت های از خاک ما را تصرف کنند. ما افغان ها وقتیکه از افتخارات تاریخی، شهامت و شجاعت خود همیشه یاد میکنیم، نباید اشتباهات و نواقص خود را فراموش نمائیم. زیرا که ببدون پذیرفتن انتقاد یافتن راه اصلاحات و ترقی ممکن نمیشود.

لذا، لازم است که ما گذشته خود را آزادانه تنقید و از تاریخ بیاموزیم، از اقدامات و حرکات غیر اصولی و تشدد آمیز که عامل عقب مانی و بحران در کشور ما و باعث ذلت و خواری ما میگردد، پرهیز نموده و برای تحقق عقاید و ارمانهای سیاسی و اجتماعی خود جهت اعتلا و ترقی میهن از شیوه های قانونی و مسالمت آمیز استفاده نمائیم. م. رقیب

یاداشت: اصطلاحات کودتاچیان، متعرضین و غاصبین به مفهوم مترادف در متن این اثر استعمال گردیده اند.

امتنان:

از دوست محترم انجنیر عبدالکافی رسولی، که در نشر و توزیع این اثر وصیبه عزیزم جمیله که در ترجمه آن کومک نموده اند، و از برادر گرامی کبیر صمدی که در ترتیب و تشکل نهایی آن معاونت کرده اند تشکر مینمایم.

برضد- کودتا

حامیان دیموکراسی سیاسی، حقوق بشر، و عدالت اجتماعی حق دارند که از رهگذر وقوع کودتاها در هراس باشند. این تصرف ناگهانی مؤسسات دولتی در دهه های جاری به کثرت واقع گردیده اند. کودتاها سیستم های حکومت قانونی مستقر دیموکراتیک را بر انداخته، حرکت را بسوی دیموکراسی کاملتر متوقف نموده، و رژیم های وحشی و ظالم را حکمفرما نموده اند. کودتاها یکی از طریقه های اصلی اند که توسط آنها دیکتاتوری های جدید بوجود می آیند. همچنان کودتاها جنگ های داخلی و بحران های بین المللی را نیز باعث شده میتونند. کودتاها بحیث یک مشکل عمده نا حل شده دفاعی موجود اند.

کودتا عبارت از قبض نمودن سریع کنترل فیزیکی و سیاسی تاسیسات دولتی میباشد توسط عمل غیر قانونی یک گروه توطئه گر که با تهدید و یا استعمال تشدد پشتیبانی میگردد. اعضای حکومت قبلی برخلاف میل آنها از وظایف شان برکنار میگردند. در ابتدا گروه کودتا مراکز صدور اوامر، تصمیم گیری، و اداری را اشغال، رئیس قبلی قوای اجرایی و مامورین بلند رتبه را با اشخاص (نظامی و یا ملکی) دلخواه خود شان تعویز مینمایند. با الاخره آنها کنترل تمام مؤسسات دولتی را بدست میگیرند. کودتا های موفق معمولاً به سرعت، اکثراً در مدت چهل و هشت ساعت تکمیل میگردند.

در دهه جاری تعداد زیاد کودتاها تقریباً در هر منطقه جهان به شمول تایلند، برما، پلپاین، برازیل، چکوسلواکیا، چلی، فیجی، گانا، لایبیریا، یونان، لیبیا، لاوس، گواتیمالا، ارجنتاین، گرینادا، پولیند، و اتحاد شوروی واقع گردیده اند. در براعظم افریقا در بین ممالک که بعد از دوره استعمار به آزادی رسیده اند کودتاها بسیار متداول میباشد. اولین ازین جمله، کودتایی نظامی بود که در سال ۱۹۶۶، کوام نکروما، رئیس جمهور گانا را در یک کودتای نظامی برکنار ساختند. در بین سالهای ۱۹۵۱ و ۱۹۷۶ م در کشور تایلند پنج کودتا صورت گرفته که انکشاف دیموکراسی را دران جا به مشکل روبرو کرده است. در لیبیا معمر القذافی توسط کودتای نظامی در سال ۱۹۶۹، قدرت را کسب نمود. حکومت اندی در چلی در ۱۹۷۳، به واسطه کودتای نظامی بر انداخته شد. در برازیل در سال ۱۹۶۴، کودتای نظامی یک رژیم وحشی را بر سر اقتدار آورد که برای سالها آن کشور را اداره نمود. در گواتیمالا به تعقیب کودتای سال ۱۹۸۲، کودتای بعدی به وقوع پیوست که با لآخره ریوس مات، جنرال متقاعد را به قدرت رسانید. در پولیند در سال ۱۹۸۱، اعلان حالت اضطرار و نصب نمودن جنرال یاروزسکی به

حیث رئیس جمهور که اتحادیه آزاد کارگری همبستگی را به واسطه او بکوبند، و همچنان قصد کودتای ناکام سال ۱۹۹۱، بنیاد گرایان در اتحاد شوروی در جمله مثال های برجسته دهه های جاری میباشد. همچنین، کودتاها و به کودتا مبادرت کردن ها دوام میکنند.

بعضی از نویسندگان اظهار نظر کرده اند، که کودتاها نه انتخابات " واسطه تغییر اکثر حکومت ها گردیده اند " و در افریقای بعد از استعمار " کودتاهای نظامی برای تغییر حکومت ها در حقیقت یک میتود معمول گردیده است.... " ۱

درین اواخر اظهار نظر گردیده است که کودتاها نظر به گذشته کمتر صورت میگیرند، لکن همچنان این کاهش شده میتواند که برای مدت کوتاه دوام نماید، و حتی اگر از کودتا برای سالهای زیاد جلوگیری هم بعمل آید یک کشور میتواند که در مقابل احتمال وقوع کودتا آسیب پذیر بماند. ۲

مساعی بسیار زیاد و مبالغ هنگفت پول به طور منظم تخصیص داده میشود که در مقابل تجاوز خارجی برای مقاومت احضارات گرفته شود. لکن حقیقتاً تا حال هیچ اقدامی بعمل نیامده تا جوامع را برای دفاع بر ضد کودتاها که در سیاست جهانی اکثراً واقع میشوند حاضر گرداند. توجه نمودن جدی به مسئله ضد- کودتا زیاد به تاخیر محول گردیده است.

کودتا ها چگونه اجرا میشوند

تصرف عملی دستگاه سیاسی امر و اداره، اکثراً به اجرای اقدام بمقابل اشخاص عالی رتبه حکومت قبلی، اشغال عمارات و دفاتر حکومتی، قرارگاههای نظامی و پولیس و مراکز کنترل ارتباطات و ترانسپورت آغاز خواهد گردید. کودتاها معمولاً به بسیار سرعت اکثراً در اثنای چند ساعت کوتاه عمل میکنند، لذا برای عملی کردن آن، پلانگذاری مخفی توطئه گرانه یک امر مهم میباشد.

کودتاها معمولاً توسط یک بخش مهم قوای نظامی اداره میگردد، که یا به تنهایی و یا اتحاد به گروههای سیاسی، تشکیلات استخباراتی (داخلی و یا خارجی) و یا نیروهای پولیس عمل مینمایند. بعضی اوقات کودتاها عبارت از غصب نمودن قدرت توسط رئیس قوای اجراییه میباشد: طوریکه یک رئیس دولت (رئیس جمهور و یا صدر اعظم بطور مثال) برحال، حالت اضطراری کاذب را اعلان نموده تا حکومت قانونی را تعلیق و به جایش دیکتاتوری مورد نظر خود را تاسیس نماید. ۴ (اقدامات اضطراری درست از طرف رئیس دولت به مقصد از بین بردن اینطور حق امتیاز خاص و برگردانیدن نظم قانونی عادی کودتا پنداشته نمیشود). در حالات دیگر کودتاها توسط یک حزب سیاسی دیکتاتور، یکجا و یا بیدون قدرت پارلمانی آن به راه انداخته میشوند. همچنان شده میتواند که کودتاها توسط یک قسمت برگزیده قدرت حاکم آغاز و توسط دسته های دیگر پشتیبانی گردند. برای به موفقیت رسانیدن کودتا ضروری است کسانی که دران اشتراک ندارند باید ازان پشتیبانی کرده، یا موقف منفی اختیار نمایند ورنه غیر مؤثر گردانیده شوند. به نسبت خاصیت اقلیتی و توطئه گرانه آن، کودتا برعکس یک انقلاب ملی توده میباشد (اگرچه کودتاچیان شاید اقدام خود را " انقلاب " بنامند).

کودتاچیان با العموم می‌خواهند که نظم را محافظه نموده، ادارات حکومتی، خدمات ملکی، قوای نظامی، حکومت محلی و پولیس را (اقلاً برای زمان موجود) بحال خود نگهداشته، لاکن آنها را تحت فرمان خود بآورند. (حکومت جدید که توسط کودتای نظامی تحمیل گردیده، شده میتواند که مکمل و یا قسماً نظامی بوده و یا از حیث پرسونل تماماً غیر نظامی باشند). مجموع قدرت دولت که به دست غاصبین کودتاچی افتاده، شده میتواند که در صورت لزوم بمقابل بخش باقیماندهٔ جامعه برای توسعه و تحکیم تحت اداره آوردن تمام کشور بکار برده شود.

وقوع کودتا ها چه وقت محتمل میباشد؟

در بعضی ممالک، مثلاً در ناروی و سویدن وقوع کودتای داخلی غیر قابل تصور میباشد. بعضی حالات و شرایط از وقوع کودتاها جلوگیری مینمایند. در کشوری که طرز العمل قانونی دیموکراتیک موجود و قابل احترام باشد و برای حل منازعات داخلی وسایل مسالمت آمیز قبول شده، که تبدیلی حکومت ها را تامین و مسئولیت های آنها را در مقابل قانون فراهم کند، وقوع کودتا کمتر احتمال دارد. اگر، گروهائیکه مثلاً اردو که به اجرای کودتا قادر اند، به طرز العمل دیموکراتیک معتقد باشند و به حدودیکه قانون برای صلاحیت آنها تعیین کرده احترام گذارند، در انصورت احتمال ندارد که آنها به کودتا مبادرت کنند. در عوض شاید که آنها خوداری نموده فکر نمایند که به راه انداختن کودتا یک اقدام غلط خواهد بود.

ساختمان اجتماعی یک جامعه نیز در تعیین نمودن احتمال وقوع کودتا مؤثر میباشد. در کشور های که مؤسسات غیر دولتی جامعه قوی و به طرز دیموکراتیک اداره شوند و مؤسسات نظامی و احزاب سیاسی غیر دیموکراتیک به تناسب آن ضعیف باشند احتمال وقوع کودتا موجود نمیشود.

در جائیکه یک جامعه یکجا با هم آهنگی نسبی کار کند، درانجا وقوع کودتا احتمال ندارد. اینطور حالت اگرچه از جمله نادر است، ولی مستلزم جلوگیری از کودتا نمیشود. اگر مشکلات داخلی اقلأ بسیار جدی نباشد و توسط طرز العمل های قبول شده و دگر وسایل مسالمت آمیز به آن معامله شده بتواند، در انصورت احتمال کودتا کمتری باشد. و یا اگر به داخل کشور تصادمات حاد نیز موجود باشد و بجای تشدد داخلی به طرز عدم تشدد اداره گردند، در ان حالت صحنه برای به راه انداختن کودتا توسط یک گروهی که وعده دهند که تشدد داخلی را خاتمه داده و نظم و قانون را حکمفرما خواهند ساخت مساعد نخواهد بود. در جامعه که سیاسیون ارزو داشته باشند که حقیقتاً به مردم خدمت نمایند، " توجیه نمودن " عمل کودتا از بین خواهد رفت.

از سوی دگر، در حالتیکه این شرایط موجود نباشد، جامعه میتواند برای وقوع کودتا آسیب پذیر گردد. ریشه های دیموکراتیک سیستم سیاسی شاید کم عمق و یا فاسد گردیده باشد. حکومت شاید غیر مشروع به نظر آمده، و در اجراء آن در بین مردم نارضائیت های گسترده موجود باشد. شاید حکومت به بی کفایتی، فساد، و در موقع بحران به بیدون قاطعیت متهم گردد. برای علاج حالت فوق اعتماد به ظرفیت طرز العمل های دیموکراتیک شاید بطور وسیع در بین مردم موجود نبوده، و در بعضی حالات شاید روش مورد قبول برای جانشینی حکومت ها موجود نباشد.

مؤسسات مدنی غیر دولتی جامعه - مؤسسات داوطلب مختلف، احزاب سیاسی، مؤسسات آزاد تعلیمی، هیئت های مذهبی، اتحادیه های کارگری، و مؤسسات به اشکال متعدد دگر شاید ضعیف و تقریباً هیچ موجود نباشند. همچنان، اکثر مردم شاید در سیستم سیاسی به مقیاس لازم اشتراک نه نمایند. در نتیجه هیچ گروه ویا مؤسسه موجود نخواهد بود که بتواند قادر به مخالفت از اشغال ارکان دولت گردد.

جامعه شاید یک مشکل جدی داخلی داشته باشد، که به تشدد مربوط گردد. بحران شدید اجتماعی، مشکلات حاد اقتصادی، اختلافات واضح سیاسی، ویا تشدد داخلی و قتل های سیاسی شده میتواند که قسمت عمده جامعه را وادار سازد، که یک حکومت قوی را که وعده "برگردانیدن نظم" و ختم بحران را بنماید، حاضر باشند که به پذیرند.

شرایط نامساعد اقتصادی ناشی از عوامل سیاسی شده میتواند که جامعه را به مقابل کودتا آسیب پذیر ساخته، و هم به اثبات رسیده که عدم تنوع در صادرات و به پیمانۀ زیاد برای صادرات به مارکیت متغیر بین المللی بستگی داشتن، میتواند که شرایط را بوجود آورد که دران وقوع کودتا احتمال پیدا میکند. ۵

بعضی اوقات، اشخاص، یک گروه نیرومند، یک حزب دیکتاتوری، یا یک گروه نظامی بیدون داشتن اهداف خیرخواهانه آرزوی بدست آوردن قدرت و تسلط را بر سر پرورانیده به اجرای کودتا مبادرت مینمایند. ۶

با وجود، اینطور شرایط، لزوماً مولود کودتا شده نمیتوانند. حتی شاید وقتیکه شرایط برای کودتا مساعد و کودتاچیان احتمالی فاقد خود داری هم باشند، آنها شاید برای کودتا مبادرت نه نمایند، زیرا که احتمال می رود که اقدام آنها به ناکامی منجر شود. این اندیشه منجر شدن به ناکامی از چندین منبع سرچشمه گرفته میتواند. قسمت مهم پرسونل نظامی، پولیس و خدمات ملکی همچنان قدمه های پائینتر حکومت شاید عدم طرفداری خود را از کودتا ابراز نمایند، و احتمال برود که بمقابل کودتا مقاومت کنند. مؤسسات آزاد جامعه شاید متمایل به مخالفت به کودتا بوده، و به اندازه کافی نیرومند باشند که بر علیه آن قویا عمل نمایند. توانایی این مخالفین محتمل، که بر ضد کودتا قویا عمل نمایند، به حد قابل ملاحظه تصمیم کودتا کنندگان را تحت تاثیر قرار میدهد. در صورتیکه، احتمال مقاومت جامعه به مقابل غصب ارکان دولت بشکل استوار موجود باشد درانصورت وقوع کودتا کمتر محتمل میگردد.

کسانی که به کودتا مبادرت مینمایند باید متیقن گردند وقتیکه قدرت حکومت را قبض کردند، از طرف مامورین دولت و مردم به کمترین مقاومت روبرو میگردد. لکن در جوامعیکه توده های مردم از نگاه سیاسی منظم، در جریان سیاسی سهمیم و نیرومند باشند اینطور تصور کرده نمیتوانند. ۷

حمایت برای کودتا ها

شرط اساسی مبادرت به کودتا بنا بر عقیده میباشد، که باید تصور گردد، که تشکیلات کودتاچیان و دگر قوای مانع کننده نسبت به مؤسسات و نیروهای دگر جامعه قوی تر باشند. خلاصه، جامعه مدنی از قوای نظامی ضعیفتر باشد. حقیقتاً، در دهه های جاری در بسی از ممالک جهان قوه نظامی طوری توسعه یافته

که در بین جامعه از قویترین تمام مؤسسات جامعه گردیده اند. اکثر اوقات این قوای نظامی بسوی جامعه و مردمی جبهه میگیرند که موجودیت شان به آنها مربوط و متعهد به دفاع از آنها اند. همینطور قصد به اجرای کودتای نظامی در صورتیکه عساکر به صاحب منصبان شان نسبت به حکومت دیموکراتیک زیادتز وفادار باشند بسیار محتمل میباشد.

اگر کودتا یک غصب اجرائیوی (که در بعضی احوالات "کودتای خودی" هم گفته میشود) باشد، ۸ درانصورت ضروری است که ترکیب اعضای ملکی حکومتی، و قوای نظامی که به اشغال ارکان دولت کمک مینمایند، نسبت به مؤسسات ملکی جامعه نیرومندتر باشند. در عوض، دران حالت کودتا شاید توسط یک حزب سیاسی با انضباط توسط قوای ملیشای خودش اجرا شود. حامیان حزب سیاسی نیز میتوانند که بعضی اوقات از وزارت خانه های مهم در چارچوب یک حکومت ائتلافی فعالیت نمایند، ویا توسط حمایه از طرف یک بخش عمده قوای نظامی ویا پولیس اهداف خود را تعقیب نمایند. برای موفقیت کودتا حزب مذکور باید به اجرای عمل سریعتر نسبت به دگر بخش های که مخالف اشغال قدرت اند باشد. در بعضی حالات ممکن است که نماینده های یک حکومت خارجی، گروه های نظامی ویا سیاسی داخلی را در اجرای امر کودتا مساعدت نمایند.

در کودتاهای گذشته، حامیان آزادی سیاسی کشور خاموشی اختیار نموده و بطور منفی تسلیم گردیده اند. این بدان معنی نیست وقتیکه یک اقدام کودتا پیروز گردید، تمام جامعه از ان پشتیبانی نموده است. در بسی حالات یک جامعه شده میتواند که در حقیقت مخالف غصب قدرت سیاسی کشور شان باشند ولی نمیدانند که بر علیه آن چه کرده میتوانند. جنگ داخلی بمقابل قوای عسکری و متحدین آنها – جنگی که محققا دیموکراتها آنرا خواهند باخت – قابل فهم است، که برای کمترین اشخاص هم قناعت بخش نخواهد بود. معتقدین به طرز العمل های قانونی و عدالت اجتماعی معمولاً نمیدانند که چه راه دگری برای ناکام ساختن کودتای که توسط قوای نظامی پشتیبانی میشود موجود است.

ببدون احضارات جدی برای مدافعه ضد- کودتا یک سیستم دیموکراسی پایدار، در بسیاری از کشور ها غیر قابل تصور میباشد، با الخصوص کشور های که سابقه کودتایی دارند. حتی در کشور های که به یک مرحله سیستم دیموکراسی سیاسی هم رسیده باشند، باوجود اظهارات عمومی حسن نیت توسط آنهائیکه به اجرای کودتا قادرند، تدابیر ضد- کودتا مهم و ضروری میباشد.

مساعی برای ممانعت از کودتا

واضح است که جلوگیری از وقوع مبادرت به کودتا به مراتب بهتر و سهل تر از آنست که بعد از وقوع بمقابل آن مدافعه نمائیم. سوال مهم درینجاست که چگونه از کودتا ها ممانعت و راه پیشروی آن رامسدود ساخته میتوانیم .

در بسی از دیموکراسی های قانونی مردم عقیده دارند، که اگر قانون اساسی و قوانین دگر کودتا هارا غیر مجاز عنوان نمایند، درانصورت دیموکراسی مصئون خواهد ماند. عدم صحت این نظریه به اثبات رسیده ، زیراکه بسیاری از کشور ها آنرا منحيث به مخاطره انداختن خود یافته اند. دیموکراسی ها با پیشبینی های قانون اساسی ویا قوانین به مقابل مبادرت قبض اداره دولت، خود آنها قربانی کودتا ها شده اند. اینطور تحریمات قانونی باید موجود باشد، لاکن اکثراً آنها از وقوع کودتا ها ممانعت کرده نه توانسته اند. کودتا ها در حقیقت همیشه توسط گروه های اجرا میگردد که میخواهند از موانع قانونی و حقوقی برای عملی کردن اقدامات مورد نظر خود ها عدول نمایند. این بدان معنی نیست که اینگونه پیشبینی های قانونی و حقوقی مفید نمیباشند، بلکه کافی نیستند، و به وسایل تعمیل واضحاً نیازمند میباشند.

اشخاص و گروهائیکه حاضرند مقامات اجرائیوی کشور را کنار زده ویا آنها را اعدام نمایند و خود شان جای آنها را اشغال کنند، البته برای تطبیق عمل مورد نظر خود در تخلف از قوانین و موانع حقوقی کدام مشکلی نخواهند داشت. گروه های نظامی که عزم نموده اند، به زعم خود شان که "کشور را نجات" میدهند، ویا تسلط خود را بالای مملکت تاسیس میکنند، واضحاً توسط موانع قانونی و حقوقی منع نه خواهند شد. احزاب سیاسی با انضباط که خود را ناجی مردم و سازندگان جامعه خیالی آینده می پندارند، برای عملی کردن رسالت خود از قبض نمودن قدرت دولتی، به هیچ گونه موانع اعتنا نه خواهند کرد. مساعی برای از بین بردن شکایت های قابل توجیه در جامعه نیز لازم اند، بلکه آنها هم کافی نمیباشند. این نوع شکایت ها شاید کودتاچیان محتمل را به راستی تحریک نموده باشد، ویا محض برای آنها بهانه جهت به راه انداختن کودتا ، برای محرک دگر غیر خیر خواهانه گردد.

همچنان، محکومیت بین المللی و وضع تحریمات احتمال ندارد که کودتاچیان مصمم را از اراده شان وادارد. ۹ یک نوع خوش باوری خواهد بود اگر توقع نمائیم که نفوذ بین المللی میتواند که از اشغال داخلی جلوگیری ویا دوباره آنرا سبکدوش سازد. منتها آنها میتوانند که یک قدرت نیرومند داخلی را پشتیبانی نمایند تا پیشروی اقدام غصب قدرت را بگیرند. در حالات دگر شاید حلقه های مشخص بین المللی از کودتا پشتیبانی نموده ، یا حتی قوه اصلی در تحریک نمودن آن باشد، مثلاً طوریکه حکومت ایالات متحده امریکا در چندین حالت بوده است.

درانصورت، واضحاً چیز زیاد تر ضرورت است: موانع قوی بمقابل مبادرت به کودتا. این اثر استدلال خواهد کرد که این موانع، توسط پالیسی احضار شده قبلی، ضد- کودتا بدخل کشور ساخته شده میتواند. این پالیسی نه تنها توان مغلوب ساختن کودتای محتمل را خواهد داشت، بلکه به حیث بازدارنده احتمالی به مقابل این حملات که در ظرفیت مدافعه مؤثر ریشه دارد عمل کرده میتواند.

به نسبتیکه اکثراً کودتا ها به موفقیت انجام شده اند، لذا احتمال ندارد که اکثراً مردم تصور نمایند که بوجود آوردن یک مانع مؤثر ضد- کودتا ممکن باشد. سردرگمی و احساس ناتوانی که معمولاً با کودتا ها همراه اند، با عدم پلان سازی، عدم احضارات و عدم آموزش ضد - کودتا تشدید میگردد. وقتیکه کودتا کاملاً توسط قوای نظامی پشتیبانی گردد، که مدافعین فرضی جامعه پنداشته میشوند، و بمقابل آن قوای

نظامی بکار برده شده نمیتواند در نتیجه قهر و ناامیدی مردم ازدیاد می یابد.

کودتا ها مغلوب گردیده اند

مسئله مانع شدن از وقوع کودتاها، به استثنای واقعیت های مهمی که بعضی اوقات مغلوب گردیده اند لاینحل به نظر میرسد. اکثراً، باوجود شرایط نا ساعد، بعضی اوقات مردم ملکی توانسته اند که جلو غیر قانونی قبض قدرت دولت را بگیرند. البته این حالات فوق العاده اند.

در بعضی حالات کودتا ها ناکام میگردند، زیرا که عدم همکاری و مخالفت مردم، رابطه مطلوب کنترل فیزیکی را در بین اداره ارکان حکومت و اداره سیاسی دولت قطع مینماید. مامورین ملکی، مقامات بلند رتبه، صفوف نظامی، و غیره کارکنان دولتی طور دوامدار از همکاری به یاغیان کودتای امتناع میورزند و کنترل ارکان دولت را توسط آنها رد میکنند. همچنان، کودتاها با قطع شدن ارتباط در بین اداره مرکزی دستگاه دولت و اداره جامعه به شمول مؤسسات آزاد اجتماعی، حکومت محلی، و تمام جامعه به خطر مواجه میشوند.

کودتایچیان یاغی اکثراً بی مورد فکر میکنند که مسلط شدن بالای ساختمان دولت مساوی به مسلط شدن به اداره سیاسی و اجتماعی است. در حقیقت، بیدون تسلیم شدن تمامی این بخشهای جامعه رهبری کودتا یک حکومت پایدار شده نمیتواند.

مغلوب ساختن تند روان در اتحاد شوروی سابق در اشغال قدرت دولتی، در آگست سال ۱۹۹۱، یک مورد جدید عدم همکاری دسته جمعی به مقابل یک کودتا میباشد. موارد مهم مدافعه ضد کودتا در گذشته که موفقانه اجرا شده، در جرمنی در سال ۱۹۲۰، درمقابل یاغیان کاپ بود (که جمهوریت جدید ویمیر را تهدید کردند)، و در سال ۱۹۶۱، در فرانسه بمقابل جنرالهای الجزایر (که هدف آنها نگهداشتن الجزایر بود به حیث یک جز فرانسه توسط برطرف نمودن حکومت (de Gaulle -Debre).

درین سه مورد فوق، و در چندین حالات دیگر، کودتا ها توسط مقاومت عدم تشدد داخلی متوقف گردانیده شده اند. تنها بعضی اوقات مثلاً در کودتای سال ۱۹۹۱، در اتحاد شوروی سابق بر علیه کودتایچیان اقدام جدی بین المللی دیپلوماتیک و اقتصادی یا به شکل تهدید و یا بطور عملی اتخاذ گردیده است.

جرمنی سال ۱۹۲۰: "۱۰"، در ۱۲ مارچ سال ۱۹۲۰، قطعات غیر رسمی freikorps که از عساکر سابقه و پرسونل ملکی تشکیل گردیده بودند، شهر برلین را در یک کودتا به مقابل جمهوری وایمر (Weimar) که توسط داکتر ولف گانگ کاپ Dr. Wolfgang Kapp و جنرال والترون لوتوتز (General Walter Von Luttwitz) تنظیم گردیده بود، اشغال نمودند. هدف کودتا تاسیس یک رژیم مطلقه توسط "متخصصین" بود. اردوی کوچک جرمنی در ماجرا "بی طرف" باقی ماند. حکومت دیموکراتیک قانونی تحت اداره رئیس جمهور فریدریک ایبرت (Friedrich Ebert) فرار نمود. اگرچه کودتا خوب حاضر هم نه شده بود، لکن اگر مقاومت بمقابل آن صورت نمی گرفت شاید طور کامل کامیاب میگردید.

حکومت قانونی اعلان نمود که تمام شهریان باید تنها از ان متابعت کنند، و ولایات باید از تمام همکاری ها با گروه کاپ امتناع ورزند. بعد از آنکه ناگهان اعتصاب کارگری در برلین آغاز شد، یک ابلاغیه اعتصاب عمومی بنام رئیس جمهور ایبرت و کابینه سوسیال دیموکرات بیرون اجازه آنها پخش گردید.

کاپست ها به مقیاس بزرگ به سرعت به عدم همکاری مستخدمین ملکی، و مقامات محافظه کار حکومت بر علاوه طبقات دگر مقابل گردیدند. اشخاص با کفایت از پذیرفتن مقامات وزارت در رژیم جدید ابا ورزیدند. عکس العمل کاپست ها در مقابل خیلی شدید بود، بعضی از اعتصاب کنندگان با فیر گلوله به قتل رسانیده شدند. لکن باوجود نیروی عدم همکاری شدت گرفته و یک اعتصاب عمومی شهر برلین را فلج نمود. بانک (Reichsbank) از دادن پول به غاصبین قدرت دولتی امتناع ورزید. به تاریخ ۱۷ مارچ، پولیس امنیت برلین، تقاضای کناره گیری کاپ را نمود. او در همان روز به سویدن فرار نمود، و بسیاری از معاونین او با لباس ملکی برلین را ترک نمودند و لوتوتز (Luttwitz) استعفا داد. بعداً فری کورپس (Freikorps) از برلین خارج و اعتصاب کنندگان ملکی را در راه بیرون رفتن کشتند و زخمی نمودند.

کودتا توسط عمل دسته جمعی کارگران، مستخدمین ملکی، مقامات بلند رتبه، و عموم مردم که از همکاری عمومی و اداری که کودتاچیان به آن ضرورت داشتند امتناع کردند، که در نتیجه کودتا به ناکامی گرایید. جمهوری وایمر این خطر را به سلامتی پشت سر گذاشت که مشکل خطرناک دگر داخلی را مواجه شود. مصارف مالی مقاومت به مقابل این کودتا به اندازه متوسط بود اما تلفات جانی آن توسط کاپست ها تخمیناً چندین صد نفر کشته و یک تعداد دگر مجروحین بودند.

فرانسه سال ۱۹۶۱: "۱۱" چارلس دوگول، (Charles de Gaulle) رئیس جمهور فرانسه در اوایل اپریل وانمود کرده بود که کوشش نگهداشتن الجزایر را به شکل یک جز فرانسه رها مینماید. در جواب در شب ۲۱/۲۲ اپریل قطعات نظامی یاغی فرانسه در الجزایر، پای تخت کشور الجزایر، شهر الجزایر و دگر نقاط کلیدی اطراف آنرا اشغال کردند. مگر، کودتا در آنجا تنها با تعویض نمودن حکومت قانونی در پاریس موفق گردیده میتوانست.

روز ۲۳ اپریل، احزاب سیاسی و اتحادیه های کارگری در فرانسه اجتماع بزرگی را دایر و اعتصاب عمومی یک ساعته را از مردم تقاضا کردند. در انشب جنرال دوگول هم خطاباً را پخش نمود که در الجزایر هم شنیده شد. او از مردم خواست که با یاغیان مخالفت نموده و از آنها اطاعت نه نمایند، و امر کرد که با استعمال "تمام وسایل" آنها را به زانو در آورند. "من هر فرانسوی و اولتر هر فرد عسکر را فرمان میدهم، که هیچ امر آنها را بجا نیاورند." صدراعظم فرانسه، دبیری (Debre) از یک حمله از راه هوا از الجزایر اخطار داد، ولی به جای امر دادن به قوای عسکری او از مردم عوام خواست که وارد عمل شوند، او به مردم ابلاغ کرد که: "وقتیکه صدای اخطاریه را می شنوید، باید پای پیاده ویا توسط موتر خود را به میدان هوایی برسانید، و عساکر فریب خورده را به اشتباه بزرگ شان قناعت دهید."

همچنان خطاباً جنرال دوگول دوباره کاپی و وسیعاً توسط مردم و عساکر وفادار فرانسوی در الجزایر توزیع گردید. بعد از آن دوگول اعلام کرد: "حال اغتشاش توسط مقاومت منفی به مشکل روبرو گردیده، که ساعت به ساعت واضحتر میگردد."

به روز ۲۴ اپریل ده ملیون کارگران در اعتصاب عمومی سمبولیک اشتراک نمودند. در میدانهای هوایی مردم وسایط نقلیه را در خطوط فرود آمدن طیارات جا بجا کردند، تا از نشستن آنها جلوگیری نمایند. همچنان محاصره مالی و بحری بالای الجزایر تحمیل گردید.

عساکر وفادار فرانسوی در الجزایر در تضعیف نمودن یاغیان داخل اقدام گردیدند. دو سوم طیارات ترانسپورت و به تعداد زیاد جنگنده های جت به خارج الجزایر پرواز داده شدند. در حالیکه دگر پیلوت ها میدانهای هوایی را مسدود ساختند، ویا نواقص میخانیکی را بهانه نمودند. عساکر قوای زمینی طور عادی به بارک های خود باقی ماندند. بسیار موارد بی کفایتی عمدی، مفقودی دوسیه ها و معطلی و تاخیر در خدمات ارتباط و ترانسپورت بوجود آورده شده بود. مستخدمین ملکی اسناد را پنهان و از بین بردند.

به روز ۲۵ جنرال دوگول، به قطعات وفادار خود امر داد که بالای یاغیان انداخت نمایند، ولی به آن ضرورت پیش نشد، و کودتا در آن زمان شدیداً ضعیف گردیده بود. رهبران بغاوت، کودتا را لغو و در شب ۲۶/۲۵ اپریل، غند پراشوت که کودتا را طرح و در آغاز شهر الجزایر را قبض نموده بود از شهر عقب نشینی نمود.

رقم تلفات اندک بود، احتمالاً، سه نفر کشته و چندین نفر مجروح در الجزایر و پاریس رخ داده بود. حمله بالای حکومت دوگول توسط مخالفت و ممانعت دفع گردید.

اتحاد شوروی سال ۱۹۹۱: "۱۲" در ۱۸ اگست سال ۱۹۹۱، یک گروه تند رو، متشکل از مقامات رسمی شوروی با اقدامی که راه اجرای غیر مرکزی ساختن قدرت را در اتحاد شوروی

مسدود سازند، رئیس جمهور شوروی، میخائیل گورباچوف را توقیف و از او تقاضا نمودند که او باید تمام قدرت اجرایی را به معاون رئیس جمهور تسلیم نماید. گورباچوف از قبول این درخواست انکار نمود.

گروه یاغی مذکور خود را بنام " کمیته دولت برای حالت اضطراری " یاد نمود. کمیته یاد شده از جمله دیگران، متشکل بود از معاون رئیس جمهور، صدراعظم، وزیر دفاع، رئیس ک.ج.ب، وزیر داخله - " حالت اضطراری " شش ماهه را اعلان نمودند. روز نامه های مخالف را ممنوع، احزاب سیاسی (بغیر از حزب کمونسنت) را معطل و مظاهرات را غیر مجاز گردانیدند. اولین فرمان گروه کودتا فوقیت قانون اساسی شوروی را بر جمهوریت های محلی از عان کرد، و تمام اوامر کمیته اضطراری را مرعی الاجرا اعلان کردند.

معلوم گردید که کمیته مذکور پشتیبانی تمام قوای نظامی شوروی را با خود داشت. فرقه های زره دار و قوای پراشوتی در تمام اطراف مسکو مؤظف گردیده بودند. در بالتیک قوای طرفدار کودتا مراکز تیلیفون، رادیو، و تلویزیون را اشغال و بنادر مهم را محاصره نمودند. قطعات زره دار تعرضی در خارج لیننگراد بطرف شهر به حرکت آغاز کردند.

همزمان، در مسکو ده ها هزار مردم در کوچه ها جمع شدند که کودتا را محکوم نمایند. رئیس فدراسیون روسیه بوریس یلتسین برای ابراز مخالفت بالای یک تانک مربوط به طرفدار کودتا بالا و کودتاچیان را بنام " کودتای دست راستی های مرتجع ضد قانون محکوم نمود. " یلتسین اعلام کرد که " تمام تصامیم و تعلیمات این کمیته غیر قانونی میباشد " و به شهریان پیشنهاد کرد که کودتاچیان را مردود نموده، و از عساکر خواست که در کودتا اشتراک نه کنند. یلتسین بیانیه خود را به درخواست " یک اعتصاب جامع و غیر محدود " خاتمه داد. بعدا دران روز یلتسین به پرسونل اردو و ک.ج.ب. فرمان داد که تنها از اوامر او اطاعت کنند و به خواسته های کودتا چیان گوش نه دهند.

هزاران نفر در پیشروی " قصر سفید " روسیه (ساختمان پارلمان) جمع شدند تا آنرا در مقابل حمله کودتاچیان محافظه کنند. موانع انشا، و با موتر های سرویس و اتوموبیل ها سرک ها را مسدود ساختند. با وجود، پیشنهاد به یک اعتصاب عمومی به عدم توجه مردم روبرو گردید، اما کارگران معادن ساحه ذغال سنگ کوزباس (Kuzbass) و نزدیک سوردلاسک (Sverdlosk) اعتصاب نمودند.

به نسبت " اجتماعات، مارش ها، مظاهرات، و موارد تحریکات به آشوب " کودتاچیان در مسکو حالت اضطراری مخصوص را اعلان کردند. در شب دوم کودتا، مقاومت کنندگان ضد کودتا، در دیوار های تمام سیستم زیر زمینی خط ریل شهر او راق تبلیغاتی را چسپانده، در روز آینده در مقابل " قصر سفید " از مردم تقاضای مظاهرات دسته جمعی را نمودند.

در شهر لیننگراد، ۲۰۰۰۰۰۰ مردم در جواب درخواست رئیس بلدیة اناتولی سابچاک (Anatoly Sobchak) برای " مقاومت وسیعترین قانونی " بر ضد-کودتا جمع گردیدند. به ده ها هزار نفر در مالدیویا (Molavia) سرک ها را مسدود نمودند تا عساکر شوروی را از ساحه دور نگهدارند. رهبران اوکراین و کازاقستان کودتا را محکوم نمودند. یک اجتماع بزرگ در مینسک (Minsk) تقاضای عدم

اطاعت مدنی را نمودند. رئیس جمهور لیتوانیا، لیندسبرجس (Landsberdis) از مردم خواست که قصر پارلمان را در ولنوس (Vilnius) به مقصد مدافعه از تعرض احاطه نمایند. جلسات اضطراری پارلمان لاتویا (Latvia) و استونیا (Estonia) آزادی مکمل خود را از اتحاد شوروی اعلان کردند.

در مسکو روزنامه های ممنوعه مخالف، مخفیانه تحت نام اخبار عوام نشر گردید، و از مردم تقاضا نمودند که برای مقاومت به پا خیزند. یک دستگاه فرستنده کومکی پخش رادیو به حکومت روسیه توان بخشید، که اوامر مقاومت را به سرتاسر مملکت توسط وسایل پخش محلی دوباره نشر نمایند. ستیشن مستقل رادیو ممنوع شده مسکو، بنام "انعکاس مسکو" به نشریات خود ادامه داده خطابه های زنده را از جلسه اضطراری پارلمان روسیه پخش میکرد. میخانیک های تلویزیون روسیه باوجود ممنوعیت، پروگرام های خبری خود را بالای نوار های ویدویی ثبت و به بیست شهر در اتحاد شوروی توزیع کردند.

در وسایل ارتباط دسته جمعی دولتی، مقامات رسمی از همکاری به کودتا چپان امتناع ورزیدند. خطابه مخالفت یلتسین و سابچاک در پروگرام اخبار شب برای اینکه کمیته اضطراری سانسور ک.ج.ب. از پخش آن جلوگیری نه نمود، منتشر گردید. بعد از آن، معاون اول رئیس تلویزیون شوروی والننن لاوزتکین (Valentin Lazutkin) از وزیر امور داخله پوگو (Pugo) تلفونی به این مضمون دریافت نمود "خودت از دو امر مخالفت نمودی، تو به مردم تعلیمات دادی که کجا باید بروند و چه بکنند. تو جوابگوی اینها خواهی بود." حجم اجتماعات مخالف در آن شب در پیشروی قصر سفید (ساختمان پارلمان) اضافه گردید که حکومت روسیه را محافظه نمایند.

مساعی دسته جمعی بعمل آورده شد تا وفاداری قوای کودتاچیان را با آنها از تهداب متزلزل سازد. غذا و اوراق تبلیغاتی در بین عساکر توزیع گردید. اهالی ملکی از مرتبات تانکها التجا نمود که از حکومت روسیه پشتیبانی کنند. یلتسین به تطبیق انضباط پافشاری نمود: "عساکر را تحریک نه کنید. عساکر در دست کودتاچیان به منزله یک سلاح درآمده اند. لذا ما نیز باید قوای نظامی را حمایه نموده و در تماس با آنها نظم و دسپلین را مراعت کنیم."

در چندین حالت تمام قطعه عسکری از حمایه کودتاچیان روگردان شدند. ده عراده تانک در پیشروی قصر سفید قلعه تانکهای خود را از استقامت ساختمان پارلمان دور داده، وعده نمودند که در مقابل تعرض از آن دفاع خواهند کرد. بغاوت ها بمقابل کودتاچیان در پایگاه بحری لیننگراد و در یک اکادمی تعلیم و تربیه پراشوتی ها اطلاع داده شد. در جمهوریت روسیه وزارت داخله محلی و قطعات ک.ج.ب. حمایت خود را از یلتسین اعلان کردند. وزیر دفاع یاسوف (yasov) فرقه تولا (Tula) را امر داد که نسبت غیر یقینی بودن وفاداری قطعات آن به داعیه کودتا، از مواضع خود نزدیک قصر سفید عقب نشینی کنند. وزیر داخله پوگو، پولیس مسکو را نسبت اشتباه عدم وفاداری آنها به کودتاچیان، منحل ساخت.

در بعد از ظهر روز دوم کودتا یاغیان تصمیم گرفتند که به مقصد حمله به قصر سفید یک دسته جدید هجوم تنظیم نمایند. در نظر بود که پراشوتی های قوای زمینی و قوای وزارت داخله قصر سفید را محاصره و راه را برای هجوم گروه نخبه الفای ک.ج.ب. پاکسازی کنند. اگرچه امر قطعات پراشوتی

قوای زمینی و قوماندان قوای هوایی شوروی از اشتراک در عملیات امتناع ورزیده بودند، چند ساعت قبل از تعرض پلان شده قوماندان گروپ الفای ک.ج.ب. اظهار نمود که قوای او در هجوم اشتراک نه خواهد کرد. " حمله صورت نه خواهد گرفت. و من در مقابل مردم نخواهم استاد."

صبح بعد، هیئت دفاعی اتحاد شوروی فیصله کردند که قطعات را از مسکو خارج سازند. سرانجام اعضای کمیته اضطراری توقیف گردیدند (یکی از آنها انتحار نمود). رئیس جمهور گورباچوف، واپس به سر اقتدار آورده شد. تلفات اندک بود- در اثنای کودتا قرار اطلاع داده شده پنج نفر کشته شده بودند. کودتا شکست داده شده بود. مخالفت عمومی مردم، و عدم اطاعت عساکر، عزم بازگشت تندروان را به حکومت مطلقیت خنثی نمود.

سه مورد موفقانه- جرمنی در ۱۹۲۰، فرانسه در ۱۹۶۱، و روسیه در ۱۹۹۱، - به اثبات میرساند که مدافعه موفقانه بمقابل کودتا ها امکان پذیر میباشد. محققاً، حالات دیگری هم موجود اند که دران مقاومت های مشابه پیروز نه گردیده اند، بلکه موجودیت کامیابی های گذشته ثابت میسازد که اقلاً تحت بعضی از شرایط کودتا ها مغلوب ساخته شده میتوانند.

مدافعه ضد- کودتا

توجه به اینکه چگونه کودتا ها عمل میکنند و چطور شکست داده شده میتوانند به ما زیاد می آموزاند. هر دو باهم یکجا ارائه مینمایند که در رویارویی با این ضربه ها بر پیکر آزادی و عدالت لازم نمیباشد که موقف منفی را اختیار نموده و یا نا امید بمانیم. جامعه که مورد ضربه و تعرض قرار گرفته خودش از خود دفاع کرده میتواند.

مقصد اساسی این اثر بیان حقیقتی هست، که در مقابل کودتا اختیار نمودن یک پالیسی تدافعی ممکن میباشد. اساس این پالیسی تدافعی دو قسمت را در بر میگیرد: (۱) آنهائیکه سیستم قانونی را مورد حمله قرار داده میخواهند که یک حکومت انتخابی را به یک رژیم دلخواه خودشان تعویض نمایند، باید هرگونه حقانیت شان رد و تکذیب گردد- آنها هیچگونه حق اخلاقی و سیاسی ندارند که به حیث یک حکومت مشروع شناخته شوند. (۲) هیچگونه همکاری باید به آنها نه شود- در حکومت و جامعه هیچکس نباید بآنها کمک نماید. و همچنان به هیچ طریق نباید از آنها اطاعت گردد. در یک عملیات کودتا اشغال ساختمانهای حکومتی، مراکز ترانسپورت و ارتباط و نقاط کلید جغرافیایی به مقصد تامین نمودن تسلط بر خود آنها نه میباشد. بلکه مقصد اصلی از تصرف آنها اولاً کنترل ارکان دولت و بعد ازان اداره تمام کشور میباشد. غاصبین قدرت، برای به موفقیت رسانیدن کودتا باید این کنترل وسیع را تامین کنند. هر چند، اشغال این مراکز به تنهایی خود برای کودتاچیان تسلطی را که آنها بالای حکومت و جامعه میخواهند قایم کرده نمیتواند. در آغاز، کودتاچیان مردم، تشکیلات سیاسی اقتصادی، ویاتشکیلات اجتماعی، بخش های حکومت را زیر اداره خود داشته نمیباشند. حتی تمام قوای عسکری و پولیس نیز در تحت اداره شان نه می باشد. کودتا چیان حتی در موقعیتی هم نه خواهند بود که در حال موجود هیچ وظیفه مهم عقیدتی را انجام بدهند. بعد از آنکه قوای نظامی و یا ملیشه ساختمانهای حکومتی و مراکز مهم ارتباط و ترانسپورت را اشغال نمودند، حتماً یک دوره قاطع و تعیین کننده دگر پیش می آید

که در آن باید کودتا چیان تسلط و اداره خود را تاسیس و تحکیم نمایند. حتی در صورت نبودن مقاومت بر علیه کودتا نیز رسیدن به آن به زمان و مساعی نیاز دارد. این ضرورت برای تاسیس و تحکیم کنترول- و زمانیکه به آن لازم است، برای جامعه فرصت یک مدافعه مؤثر را ممکن میسازد.

کودتا چیان نیازمند اند.....

فوراً بعد از آغاز کودتا، کودتا چیان از طرف مردم به قبول حقانیت اقدام شان ضرورت دارند، و آن عبارت از پذیرفتن حق اخلاقی و سیاسی آنها و یا صلاحیت شان برای حکومت کردن میباشد. تائید از طرف پیشوایان اخلاقی و مذهبی جامعه، شخصیت های مهم سیاسی و در بعضی حالات اعضای خانواده سلطنتی یا مقامات رسمی سابقه، به آنها برای کسب آن پذیرفتن، کمک خواهد کرد.

کودتاچیان ضرورت دارند که کنترول ارکان دولت توسط آنها، از طرف اشخاص و مؤسساتی که در وجود آنها معنویت و حقانیت صلاحیت سیاسی قرار دارد، اگر آنها مقامات رسمی، انتخابی، رهبران اخلاقی غیر رسمی و یا اعضای خانواده سلطنتی باشند، قابل قبول واقع گردد.

لذا اولین اصول اساسی ضد-کودتا تردید حقانیت داعیه کودتا چیان میباشد.

همچنان کودتاچیان ضرورت دارند که رهبران ملکی و جامعه پشتیبان آنها بوده یا در زمینه گنج و مبهوت گردیده و یا محض موقف منفی اختیار نمایند. بر علاوه، کودتاچیان برای تحکیم تسلط شان بالای جامعه به همکاری متخصصین و مشاورین، مقامات بلند رتبه حکومتی و مستخدمین ملکی، مدیران و قضات ضرورت دارند. نامه نگاران و پخش کنندگان، طبع کنندگان و میخانیکان باید چیزی که به آنها گفته شود اجرا نمایند. پولیس، مامورین محبس، و عساکر لازم است که در توقیف نمودن، بندی نمودن معترضین و اعدام اشخاص طوریکه به آنها امر میشود از اوامر اطاعت نمایند. کودتا چیان نیز ضرورت دارند که عده کثیری از مردم که سیستم سیاسی، مؤسسات جامعه، و اقتصاد کشور را اداره میکنند، به آنها طور منفی تسلیم و وظایف معمول خود را طوریکه توسط اوامر و پالیسی کودتا چیان تغیر داده شده اجرا نمایند.

خلاصه، برای اینکه کودتاچیان تسلط خود را بالای جامعه تحکیم نمایند، نه تنها به یک مقیاس قابل ملاحظه از طرف مردم به شناختن حقانیت اقدام شان ضرورت دارند، بلکه همچنان به همکاری جامعه که آنها میخواهند بالایش حکومت کنند هم نیاز دارند.

باوجود، تعداد کم و یا هیچ یک از این ایجابات ضروری، مثل تسلیم شدن، همکاری و کمک شاید که برآورده شده باشد. امکان دارد که کودتاچیان با رد نمودن، عدم همکاری و مخالفت به مخاطره روبرو گردند. هر دو، شناختن حقانیت اقدام شان، و همکاری مورد ضرورت به آنها از طرف مردم آسیب پذیر میباشد. تمام این گروهها و عموم مردم شاید از اجرای آنچه که به ایشان امر گردیده امتناع ورزند. ادعای

حقانیت آنها شده میتواند که رد گردد. همکاری، اطاعت، و حمایتی مورد ضرورت ممکن به ایشان داده نه شود. لذا راه تحکیم اداره کودتاچیان به موجب آن مسدود شده میتواند.

حتی مخالفین میانه رو شده میتواند که متعرضین را مجبور سازند، که برای بدست آوردن پذیرش مورد نیاز، همکاری و حمایتی جامعه، مساعی قابل ملاحظه به عمل آورند. در یک مدافعه نیرومند ضد-کودتا، مردم کنترل ارکان دولت و کشور را توسط متعرضین با به کار بردن عدم همکاری دسته جمعی و انتخابی مانع گردیده، در حالیکه پشتیبانی خود را از حکومت قانونی و خواست آن برای مقاومت ادامه میدهند. تردید قوی، مصمم و گسترده مردم، عدم همکاری و مخالفت با کودتا توسط جامعه میتواند که راه رسیدن کودتاچیان را به اهداف شان مسدود ساخته و کودتا را به شکست مواجه سازد.

اصول دوهم مدافعه ضد کودتا عبارت از مقاومت نمودن میباشد به مقابل کودتاچیان با عدم همکاری و مخالفت.

در هر دو صورت، از شناختن حقانیت کودتاچیان و همکاری نمودن به آنها امتناع میگردد، و در نتیجه آنها از گرسنگی سیاسی خواهند مرد.

مدافعه مستقیم جامعه

لذا، یک پالیسی ضد-کودتا استوار است، بالای مدافعه جامعه توسط خود جامعه، نه به مدافعه نقاط جغرافیایی، و حتی نه به مدافعه ساختمانهای حکومتی. سر انجام جغرافیه و ساختمانها برای رهبران کودتا مهم اند، تنها در حالیکه تصرف به کومک انسانی توأم باشد. مثلاً اشغال یک تعمیر مکتب برای کسیکه میخواهد تعلیم و تربیه را کنترل کند، بیدون یک مکتب فعال با شگردان، معلمین و هیئت اداری هیچ معنی ندارد. اشغال میدان راه آهن بالای آن بخش انتقالات کنترل را تامین کرده نمیتواند در صورتیکه کارگران خط ریل و آمرین آنها نخواهند که ریل هارا مطابق امر به کار اندازند. تنها تسلط بالای ساختمان پارلمان کنترل را بالای اعضای پارلمان و مردمیکه به حکومت پارلمانی معتقد اند تامین کرده نمیتواند.

در عوض، کوشش برای آماده ساختن مدافعه قانونی با جنگ نمودن بالای تعمیرات و نقاط جغرافیایی، مردم عملاً از موسسات جامعه و آزادی خود دفاع مینمایند. درین موقع اولویت ها در اقدامات خیلی مهم اند. اصرار بالای استوار ماندن بالای طرز العمل های قانونی و یا مطبوعات آزاد بطور مثال برای دیموکراسی زیادتیر اهمیت دارند، نسبت به اشغال یک چاراهی و یا ساختمان مشخص.

البته حقیقت دارد که بعضی اوقات محلات و ساختمانهای معین دارای اهمیت خاص علامتی (سمبولیک) میباشد. مدافعین ملکی شاید بخواهند که از اشغال این محلات با سپر نمودن وجود خود در بین متعرضین و ساختمانها جلوگیری نمایند. بطور مثال در سال ۱۹۹۱، ساختمان پارلمان لیتوانیا (Lithuania) و " قصر سفید" روسیه هر دو همینطور باقوت مردم محافظه شدند. مگر این دو حالت را نباید بسیار عمومی ساخت. اولاً باید گفته شود که سد بندی با تن انسانها همیشه واقع بینانه نمیشد. مثلاً تحت شرایط

شدید جوی، مخصوصاً سردی واقعا غیر ممکن خواهد بود که توسط عین اشخاص سد بندی انسانی را برای مدت بسیار طولانی در محل خود پایدار نگهداشت. لهذا مهم است که به یاد داشته باشیم که مدافعه ضد-کودتا مدافعه جامعه است نه مدافعه نقاط جغرافیای ویا تعمیرات، محلاتیکه اگر کودتاجیان بخواهند که به حد کافی مردم را به قتل برسانند آنرا اشغال کرده میتوانند.

اگر کودتاجیان در قصد و میتود خود متیقن نیستند، ویا قطعات آنها نخواهند که تعداد زیاد مدافعین را به قتل برسانند، دران حالت مدافعه سد انسانی امکان دارد که کامیاب گردد. باوجود، در کوشش کردن که تعمیرات مهم ویا محلات دگر را با سد انسانی دفاع نمائیم خطر جدی موجود میباشد. اگر باوجود مقاومت و مساعی مدافعین ساختمان موفقانه از طرف کودتاجیان اشغال گردد، مدافعین و مردم عوام بطور غیر موجه معنویات خودرا از دست خواهند داد. مدافعین شاید فکر کنند که تنها ساختمان پارلمان اشغال نه شده، بلکه در حقیقت خود پارلمان از بین رفته است. مدافعین و مردم شاید فکر کنند که محض اشغال فیزیکی قرارگاهای حکومت قبلی، کودتاجیان را بالای جامعه مسلط ساخته است. پس برای مدافعه ساختمانها در حین طرح ستراتیژیها و تکتیک ها احتیاط فوق العاده زیاد باید به خرچ داده شود، طوریکه مدافعین و مردم هر دو باید تاکید زیاد را در دفاع سیستم قانونی و خود مؤسسات جامعه مبذول دارند، که مستقلانه از آنکه چه بر سر تعمیر میگذرد دوام کرده میتواند. رهبران کودتا مردم جامعه، مؤسسات، تشکیلات و حکومت را بیدون تسلیم شدن و همکاری مردم کنترل نموده نمیتوانند.

ضرورت برای احضارات

سه مورد مدافعه ضد-کودتا که قبلا مطالعه گردید، مدافعه بیدون بهره برداری از پلان گذاری و احضارات قبلی بوده، و به عجله اجرا گردیده اند. قابل تعجب است که حتی بیدون احضارات قبلی اقدام دسته جمعی به کدام اندازه نیرومند بوده میتواند. باوجود، مقاومت احضار نشده نسبت به مدافعه که از قبل به مقابل این گونه تعرضات به احتیاط آماده شده باشد ضعیفتر خواهد بود. با اجرای احضارات قبلی تشنج تردد، در اینکه چه باید کرد، اعتراض های غیر مؤثر ویا بی فایده و معطلی های زیان آور در اجرای اقدامات و تصامیم استوار از بین میروند ویا به حد قابل ملاحظه تقلیل می یابند. برعکس، مدافعه ضد-کودتا، از طرف شهریان مصمم توسط احضارات مشخص و خطوط رهنمایی به اندازه زیاد نیرومند میگردد. هدف این تعلیمات باید آماده ساختن شهریان و مؤسسات اجتماعی به مقاومت دسته جمعی به مقابل هر کودتا باشد. این احضارات باید شامل هر دو، تعلیمات عمومی برای مدافعه و همچنان مسؤلیت های معین را برای اعضای گروه های مخصوص جامعه و مؤسسات مثل مستخدمین ملکی، رهبران دینی، پولیس، ژورنالیست ها، مستخدمین ترانسپورت، و بسیاری از دیگران را در بر گیرد.

اینطور پلانگذاری و احضارات، برای مدافعه ضد-کودتا ممکن میباشد. چه اگر مؤسسات مستقل جامعه و یا حکومت (با معاونت مؤسسات و تشکیلات غیر حکومتی) مدافعه ضد-کودتا را شروع و اجرا کنند، در هر دو صورت، مدافعه مذکور عمدتاً نظر به وضعیت سیاسی در کشور و درجه قدرت و نیروی زندگی (بیداری) در جامعه تعیین میگردد.

اهداف مدافعین ملکی

به اساس پالیسی ضد-کودتا، مقاومت کنندگان به اهداف ذیل توجه مینمایند:

- مشروعیت کودتاچیان را انکار و دعوی آنها را که در مملکت به حیث یک حکومت شناخته شوند غیر مشروع بدانند؛
- برای کودتاچیان جامعه را که بالای آن تعرض کرده اند غیر قابل اداره بگردانند؛
- از جاگزین کردن حکومت که از طرف کودتاچیان طرح شده ممانعت کردن؛
- محافظت، کنترل و اداره خودی جامعه خود آنها؛
- مؤسسات جامعه را در مقابل کودتا، به یک تشکیل مقاومت، که در عین حال در همه جاها موجود باشد، تبدیل نمودن؛
- برای کودتاچیان بدست آوردن اهداف دیگر را اجازه ندادن؛
- برای کودتاچیان بهای تعرض و تحت تسلط آوردن را غیر قابل قبول ساختن؛
- قابلیت اعتماد و وفاداری قطعات و مامورین کودتاچیان را برهم زدن و آنها را وادار نمودن که از صاحب منصبان یاغی خودفرار نمایند؛
- در میان طرفداران کودتاچیان عدم موافقه و اختلافات را تشویق نمودن؛
- تحریک نمودن مخالفت بین المللی در مقابل کودتا توسط فشار دیپلماتیکی، اقتصادی و آرای عامه، بر ضد متعرضین؛ و
- بدست آوردن حمایت بین المللی در امور ارتباط، امور مالی، مواد غذایی، دیپلوماسی و منابع دیگر.

مقاومت: عمومی و متشکل

ستراتیژی های مدافعه ضد-کودتا، در ابتدا به دو قسمت وسیع تقسیم شده میتواند، "مقاومت عمومی" و "مقاومت متشکل". ۱۳ "قبل از حمله عمل کودتا یک تعداد نقاط مهم باید برای مردم عام انتخاب و نشان داده شود، که نظر به آن حتی در زمان عدم موجودیت کدام تعلیمات مشخص از طرف گروه زعامت مقاومت نمایند. این طرز مقاومت بنام "مقاومت عمومی" یاد میگردد. به طور مثال، این نقاط مقاومت مشتمل شده میتوانند، به کوشش هائیکه رژیم متعرضین را به حیث یک رژیم برحق ارتقا دهد، مساعی که هیئت مقننه انتخابی را دوباره ترتیب نموده و یا آنرا به کلی لغوه نماید، تدابیری که محاکم را

دوباره ترتیب نموده و یا یک قانون اساسی جدید را بالای کشور تحمیل نمایند، محدود کردن آزادی بیان و مذهب، و اقداماتی که مؤسسات آزاد جامعه را کنترل نمایند.

تجاوز بر هر یکی از این موارد از طرف متعرضین برای مردم اشاره خواهد بود برای مقاومت و استادگی. تدارک قبلی تعلیمات (خطوط اساسی) برای مقاومت عمومی، حتی اگر مقامات قانونی و برحق و یا رهبران مدافعه ابتدایی بندی و یا اعدام هم شده باشند، یک مقاومت عاقلانه را ممکن میسازد. همچنان در صورتیکه ارتباط مردم با رهبران مدافعه قطع هم شده باشد مقاومت عمومی به عمل آورده شده میتواند.

"مقاومت متشکل" از مقاومت عمومی متفاوت میباشد. در مقاومت متشکل مدافعین به اساس یک درخواست عمومی و یا تعلیمات از طرف یک دسته رهبری مدافعه ضد-کودتا عمل مینمایند. این دسته از اعضای حکومت قانونی، هیئت مقامات رسمی پلان گذاری مدافعه ضد-کودتا، و یا اشخاصیکه به کدام طریق دگر انتخاب گردیده اند عبارت شده میتوانند. و نیز این رهبری بطور مثال، از تشکیلات داوطلب (تعلیمی، ملکی، کارگری، دینی، سیاسی و غیره) که بصورت غیر رسمی از طرف جامعه پذیرفته شده اند، قبول میگردند، (اگر بطور عموم هویت شان برای مردم روشن باشد یا نه).

مقاومت متشکل تنها مقاومت عمومی را تکمیل نموده و آنرا تعویض نه مینماید. اکثراً مقاومت متشکل عبارت از اقداماتی میباشد که به یک واقعه خاص متمرکز بوده و یا در زمان مشخص و یا مکان معین واقع میگردد. اینطور مقاومت شکل یک اقدام مشخص اعتراض علامتی (سمبولیک) و یا مقاومت را اتخاذ نموده میتواند، که در آن به (تعداد زیاد) اشکال ممکن مقاومت موجود میباشد. مثال های آن شامل مظاهرات، اعتصابات کوتاه مدت، رفتار های اعتراضی، اعتراض با بوجود آوردن تاریکی مکمل، به صدا در آوردن زنگ های کلیسا، به اهتزاز در آوردن پرچم های ملی به شکل غیر معمول (شاید نیم افراشته)، مبارزه متشکل نوشتن مکتوب ها، خواندن همزمان بیانات رسمی از طرف رهبران دینی، اعتصابات متشکل گرسنگی، پخش نمودن پروگرام های رادیوی توسط دستگاه های مخفی، و اظهارات ماتم و غم (بمقابل مظالم متعرضین و یا اعمال دهشت افگنی مردم جامعه) شده میتواند.

هر دو، مقاومت عمومی و مقاومت متشکل در امر مبارزه به مقابل کودتا بسیار مهم میباشد. تناسب مؤثریت نقش هر کدام نظر به شرایط مشخص تفاوت خواهد داشت.

اهمیت ستراتیژی

اصول عمومی که تا حال در مدافعه ضد-کودتا بسیار مؤثر بوده مبارزه عدم تشدد میباشد. این میتود از جنگ با کودتاچیان توسط اسلحه نظامی جلوگیری مینماید، وسیله که غاصبین در آن برتری دارند. و نیز اصول عدم تشدد توانایی مدافعین را از دیاد نموده، و تعداد ممکن مقاومت کنندگان را نسبت به آنانیکه میتوانند و میخواهند که تشدد را به کار برند وسیعاً زیاد میسازد. و مهمتر از همه معنویات و قابلیت اعتماد عساکر کودتاچیان را تخریب میسازد.

اسلحه و یا اصولهای مبارزه عدم تشدد- مثل اعتصابات. تحریم ها، انواع عدم همکاری سیاسی و بغاوت بطور اتفاقی و لا علی التعمین بکار برده نمیشود. این روش ها باید مطابق هوس اشخاص و یا در جواب واقعات ناچیز و بی اهمیت انتخاب نگردیده و نشاید در یک حالت هرج مرج و عجله یا قوه درک مستقیم بکار برده شوند. در عوض، این میتودها زیاد تر مؤثر خواهند بود ، اگر به حیث قسمت های یک ستراتیژی جامع مدافعه ضد-کودتا که به احتیاط کامل انتخاب گردیده به کار برده شوند.

کوشش برای تاسیس نمودن مدافعه ببدون تنظیم نمودن یک ستراتیژی برای مبارزه یک تهور بیجا بود، و نیز احتمالاً مصیبت بار خواهد بود. یکی از دلایل عمده ناکامی مبارزات عدم تشدد در گذشته انتخاب یک ستراتیژی ضعیف و یا بطور قطعی اکثرا غفلت در تکامل دادن یک ستراتیژی بوده است. ستراتیژی در مبارزه عدم تشدد به همان اندازه مهم است، طوری که در محاربه مسلحانه نظامی مهم میباشد.

برای پیشبردن مبارزه بطور کلی به یک پلان جامع ضرورت میباشد، که آنرا بنام ستراتیژی بزرگ یاد میکنند. به داخل آن ستراتیژی های جداگانه باید تنظیم گردند، که توسط آن اهداف عمده مبارزه را بدست آورد و یا آنرا در مراحل وسیع مبارزه استعمال کرد. ستراتیژی عبارت از یک تصور، یک پلان عمومی است که به اساس آن چگونه به شکل بهترین عمل نمائیم ، تا در مرحله عمده یک تصادم در چوکات یک ستراتیژی بزرگ به هدف خود برسیم. هدف این است که چگونه باید منابع خود را استعمال کنیم تا برتری های خود را بالا به بریم و هدف خود را به کمترین قیمت بدست آوریم. ستراتیژی انتخاب شده به ما تعیین مینماید که آیا، چه وقت، و چطور باید مبارزه نمائیم.

به داخل یک ستراتیژی تکنیک های مخصوص – پلان ها برای عملیات محدود و میتودهای جداگانه - اشکال مشخص عمل – برای به کار بردن ستراتیژی استعمال میگردد. این عملیات از نگاه زمان، مقیاس و یا مسایل مشخص زیادتر محدود اند ، برای اینکه به اهداف محدود مورد نظر توجیه میگردد.

ستراتیژی ها برای مدافعه ضد- کودتا باید به تفکر زیاد و احتیاط فوق العاده زیاد پلان گذاری شوند. ستراتیژی ها باید به اساس بهترین منابع موجود در مورد اصول های ستراتیژیک تنظیم گردند. آنها باید به اساس دانش مبارزه عدم تشدد، قوه کودتا، وضعیت مخصوص مبارزه و جوانب قوی و ضعیف مدافعین و کودتاچیان ترتیب گردند.

موضوعات ستراتیژی طوری که درینجا ذکر شد از آن زیادتر گوناگون و پیچیده اند، خوانندگانیکه به اتخاذ تصامیم ستراتیژیک نیازمند هستند، به مطالعات وسیعتر منابع دیگر اکیدا توصیه میگردد. " ۱۴ "

اسلحه ضد-کودتا

انتخاب موفقترین میتودهای عمل بر علیه کودتا حایز اهمیت میباشد. ستراتیژی اولی ضد-کودتا با اسلحه آتی عدم تشدد قابل اطمینان شده میتواند: به خانه ماندن هرکس؛ فلج ساختن هر بخش سیستم سیاسی که کودتاچیان میخواهند آنرا اشغال نمایند؛ فعالیت دوامدار بخش های غیر کنترل شده سیستم سیاسی مطابق روش ها و قوانین قبل از تعرض (فرامین و پالیسی های کودتا چیان را نادیده گرفتن)؛ کوچه هارا با

مظاهره کنندگان مزدحم ساختن؛ برخلاف ویا کوچه هارا مکمل خالی گذاشتن؛ گمراه ساختن دسته جمعی قطعات نظامی و مامورین متعرضین؛ نشریات توسط اخبار و پخش نمودن توسط رادیو و تلویزیون، متعرضین را، با نشر اخبار تعرض و مقاومت مخالفت کردن؛ اعتصاب عمومی؛ و یک تعطیل اقتصادی (توسط کارگران و اداره کنندگان).

در مبارزه مدافعه، دادن اهمیت اولی به آن میتودهاییکه به اهداف اولی کودتاچیان مستقیماً مقابله میکند مهم میباشد. این هدف ها اساساً مربوط خواهد بود به توصل و تحکیم تسلط بالای سیستم سیاسی و خنثی نمودن عناصر مخالف به کودتا. فکر نمیشود که اهداف اقتصادی در بین هدف های اولی کودتاچیان باشد. (اهداف اقتصادی ممکن است که در بعضی حالات هدف های دراز مدت باشند. مثلاً تحت کنترل آوردن سیستم اقتصادی که اکثراً در دست طبقه صاحب امتیاز میباشد. ویا استعمال دولت که کنترل ویا مالکیت سیستم اقتصادی را در دست بگیرد.)

کنترل سیستم اقتصادی، به ندرت اگر گاهی هم اتفاق به افتد، هدف کودتا واقع میگردد. لذا اعتصاب عمومی ویا تعطیل های اقتصادی به ندرت، مناسبترین و مؤثرترین میتود مستقل مقاومت در اقدام ضد-کودتا میباشد. چون برای مدت کوتاه بکار برده میشوند، باوجود، آنها میتوانند که متانت عزم مقاومت مردم را نمایش دهند. چنینکه برای یک زمان دراز به کار برده شود، باوجود، این اسلحه اقتصادی میتواند که ظرفیت دوام دادن مدافعه جامعه مورد تعرض را به خطر اندازد. اعتصاب عمومی، بطور مثال تنها در شروع مدافعه ضد-کودتا بکار برده خواهد شد که قاطعیت جامعه را برای مقاومت در مقابل تعرض نشان داده، و در مراحل بعدی میانه برای بعضی مقاصد مشخص و محدود مثل اعتراض در مقابل بیرحمی و وحشت بیحد بکار برده میشود. اعتصاب عمومی ویا تعطیل اقتصادی وقتی استعمال شده میتواند که تصور شود که نشان دادن مقاومت دسته جمعی و زنده یک ضربه آخری و کشنده را برپیکر تعرض حواله خواهد کرد. در ابتدا آن میتودهای مشخص بسیار مهم خواهد بود که مستقیماً به اهداف اولی کودتاچیان متوجه گردد: (۱) دعوی بر حق بودن کودتاچیان را رد نمودن؛ (۲) راه گرفتن کنترل دستگاه سیاسی دولت را بر روی آنها بستن. (توسط عدم همکاری مستخدمین ملکی، پولیس، قوای نظامی، مامورین قدمه های پایانی حکومت، و غیره)؛ (۳) نشان دادن تردید، عدم همکاری، و عدم اطاعت مردم در مقابل کودتا؛ (۴) راه مساعی کودتاچیان را برای کنترل وسایط ارتباط مسدود و در عوض آنرا توسط طریقہ های مختلف دگر مثل وسایل مطبوع و رادیو ادامه دادن؛ و (۵) مساعی کودتاچیان را برای خنثی ویا کنترل نمودن مؤسسات مستقل جامعه مخالفت نمودن. اگر وسایل مدافعه که درینجا ذکر گردید بصورت دسته جمعی و مؤثر به مقصد رسیدن به این اهداف به کار برده شده توانست پس کودتا فرومیریزد.

تعلیمات برای مقاومت عمومی

تعلیمات برای مقاومت عمومی در مقابل کودتا، قبل از هر کودتای احتمالی تنظیم گردیده می‌تواند. این تعلیمات، عناصر اساسی برای یک ستراتیژی مؤثر ضد کودتا و دادن تعلیمات برای مردم را که در مقابل کودتا چطور مقاومت کنند در بر می‌گیرد، که مواد آتی را در بر خواهد گرفت:

- کودتا را تردید و رهبران آنرا به عدم مشروعیت محکوم، و به حیث یک حکومت تنها سزاوار به رد نمودن شناخته شوند. محکومیت کودتاچیان به عدم مشروعیت باید از طرف رهبران معنوی، سیاسی و دینی، مقامات رسمی و اعضای تمام مؤسسات جامعه پشتیبانی شود، (که دران معارف، وسایل ارتباط جمعی، و ارتباط شامل باشند) و حکومت ها و مقامات رسمی ملی، محلی، منطقوی، و ولایتی (شامل رؤسای دولت و در صورت موجودیت اعضای خانواده سلطنتی). برای کودتاچیان از دادن هر نوع مشروعیت به هر شکلی که باشد انکار گردد. حتی مساعی مذاکرات برای مصالحه، در بین آنها و رژیم مشروع قانونی رد گردد.
- تمام فرمان ها و اوامر کودتاچیان را بر ضد قانون موجود غیر قانونی دانسته، از اطاعت نمودن آن انکار گردد،
- برای اینکه مدافعه ضد کودتا، تا حد ممکن بسیار مؤثر به پیشبرده شود، بصورت کلی باید مقاومت، اکیدا از اصول عدم تشدد پیروی نماید. از تحریک شدن به تشدد و دگرحرکات دور از احتیاط باید احتراز گردد.
- تمام مساعی کودتاچیان برای تاسیس و توسعه کنترول بالای ارکان حکومت و جامعه رد گردیده و از ان اطاعت نه شود.
- با کودتاچیان از تمام رهگذر ها همکاری نه گردد. این طرز معامله شامل تمام مردم؛ تمام متخصصین و دانشمندان مسلکی (تکنوکرات ها)؛ تمام رهبران حکومت قبلی و احزاب سیاسی؛ تمام شعبات حکومت مرکزی ویا فدرال، با مستخدمین ملکی و مقامات بلند رتبه دولتی؛ گروه های کلیدی اشخاص مسلکی و حرفوی؛ تمام کارمندان وسایل ارتباط جمعی و ارتباط؛ تمام کارکنان سیستم ترانسپورت؛ پولیس؛ اعضا و قطعات قوای نظامی؛ تمام قضات و مستخدمین سیستم قضایی؛ کارمندان مؤسسات مالی حکومتی و شخصی؛ مامورین و اعضای تمام مؤسسات دگر جامعه.
- اداره عادی جامعه، مطابق قانون اساسی، قوانین و پالیسی حکومت مشروع و مؤسسات مستقل جامعه باید محافظه و در نگهداری آن اصرار و پافشاری به عمل آید. این طرز اجراءات باید تا وقتی ادامه نماید که اشخاص ویا گروه عملاً از محل کار، دفتر، ویا مرکز فعالیت شان دور ساخته شوند. حتی در آنصورت هم تا وقتی که ممکن باشد، از محلات دگر فعالیت های عادی دوام داده شود. مخصوصا این شامل حال تمام اشخاص رسمی و مامورین تمام شعبات، ادارات و قدمه های حکومت می‌گردد.
- فعالیت مؤسسات مشروع سیاسی و اجتماعی باید دوام داده شود. به مقصد اجرای وظایف آن عده سازمانهایی که از طرف کودتاچیان مورد تعرض واقع گردیده ویا مسدود شده اند، سازمانهای حمایتی را باید بوجود آورد.

- از دادن معلومات های ضروری به کودتاچیان و معاونین آنها باید خوداری گردد. بطور مثال، در کجا این کومک خواهد کرد، به مقصد تاخیر ساختن فعالیت های کودتا چیان و محافظه نمودن مردم از گرفتار شدن، اشارات سرک ها، نامهای کوچه ها، اشارات ترافیکی، نمرات خانه ها، و غیره برداشته شود.
- از اكمال نمودن کودتاچیان به مواد و وسایل ضروری اجتناب نمودن و اگر وقت مناسب باشد این مواد و وسایل را باید پنهان نمود.
- در عین زمانی که به کودتا دوام داده میشود، با مؤظفین و قطعاتیکه در خدمت کودتاچیان اند به "گفتگوی خلاقانه" و دوستانه بر خورد شود. به آنها دلایل مبارزه مدافعه را تشریح، و برای شان اکیداً فهمانده شود که در آینده در مقابل شان هیچ نوع تشدد بکار برده نخواهد شد. کوشش شود که وفاداری آنها به مقابل کودتاچیان تضعیف گردد، و هم سعی نمائید که آنها را وادار سازید که به مدافعین کومک نمایند. معاونت شان شده میتواند که به شکل بی کفایتی عمدی در امر جلوگیری از فعالیت مدافعین، دادن معلومات کودتاچیان به مدافعین، ویا در حالت افراطی به فرار آنها از وظیفه منتج، و عساکر در عوض با مدافعین در مبارزه عدم تشدد برای آزادی یکجا شوند. به جای هوا خواه بودن به طرز العمل های قانونی و حقوقی کوشش نمائید که عساکر و مؤظفین را از نگاه ضرورت قناعت دهید.
- با کودتاچیان در توزیع و انتشار تبلیغات آنها معاونت نه گردد.
- فعالیت ها، زجر و فشار کودتاچیان رابه شکل تحریری، صوتی، و فلمی باید ثبت، و به شکل سند در آورد. این اسناد باید محافظه و نیز به مدافعین، جامعه بین المللی و حامیان کودتاچیان وسیعاً توزیع گردد.

معامله با قطعات و مؤظفین غاصبین

بسیار قبل از کودتا، مدافعین باید با کودتاچیان داخل مفاهمه شده و به کودتاچیان و مؤظفین و قطعات آنها در مورد مخاصمت مردم بر علیه تعرض اخطار دهند. الفاظ و حرکات علامتی باید استعمال گردد که اراده مقاومت، و شکل مدافعه که به عمل آورده خواهد شد و به کودتاچیان اصرار گردد که از عزم کودتا منصرف شوند.

در تمام مراحل کودتا، باید کوشش شود که وفاداری عساکر کودتاچیان و مؤظفین آنها را به مقابل شان تضعیف کرد. در شرایط مدافعه ضد کودتا این مفاهمه نسبت به تجاوز خارجی آسانتر میباشد، زیرا که درین حالت مدافعین با عساکر و مؤظفین به یک لسان صحبت میکنند ویا اقلاً یک لسان عمومی که هر دو آنها بدانند موجود میباشد. اگر باز هم تفاهم و مکالمه ممکن نبود توسط اوراق نشر شده یا شعارها ویا کسیکه در صفوف مدافعین در لسان مهارت داشته باشد، ویا با طرز حرکات و اشارات حل مطلب نمود.

عساکر کودتا چیان باید در ابتدا خبر داده شوند که در مقابل شان مقاومت وجود خواهد داشت، ولی این مقاومت یک شکل مخصوص خواهد داشت. درین مقاومت، مدافعه به مقابل کوشش گرفتن کنترل توسط کودتا متوجه خواهد بود، بیدون اینکه به عساکر منفرد صدمه برسد. اگر این مطلب رسانیده شده بتواند، احتمال میرود که عساکر، جامعه مدافع را از راهای بسیط کومک خواهد کرد مثلاً جلوگیری از بیرحمی ها و وحشت، بغاوت در یک نقطه بحرانی وقتی که قطعات فکر کنند که در هر دقیقه ممکن است که توسط یک نشانزن ماهر ویا بم کشته میشوند.

مظاهرات مکرر که دران قصد تشدد ویا تهدید به مقابل عساکر منفرد نبوده، وبا مقاومت واضح توام باشد دارای اهمیت زیاد میباشد. این ترکیب بزرگترین اتفاق وقوع مؤثریت مدافعه ضد کودتا را فراهم میسازد. مقاومت نیرومند بیدون تهدید شخصی ویا تشدد شده میتواند که اقلأ در میان بعضی از عساکر مسئله اخلاقی و معنوی آنها را به وجود آورده ویا آنرا تشدید نماید. این مسئله میشود که، خود را در مقابل کودتاجیان به طور وفاداری غیر قابل اعتماد، مسئله محافظه عزت نفس در زمان وارد نمودن زجر و فشار بالای مردم مسالمت آمیز و در حالات فوق العاده به بی علاقی و بغاوت نشان دهد.

باوجود ضمانت شده نمیتواند که قطعات کودتاجیان به شکل مفید در مقابل انضباط عدم تشدد، خاصتا در کوتاه مدت تحت تاثیر بیایند. هنوز هم آنها شاید به وحشت و قساوت مرتکب گردیده و مدافعین عدم تشدد را به قتل برسانند. با وجود، این نوع تراژیدی ها به معنی نقصان در مقاومت نمیباشد. در عوض، اجرای دوا مدار مقاومت با انضباط، به مقابل مظالم و وحشت ها میتواند که کودتاجیان را ضعیف و مبارزه مدافعه را قراریکه در بخش های آینده مورد بحث قرار گرفته نیرومند سازد.

مواجه شدن به تعرض: ممانعت و مذاکره

اگرچه درینجا مدافعه ضد-کودتا با حمله نمودن بالای قطعات کودتاجیان به شیوه نظامی اجرا نمیشود، لیکن یک اقدام محدود اگر در مرحله ابتدایی تعرض هم اتخاذ گردد، بالای قطعات تاثیر خواهد گذاشت. اگر حرکت تعرض به وقت وزمان کشف گردد، مدافعین میتوانند که برای زمان موقت توسط فعالیت های ممانعت کننده در شاهراهها، کوچه ها، میدان های هوایی، راهای خط آهن و غیره، از به کار انداختن قطعات کودتا ممانعت کنند. دخول و حرکت قطعات شده میتواند که توسط طریقه های مثل ممانعت از استعمال راهای آهن، مسدود نمودن شاهراهها و میدانهای هوایی توسط موتر ها، و در بعضی حالات بند ساختن کوچه ها و سرک ها توسط سد انسانی متوقف شود.

اگرچه این نوع فعالیت های ممانعت کننده در مقابل به کار انداختن قطعات تنها برای مدت کوتاه مؤثر خواهد بود، لکن اقدامات فوق برای عساکر منفرد واضح خواهد ساخت، که برخلاف چیزی که برای شان گفته شده، به حیث قطعات کودتا آنها مورد قبول نیستند. همچنان مردم برای قطعات خواهند فهماند که به تبلیغات رهبران کودتا باور نه نمایند.

مثال دیگر اقدامات علامتی (سمبولیک) شده میتواند که مردم بازوبند عزا را به بازوهای خود به بندند، در خانه های خود بمانند، اعتصاب عمومی محدود را به راه اندازند و یا از قیود شب گردی تخلف

نمایند. این نوع اقدامات برای دو مقصد به کار میروند. آنها برای دوست و دشمن ابراز خواهند کرد که در مقابل کودتا به شدت مقاومت خواهد شد. در عین زمان معنویات مردم را تقویه نموده و میل توصل نمودن به تسلیم شدن و همکاری نمودن آنها را با کودتاچیان از بین خواهد برد. باوجود، این اقدامات، تنها یک مقدمه علامتی (سمبولک) برای مقاومت مستقل بعدی خواهد بود.

میتود های علامتی (سمبولک) آتی برای تفهیم نمودن اراده مقاومت مردم به کودتاچیان و قوای آنها به کار برده خواهد شد: اوراق تبلیغاتی، مکتوب ها، نشریات رادیو و تلویزیون، مکالمات شخصی، روزنامه ها، پوسترها (آگهی رسان ها) ، پرچم ها، پیغام های دیپلوماتیک، ایراد بیانیه ها در مجالس منطوقی و ملل متحد، کومک جانب سوم، پیغام های نقاشی و شعارها، و مظاهرات نوع مخصوص. این وسایل تفهیم و اخطار، شده میتواند، که به عساکر قوای متعرض، رهبران و حمایه کنندگان فعلی ویا آینده کودتا توجیه شود.

مواجه شدن به تعرض: انکار و تردید

در ساعات، روزها، و هفته های اول، بعد از آنکه به کودتا مبادرت گردید فوق العاده مهم است، که قدم های سریع و محکم اتخاذ گردد ، که از پذیرفتن کودتاچیان، و از تاسیس نمودن تسلط مؤثر آنها بالای ارکان دولت و جامعه جلوگیری شود. برای مغلوب ساختن سریع کودتا، یک ستراتیژی فوری انکار و تردید کودتا چیان و تعرض آنها ضرورت میباشد. ستراتیژی فوق باید تردید دعوی حقانیت کودتاچیان و رد همکاری را به آنها در بر داشته باشد. این شامل تمام و یا نزدیک به همه عدم همکاری ها با کودتاچیان میباشد. مغلوبیت سریع کودتا در حال حاضر، مبارزه طولانی را در آینده با یک رژیم جا بجا شده قویتر و ظالم غیر ضروری میسازد.

چون کودتا ها در ساعات و روزهای اول مبادرت، عموماً در نقطه ضعیفترین خود می باشند، ازینرو بسیار مهم است که مدافعین ضد کودتا قدمهای فوری و محکم بر ضد متعرضین بردارند. مدافعه باید وسیع و به حد کافی در جامعه عمیق باشد، تا یک تردید ثابت و پا بر جای کودتا چیان را تشکیل دهد. درخواست های متعرضین برای " اتحاد ملی " به معنی حمایت از آنهاست - و دادن فرصت به آنها تا نیات نیک خود را به اثبات برسانند، باید رد گردد.

ممانعت از تاسیس تسلط کودتاچیان

سیاسیون، مستخدمین ملکی و قضات میتوانند که دستگاه معمولی حکومت و محاکم را از کنترل کودتاچیان با نادیده گرفتن و تخلف از اوامر غیر قانونی متعرضین، خارج نگهدارند - طوری که در مقاومت جرمنی به مقابل کودتاچیان کاپ (Kaap Putsch) در سال ۱۹۲۰، صورت گرفت.

هیئت مقننه، کودتا چیان را برای ملاقات نه پذیرفته و نه اوامر و تقاضاهای شانرا اجرا میکنند. در عوض هیئت مقننه جلسات خود را دوام داده، و بر اساس قانون اساسی بر قرار شده فعالیت نماید، تا وقتی که اعضای آن با الفعل از طرف کودتاچیان برطرف گردند. و یا هیئت مقننه میتواند که بعد از صدور

تقاضای مقاومت عمومی و حکومتی به مقابل کودتا، پراکنده شوند. اعضای هیئت مقننه میتواند که بعد از آن با مردم به جوانب دگر مبارزه مدافعه یکجا شوند.

برای کودتاچیان خزانه حکومت و بانک های شخصی پول و یا کریدت تهیه نه می نماید. به طور مثال در سال ۱۹۲۰، بانک جرمنی *German Reichsbank* به کودتاچیان از دادن پول ممانعت کرد، و اعلام نمود که نام دکتر کاپ *Dr. Kaap* رهبر کودتا در لست تصدیق شده امضا کنندگان، برای کشیدن پول دولت نمیباشد.

قوه قضایی کودتاچیان و همدستان شانرا یک گروه غیر قانونی و مخالف قانون اساسی اعلان خواهد نمود. محاکم به اساس قوانین و اساسنامه قبل از تجاوز فعالیت های خود را دوام خواهد داد. آنها از دادن کومک معنوی، قانونی، و ممانعت کننده، به متعرضین حتی اگر به بند نمودن محکمه هم مجبور گردند امتناع خواهد کرد. نظم با فشار اجتماعی، همبستگی و تحریمات عدم تشدد محافظه شده میتواند؛ و نیز محاکم زیرزمینی و میانجی های (داورهای) مستقل استعمال گردیده میتواند.

کودتاچیان باید توسط مقامات حکومتی و مامورین ملکی به یک امتناع عمومی متحد الشکل در اجرای تعلیمات شان مواجه شوند، طوریکه در مقاومت به مقابل یاغیان کاپ رخ داد. و یا مقامات حکومتی و مامورین ملکی میتوانند، که پالیسی سابق را دوام دهند و اوامر کودتاچیان را نادیده و اجرای پالیسی جدید را مختل سازند.

هرگاه، قوای پولیس آشکاراً از کودتاچیان مخالفت کرده، اوامر غیر قانونی را نادیده گرفته، در حالیکه سعی کنند که وظایف عادی خود را ادامه دهند، این اقدام مهمترین عامل بر ضد کودتاچیان حساب شده میتواند. و زمانیکه تحت فشار فوق العاده زیاد کودتاچیان واقع گردند، با اوامر آنها موافقه ساختگی نموده، بلکه با استفاده از حيله و ابراز بی کفایتی قصدی هیچگاه آنرا اجرا نه کنند.

ژورنالیست ها و مؤظفین مطبوعه از تسلیم شدن به قیودات کودتاچیان امتناع مینمایند. آنها اخبار ممنوع شده را نشر، اوراق خبری و نشریات دگر را در ضخامت های خورد و یا بزرگ انتشار مینمایند. پخش کنندگان پروگرام های رادیو و کارکنان تخنیکی شان اخبار مقاومت را از دستگاهای پنهانی و یا از مناطقیکه زیر کنترل کودتاچیان نباشد، یا از قلمرو خارجی نشر میکنند. بطور مثال، رئیس جمهور دوگول (*de Gaul*) و صدراعظم دبیری (*Debre*) اوامر خود را از پاریس به عساکر و صاحبمنصبان فرانسوی که در کودتای الجزایر شامل بودند پخش و از آنها تقاضا کردند که از صاحب منصبان یاغی خود اطاعت نه کنند.

در عین زمان، سعی باید شود اشخاصیکه در کودتا اشتراک میکنند، و مخصوصاً کسانیکه در رتبه های پائین نظامی قرار دارند، و یا مؤسسات دگر که برای شان امر داده شده که از کودتا حمایت کنند، قناعت داده شوند، که از انجام کارهای غیر قانونی جلوگیری کنند. اگرچه برای این گونه اشخاص خطرناک است، ولی آنها باید سعی کنند که به حرکات گوناگون محیلانه دست زده و یا در بین توده های مردم ناپدید شوند، بجای اینکه غاصبین ضد - قانون را پشتیبانی نمایند.

در بعضی حالات گذشته، مقاومت کنندگان در مقابل ستم حکومت کوشیده اند که خود را با پرسونل قطعات تحت قومندۀ خصم، دوست ساخته تا آنها را وادار سازند که در وارد نمودن فشار بالای قوای مقاومت رویۀ خود را نرم تر سازند، و یا با مقاومت دیموکراتیک یکجا شوند. بعضی اوقات، اینطور کوشش ها موفق گردیده اند. مقاومت کنندگان در مقابل کودتاها باید ازین نوع امکانات با خبر ساخته شده و برای بکار بردن آن آماده باشند.

تاثیر عمدۀ این نوع عدم همکاری های مؤسساتی این است که رهبران کودتا را از کنترل نمودن حکومت و جامعه باز میدارد. با مسدود ساختن این راه کنترل، توانایی خود را مدافعین محافظه و یا حتی خود را برای دوام مقاومت دراز مدت در صورتیکه کودتا به سرعت مضمحل نشود آماده میسازد.

عدم اعتنا به تهدید و فشار

کودتاجپا نیکه به مدافعۀ ضد- کودتای نیرومند و خوب احضار شده مواجه گردیده اند، احتمال دارد که جدأ تحت تهدید آمده باشند، لذا آنها شاید به وارد کردن فشار و ضربه جواب دهند. حقیقتاً برای مدافعین و تمام جامعه این یک موقع مشکلی خواهد بود، به طور مثال، گرفتاری ها، محبوسیت ها، لت و کوب ها، کمپ های دسته جمعی، فیرها، اعدام ها تلفات زیادی را بر مدافعین وارد خواهد کرد. با وجود، وارد نمودن فشار ها به تنهایی خود اثر قطعی وارد نه خواهد کرد، به جز اینکه اگر ترس و احساس تسلیم شدن را در بین مدافعین بوجود نیاورد. در حقیقت، وارد آوردن فشار از طرف جانب مقابل نشان دهنده قدرت مبارزۀ عدم تشدد میباشد، و دلیلی اضافه برای مایوسیت وجود ندارد نسبت به اینکه اگر در یک جنگ منظم دشمن فیر جوابی نماید و عساکر خود را زخمی و یا به قتل برساند.

باز هم در یک مدافعۀ ضد-کودتا برای کوبیدن مقاومت و تولید ترس، فشار و ضربه به کار برده خواهد شد. مقولۀ چینیایی است که: "مرغ را بکش که میمون را بترسانی." باوجود، طوریکه در مبارزات متعدد رخ داده است، اگر مقاومت کنندگان و جامعه یکجا امتناع ورزند که از ترس به تسلیم شدن و یا بی ارادگی گردن نهند، پس استعمال فشار و ممانعت کودتاجپان ناکام میگردد. مخالفت عدم تشدد اکثراً خطر جدی تلفات را در بر داشته میباشد، لکن واضح است که این تلفات به مراتب کمتر از حالتی خواهد بود که اگر هر دو جانب تشدد را به کار میبردند. در عین زمان، فشار و پایداری در مبارزۀ عدم تشدد امکان موفقیت را بسیار زیاد میسازد، نسبت به اینکه اگر مقاومت کنندگان انتخاب میکردند که از نگاه نظامی یک دشمن آماده را به تشدد مقابله مینمودند.

کودتاجپان شاید بی رحمی و قساوت شدید مثل به قتل رساندن رئیس دولت و یا دگر رهبران سیاسی بلند پایه را از خود نشان دهند. این بی رحمی ها تنها برای ترساندن مردم که کودتا را قبول نمایند به عمل آورده نه میشود. بلکه، این کشتار ها در مقامات رهبری حکومت چوکی های خالی را به وجود می آورند که کودتا چپان می خواهند خود شان اشغال کنند. لهدا، یک قسمت مهم احضارات ضد-کودتا عبارت از تعیین واضح ترتیب جانشینی سیاسی، کم از کم برای چندین جانشین میباشد.

اهمیت انضباط عدم تشدد

با درک اینکه، تشدد تحرک و قوت مبارزه عدم تشدد را ضعیف میسازد، شاید اکثراً کودتاچیان قصداً کوشش نمایند که مدافعین را به استعمال تشدد تحریک کنند. تشدد و پلان های بکار بردن تشدد را به دروغ به مدافعین منسوب میسازند. وارد نمودن فشار، مخصوصاً فشار وحشیانه از طرف متعرضین شاید به منظور تحریک نمودن مدافعین به تشدد بکار برده شود. در بعضی حالات محرکین در بین دسته های مقاومت جابجا میگردند که استعمال تشدد را در میان آنها تحریک و یا خود عملاً به تشدد دست بزنند، تا تهمت استعمال تشدد را بالای مقاومت کنندگان تأیید نماید. اگر مدافعین نه میخواهند که مدافعه شان ضعیف گردد، تمام این تحریکات به تشدد باید از میان برداشته شوند.

درینجا مدافعه ضد-کودتا به اساس اصول عدم تشدد پایه گذاری شده است. ضرورت بزرگ ستراتیژیکی مبارزه عدم تشدد عبارت از ترکیب نمودن یک مبارزه شجاعانه، با انضباط عدم تشدد میباشد. "۱۵" از به قتل رسانیدن عساکر جوان که به اردوی کودتاچیان پیوسته اند هیچ چیز به دست نمی آید، و چیزهای بسیار زیاد از دست میرود. ارتکاب به تشدد، مخصوصاً قتل توسط مقاومت کنندگان کومک میکند که مبارزه عدم تشدد را طور دیگر، از چندین رهگذر ضعیف سازد. بر خلاف، ستراتیژی اصلی مدافعه، به ارتباط این عساکر عبارت از ضعیف نمودن معنویات آنها میباشد، که آنها را به غیر قابل اعتماد بودن و یا حتی بغاوت وادار ساخت. در صورتیکه، عساکر هدف تشدد مقاومت واقع گردند رسیدن به این هدف غیر ممکن میگردد.

کودتاچیان اجرای تشدد از جانب مدافعین را برای "توجیه" نمودن فشار و ضربه شدیدی که آنها در هر حالت وارد خواهند ساخت استعمال مینمایند. همچنان، استعمال تشدد را از طرف مدافعین، کودتاچیان برای تقویه ادعای خود که آنها کشور را از تروریزم و جنگ داخلی نجات میدهند و هم "نظم و قانون" را محافظه مینمایند به کار برده خواهد شد. استعمال تشدد توسط مدافعین خود شانرا هم ضعیف میسازد، طوریکه مردم کمتر حاضر خواهند شد که از ایشان حمایت نمایند. وهم عوام به اشتراک نمودن در یک مقاومت مکمل ببدون تشدد زیادتیر علاقه نشان خواهند داشت نسبت به درگیر شدن در یک پیکار مسلحانه که با تشدد یکجا باشد.

تحت فشار گرفتن مقاومت کنندگان شجاع و با انضباط، شده میتواند که بعضی اوقات خلاف توقع تاثیر برعکس به بار آورد. درچنین وضعیت، برای فشار تشدد آمیز یک تمایل قوی وجود دارد که برخلاف، به مقابل موضع قدرت خود وارد کننده فشار عکس العمل وارد نماید. این جریان بنام جوجتسوی سیاسی "Political jiu-jitsu" یاد میگردد.

فشار به مقابل مقاومت کنندگان جسور و ببدون تشدد، میتواند که به موضع قدرت وارد کننده فشار از چندین نگاه صدمه برساند. اینطور فشار و تاثیر بی رحمیها میتواند که تعداد مقاومت کنندگان را در بین مدافعین ازدیاد نموده و قاطعیت آنها را برای دفاع نیز بیشتر سازد. همچنان آنها شاید در قلب قطعات کودتاچیان و دگر حامیان شان شک و تردید و احساس خود داری را تولید و باعث بوجود آمدن نارامی، مخالفت، و با آخره، بی علاقهگی، و مقاومت در میان خود جمعیت و مؤظفین و قوای نظامی متعرضین گردد.

وارد کردن فشار و ضربه سنگین بالای مدافعین عدم تشدد مخالفت شدید بین المللی را به مقابل کودتا بوجود آورده، و آرای جامعه بین المللی و اقدام دیپلماتیک و اقتصادی را بر علیه کودتاچیان بسیج میکند.

این جریان جوختسوی سیاسی وقتیکه واقع گردد، برای مدافعین یک کومک خوبی است. باوجود، ستراتیژی مدافعه ضد-کودتا باید بالای آن استوار نباشد. در عوض ستراتیژی باید طور اساسی بالای انکار و رد نمودن حقانیت کودتاچیان متمرکز و با مساعی آنها توسط عدم همکاری عمومی و مخالفت سیاسی که تسلط را بالای کشور تاسیس کنند مخالفت گردد.

خلاصه، محافظه روش عدم تشدد، توسط مدافعین ضد-کودتا احتمال دارد که در موارد ذیل کومک نماید: (۱) بدست آوردن همدردی و حمایه، (۲) تقلیل تلفات، (۳) وارد ساختن بی علاقه‌گی، و بغاوت در قطعات جانب مقابل، (۴) جلب نمودن تعداد اعظمی اشتراک کنندگان در مبارزه، و (۵) بدست آوردن حمایه وسیع. انضباط عدم تشدد یک عامل مهم برای بدست آوردن اهداف فوق میباشد.

حمایه بین المللی

اقدام حمایوی جدی دیپلماتیکی و اقتصادی بین المللی تنها بعضی اوقات، در مقابل کودتا به شکل تهدید و یا عملاً اتخاذ گردیده، مثلاً در آگست سال ۱۹۹۱، بر علیه کودتای شوروی، و در سپتمبر ۱۹۹۱، برخلاف کودتای هیتی. با این هم، در مسئله هیتی طوریکه تحریم بین المللی برای دوباره برقرار ساختن رئیس جمهور ارستید (Aristide) نشان میدهد، مدافعه موفقانه به مقابل کودتا توسط اقدام بزرگ بین المللی مؤثر گردیده نمیتوانست. در عوض مدافعه موفق، اساساً به عدم همکاری و مخالفت به مقابل کودتا در داخل کشور که مورد تعرض قرار گرفته متعلق میگردد.

اگرچه بعضی اوقات، حمایه بین المللی در مبارزه ضد کودتا مؤثر بوده میتواند. حکومت ها میتوانند که از شناختن دیپلماتیک کودتاچیان امتناع ورزند، و یک تحریم اقتصادی را بر علیه شان اعلان کنند، مثلیکه ایالات متحده آمریکا و ممالک دگر در عکس العمل به مقابل کودتای آگست سال ۱۹۹۱، اتحاد شوروی نمودند. اینطور حکومت ها و جوامع میتوانند که کومک های اقتصادی و تخنیکی، نشریاتی، خدمات رادیوی و تلویزیونی و حمایه تبلیغی کمیونکیشن به مدافعین ملکی تهیه نمایند. این تدابیر از قبل پلانگذاری شده میتواند.

خاصیت عدم تشدد بودن و بی اعتنایی این نوع مدافعه ضد-کودتا تبلیغ و همدردی بین المللی را تحریک میکند. بعضی اوقات، همدردی سیاسی میتواند که به فشار دیپلماتیکی و اقتصادی بین المللی به مقابل کودتاچیان بانجامد. در شکست کودتا ی آگست سال ۱۹۹۱، اتحاد شوروی، اقدامات داخلی مخصوصاً بی علاقه‌گی عساکر که به اوامر کودتاچیان اطاعت نمایند- آشکار میگردد که بسیار حایز اهمیت میباشد. باوجود، فشار دیپلماتیکی و تهدید اقدام اقتصادی بین المللی معلوم میگردد، که یک عامل مهم تکمیل کننده میباشد. این حالت نشان میدهد که در تحت شرایط معین فشار بین المللی زیادتیر هم کودتاچیان را ضعیف نموده و داعیه مدافعین ملکی را تقویه میکند. بر علاوه، باید تصور نه شود که عقاید عمومی بین

المللی یا حتی فشار بین المللی دیپلوماتیکی و اقتصادی تنها کودتا را بیدون مدافعه قوی و قاطع توسط خود جامعه که مورد تعرض واقع گردیده شکست داده میتواند.

تغیر دادن ستراتیژی در جریان مبارزه

در مراحل مشخص تغییر در ستراتیژی توسط مدافعین ملکی شده میتواند ، که به مقصد مقابله نمودن به اهداف جدید متعرضین، اصلاح نمودن ناتوانایی های آشکار و توانایی های پوشیده و یا ظهور توانایی غیر منتظره در بین مدافعین، و برای بالا بردن تاثیر مقاومت مدافعین- به اساس انکار نمودن از حقانیت کودتا و امتناع از همکاری ایجاب نماید.

رهبران کودتا زود دریافت خواهند نمود که آنها با یک قوت محاربوی جامع عموم مردم که توسط مؤسسات اجتماعی خود متشکل شده اند مقابل هستند. کودتاچیان سرانجام درک خواهند نمود که آنها قادر نیستند که جامعه را تحت تسلط خود بآورند ، و مدافعه به اندازه کافی نیرومند است ، که به صرف نظر کردن از تمام معامله مقاومت مجبور گردانیده شوند. اگر اینطور نه شد، مدافعین باید مساعی خود را شدت دهند تا رژیم متعرضین را ضعیف سازند.

محلاتی را که کودتاچیان ، همین حال کنترل مینمایند به اندازه قابل ملاحظه ضعیف شده اند، و یا احتمال دارد که زود ضعیف گردند، شده میتواند که این زمان به کار بردن شدید تر ستراتیژی انکار و تردید باشد. با وجود، این به اثبات رسیده میتواند که به سادگی این یک مرحله دگر تصادم میباشد که در عوض ، با یک ستراتیژی متمرکز ساختن مقاومت به مقابل مسایلیکه دارای اهمیت خاص اند ادامه داده شده، و یا مجموع ستراتیژی عدم همکاری، ضربه آخری بر کودتا ثابت شود.

یک موفقیت پایدار

موفقیت در مدافعه ضد-کودتا به چندین عوامل کلیدی متعلق میباشد. از جمله آنها عبارت اند از، روحیه مقاومت، همبستگی مردم مدافع، قدرت جامعه مدافعه کننده، قابلیت مردم در محافظه مقاومت و انضباط عدم تشدد، نقاط قوی و ضعیف کودتاچیان، انتخاب ستراتیژی تعرض کودتاچیان، و دانش ستراتیژی مدافعه میباشد.

توسط این مدافعه ضد -کودتا موفقیت تنها نصیب آنها خواهد گردید، که آنرا به یک آله تصفیه کننده نیرومند سیاسی که با یک ستراتیژی عاقلانه اداره گردد انکشاف دهند. مثلیکه در یک تصادم نظامی لازم

است، درین نوع مقاومت، ظرفیت حقیقی قدرت و نیروی مدافعه، نیز ضرورت مییابد. طوریکه در محاربات معمولی واقع میگردد، شکست مدافعین قانونی نیز همیشه ممکن مییابد. باوجود، نشانه های زیادی موجود اند، که یک جامعه متعهد باین نوع مدافعه ضد-کودتا چانس زیاد رسیدن به موفقیت را دارا بوده، با تلفات کمتر و هم تخریبات کم نسبت به آنکه در یک مبارزه نظامی همراه داشته مییابد.

در حالتیکه به مدافعه دراز مدت ضرورت شود

اگر مدافعه ضد-کودتا در ظرف چند روز و یا چند هفته کامیاب نه شد، یک وضعیت جدید ستراتیژیکی بوجود آمده خواهد بود. شاید کودتاچیان به برقرار ساختن اندازه کمی از حقانیت، پذیرش، همکاری و تسلط کامیاب گردیده باشند. درینصورت، دگر تصادم از یک مدافعه ضد-کودتای کوتاه مدت به یک مبارزه دراز مدت به مقابل یک دیکتاتوری جابجا شده تبدیل گردیده است. برای این وضعیت مختلف تصادم، درینجا بعضی راهای مقاومت پیشنهاد میگردد. "۱۶"

دران مقاومت یک ستراتیژی عدم همکاری عمومی در مقابل حکومت جدید قابل تطبیق نخواهد بود، زیراکه جامعه در دراز مدت به دوام دادن زندگی عادی خود نیازمند مییابد. در عوض، به یک پالیسی متمرکز نمودن مقاومت به نقاط کلیدی متعدد ضرورت مییابد، تا که در موازنه قدرت چنان تغییر وارد نماید که وضعیت را برای استعمال عدم همکاری وسیعتر و یا عمومی برای موفقیت انتهایی مناسب سازد.

ستراتیژی مدافعه دراز مدت به مقابل یک دیکتاتوری تاسیس شده لازم است که بالای دو هدف اصلی متمرکز شود. اول، متعرضین باید از بدست آوردن اهداف عمده در خارج از دیکتاتوری ممانعت شوند. اگر دیکتاتوری در صدد انواع دگر تسلط مثل اقتصادی، عقیدتی، برآیند، درانصورت لازم است که پلانهای آزادی خواهی بالای ممانعت از این اهداف متمرکز شود. این یک ستراتیژی "مقاومت انتخابی" بوجود می آورد، بعضی اوقات بنام "مقاومت در نقاط کلیدی" نیز یاد میگردد.

تحت یک ستراتیژی مقاومت انتخابی مردم در مسلک ها و وظایف مختلف میتوانند که تنها در مسایل قاطع مقاومت نمایند. مثلا پولیس در حالیکه سعی مینماید که عناصر جنایت کار را نه گذارد که از وضعیت سؤی استفاده کنند، بطور انتخابی شاید از تثبیت کردن محل و گرفتار نمودن مقاومت کنندگان دیموکراتیک امتناع ورزند، و مردم را در مورد گرفتار شدن و یا وارد نمودن فشار از قبل اطلاع دهند. معلمین از معرفی کردن تبلیغات رژیم به داخل مکتب امتناع میورزند. کارگران و کارفرمایان اعتصاب، معطلی، کارشکنی برای مانع شدن از انتفاع از مملکت را بکار خواهند برد. رهبران مذهبی و عظمای خود را در مورد امتناع از کمک نمودن به دیکتاتوران دوام میدهند.

هدف اصلی دوم مدافعه دراز مدت، محافظه آزادی داخلی مؤسسات جامعه میباشد. زمانیکه موفقیت سریع مقاومت ضد-کودتا واقع نه شد، دیکتاتوران جدید سعی خواهند نمود، که مؤسسات مختلف جامعه را کنترل و یا خاموش سازند. این مساعی خصوصا به آن مؤسسات متوجه خواهد بود، که در مبارزه مدافعه قبلی اشتراک داشتند، مثل محاکم، مکاتب، اتحادیه ها، گروه های کلتوری، جمعیت های مسلکی، مؤسسات دینی و امثال آنها. اگر تسلط بالای این مؤسسات موفق گردید، ظرفیت آینده جامعه برای مقاومت ضعیفتر خواهد شد. لذا، مقاومت دیموکراتیک دراز مدت باید به شدت به مقابل مساعی متجاوزین برای تسلط یافتن بالای مؤسسات جامعه مقاومت نمایند. این مؤسسات تنها نقاط مقاومت نمیباشند. همچنان آنها تشکیلات مقاومت واقعی و یا احتمالی میباشد که میتوانند جامعه را به مقابل دیکتاتورها مدافعه و سیستم سیاسی قانونی را اعاده نمایند.

ستراتژی انتخابی مقاومت که درینجا بیان گردید، تنها برای این بود که نشان داده شود، که کوتاهی اولی در شکست دادن کودتا جامعه را به دیکتاتوری دراز مدت محکوم نمیسازد. باوجود، مدافعه اصلی ضد-کودتا باید به ممانعت از غصب به صورت مکمل و سریع توجیه شود، بسیار قبل از آنکه کودتاجیان تسلط خود را تحکیم نمایند.

مضمحل نمودن کودتا

اینطور مدافعه دراز مدت به مقابل یک دیکتاتوری برقرار شده شاید ضرورت نه افتد، و به هر صورت مبارزه اولی مدافعه ضد-کودتا شاید به آسانی موفق گردد. اگر مدافعین ملکی انضباط خود را محافظه، و در مخالفت و عدم همکاری خود با وجود فشار مقاومت کنند، و یک قسمت عمده جامعه را در مدافعه شامل سازند، پس پیشرفت کودتاجیان که به اهداف خود برسند بی اثر گردیده و بالاخره متوقف میگردد.

مقاومت یک جامعه آماده و مؤسسات آنها سر انجام ثابت خواهد کرد که مقابله کردن به آن برای رهبران کودتا بیش از حد امکان میباشد. و از رسیدن به مقاصد شان ممانعت خواهند کرد. کوششهای شان که بالای جامعه کنترل تاسیس نمایند شاید ناکام گردیده باشد. اقدام به کودتا محض کودتاجیان را در لانه زنبور سیاسی انداخته است. تعداد مدافعین مصمم، عدم همکاری، و عدم اطاعت کنندگان شاید بصورت دوامدار ازدیاد خواهد یافت. این روشن خواهد شد که مدافعین مخالف بطرف کامیابی میروند، چنان موفقیتی که به قوت حیاتی جدید و قابلیت دوامداری افزود گردیده است.

بعد از آن احتیاط زیاد در مرحله انتقال به سیستم قانونی لازم میباشد، خصوصا اگر رهبران قبلی توسط کودتاجیان به قتل رسیده باشند. تا جائیکه ممکن باشد رهبرانی که توسط قانون انتخاب شده اند، باید دوباره به مقامات شان برقرار گردند، و قانون اساسی و دیگر قوانین که به کار برده میشدند باید در آینده در جائیکه مناسب باشد اصلاح گردند. هر قدر زود که ممکن شود اقدامات باید برای شروع اصلاح کردن مسایل مشروع و شکایت هائیکه سبب نارضایتی مردم از حمایت کودتا باشد گرفته شود. جامعه و حکومت باید راهای بهتر ساختن کیفیت های دیموکراتیکی را خوب و به احتیاط مورد توجه قرار دهند.

باز داشتن کودتا

یک ظرفیت مدافعه خوب احضار شده به مقابل کودتا می‌تواند که یک باز دارنده قوی را به مقابل آنها می‌خواهند به کودتا مبادرت کنند تشکیل دهد. وقتیکه یک جامعه شهرت یافت که دارای یک مدافعه قوی احضار شده ضد-کودتا است، غاصبین که قصد کودتا را دارند، در بهترین حالت یک مبارزه بسیار شدید را و در بدترین حالت یک شکست فاحش را پیشبینی خواهند کرد، ازینجهت آنها هیچگاه به کودتا مبادرت نه خواهند نمود.

اگر کسانی که می‌خواهند دست به کودتا به زنند، یا حتی رهبران حکومت فعلی بدانند که اگر آنها حد قانونی صلاحیت خود را مراعت نه کنند، اراده دیموکراتیک جامعه توسط مخالفت سیاسی، و عدم همکاری تحمیل خواهد گردید، ازین لحاظ آنها تصمیم خواهند گرفت که به داخل چوکات صلاحیت قانونی خود بمانند.

این ظرفیت بازدارنده، کاملاً متعلق به یک ظرفیت قابل اعتمادیکه یک مقاومت مؤثر را به مقابل کودتاچیان به راه انداخته بتواند می‌باشد. لذا، یگانه راهی که به مقابل غصب داخلی توسط آن کودتا را از قبل دفع کرده می‌توانیم آماده ساختن زمینه برای یک عدم همکاری نیرومند و مخالفت به مقابل اینطور تعرضات می‌باشد.

مثل مدافعه نظامی، درین جا نیز موفقیت هیچ ظرفیت بازدارنده تضمین شده نمیتواند. باوجود، امکان وقوع حملات موجود می‌باشد. اگر با موجودیت احضارات وسیع برای مقابله باز هم به کودتا مبادرت گردید، درانصورت این طرز مدافعه می‌تواند که آنرا به شکست مواجه سازد، و احتمالاً بسیار به سرعت، حکومت قانونی را بیدون خطر وقوع جنگ داخلی اعاده نماید.

بهرتر ساختن مدافعه ضد-کودتا

در قدم اول برای اجرای این پالیسی، مفکوره مدافعه ضد-کودتا به عموم جامعه رسانیده شود، و اشکال مقاومت که در مدافعه مقابل غصب قدرت از نیرومندترین اشکال مقاومت می‌باشند جستجو گردد. یک پروگرام معلوماتی و تعلیمی توسط اشخاص و سازمان‌ها، در حالیکه مفکوره مدافعه ضد کودتا بسیار جدید هم باشد آغاز می‌گردد. مقالات، راپورهای روزنامه‌ها، مجالس عمومی، گروپ‌های مباحثه، رادیو، تلویزیون، مباحثه یک گروپ انتخاب شده در پیشروی شنوندگان، نطقان سازمان‌های مختلف، جزوه‌ها، و کتاب‌ها از جمله وسایل تبلیغ و مفاهمه تعلیمی اند که استعمال شده می‌توانند. آشنایی با مفکوره که به مقابل کودتا به طور موفقانه توسط عدم همکاری و مخالفت مقاومت ممکن شده می‌تواند، یک شرط اولی می‌باشد، که برای توجه محتاطانه و حمایت عملی از طرف مؤسسات عمده ملکی جامعه، و برای احضارات منظم برای اینگونه مدافعه ضرورت می‌باشد.

بطور آشکار، مورد توجه قرار دادن، پذیرفتن و پیشبردن این مدافعه ضد-کودتا باید از گروهی که به کودتا مبادرت و یا احتمال دارد که مبادرت خواهند کرد، باید انتظارحمایه برده نشود. باوجود، پالیسی مدافعه ضد-کودتا تقویه خواهد گردید، اگر از طرف "جوانب مختلف" به آن توجه، حمایت، و یا اشتراک صورت گیرد. یک مذاکرات "ماورای حزبی" خواهد توانست که مردم و گروپ‌ها را با پندارها و

عقاید سیاسی مختلف برای حمایت، انکشاف، پذیرش، و به کار بردن پالیسی ضد-کودتا یکجا و متحد سازد. با معطوف ساختن اینطور توجه گوناگون و وسیع، حمایت اکثر مردم، پالیسی ضد-کودتا احتمال دارد که نیرومند تر و زیاده تر متحد گردد.

اتخاذ مدافعه ضد کودتا

برای اتخاذ یک ظرفیت قوی مدافعه ضد-کودتا سه طریقه اصلی موجود میباشد: (۱) توسط پیشنهاد وسیع به تمام طبقات جامعه، در مورد معلومات و فهماندن ستراتیژی بزرگ و اشکال وسیع مقاومت ضد کودتا طوریکه الآن مورد بحث قرار گرفت؛ (۲) توسط سازمانهای جامعه مدنی، طوریکه آنها برای مواجه شدن و مقاومت به اینطور تعرض آماده گردند؛ (۳) توسط تغییرات قانونی و حقوقی و مساعی سازمانی در ساختمان حکومتی، برای اینکه کودتاچیان به آن دسترسی نه داشته باشند. مطابق آرزو، تمام این طریقه ها باید به ترتیب و یا تا حدی به ترکیب به کار برده شوند، متعلق به این که کدام یکی از آنها ممکن، و یا در یک زمان خاص به بهترین شکل قابل تطبیق میباشد. با این هم، شده میتواند که امورات تعلیم و تربیه، و مورد توجه قرار دادن را بیدون متیقن بودن به اینکه طریقه آخری پذیرفتن و به کار انداختن چطور خواهد بود آغاز نمود.

احضارات توسط مؤسسات مدنی

با وجود آسیب پذیری بسی از حکومت های دیموکراتیک، تمام رهبران سیاسی به ضرورت و عملی بودن آمادگی برای مدافعه ضد-کودتا ملتفت نمیگردند، در حالیکه ظرفیت مدافعه به مقابل کودتا مهم است و باید حاضر شود. در جائیکه حکومت بنا بر هر دلیل، ابتکار عملی کردن پالیسی مدافعه ضد-کودتا را در دست نه گیرد، راه برای جوامع به هر اندازه آزادی مدنی که داشته باشند باز است که خود اقدام نمایند. درین حالات احضار نمودن مستقیم مدافعه ضد کودتا توسط خود مؤسسات مدنی یک وظیفه خیلی مهم میباشد.

در بسی حالات شده میتواند که مفکوره اساسی مدافعه ضد-کودتا و اصول های مقاومت به اطلاع عموم رسانیده شده و احضار نمودن آن ممکن است که توسط مؤسسات ملکی جامعه به صورت مستقل از اشتراک حکومت طرح ریزی و اجرا گردد.

این احضارات برای مدافعه ضد-کودتا البته بدان معنی نیست که هرکس فکر نماید که حکومت موجوده بهترین حکومت ممکن بوده و یا هیچ محدودیت های جدی و یا نواقص ندارد. نظریه به سادگی اینطور است، رژیم که در آینده توسط کودتاچیان بالای کشور تحمیل میگردد، احتمال دارد که به مراتب از

رژیم موجوده بد تر باشد. پس مسدود نمودن راه جابجا کردن یک حکومت استبدادی تر و ظالم یک شرط لازم میباشد برای بهتر ساختن آینده سیستم سیاسی جامعه.

اکثراً حکومت مورد هدف فعلی کودتا مشهور به بی کفایتی پر آوازه، مثل فساد گسترده، و یا بی نظمی اجتماعی مثل " زیر پا کردن نظم و قانون " بوده و کودتاچیان بر ناحق دعوا میکنند که کودتای آنها برای اصلاح وضعیت موجود ضرور میباشد. این ادعا میتواند که برای آنها حمایه زیاد عوام را جلب کند. با وجود آن هم، مدافعه بر علیه آن کودتا ها ضرور میباشد.

رژیم جدید کودتا شاید فساد را ختم نه نماید، و دعوای حمایه "نظم و قانون" شاید برای تحمیل نمودن یک رژیم استبدادی یا دیکتاتوری نو بالای مردم به کار رود. استعمال کودتا برای اصلاح اینطور نواقص یک سابقه خطرناک را نمایش میدهد، که چگونه یک رژیم با نواقص باید تعویض گردد. شاید کودتا یک استقامت کاملاً مختلف را بگیرد، و کودتای دوم شده میتواند زیاد تر شوم و بد قیافه باشد. یکی از چندین چاره علاج عبارت از اجرای محتاطانه و متمرکز به اشکال معمولی یا اعتراض و مقاومت عدم تشدد میباشد که به شکل محدود اداره شود.

به حیث یک تغیر غیر دیموکراتیکی، کودتا ها اصولاً خطرناک اند، باوجود، اگر آنها ادعا کنند که یک مشکل جدی را اصلاح می کنند. در سیاست اکثراً در یک اقدام، نتایج غیر قصدی موجود میباشد، و تمام مقاصد همیشه به مردم اظهار نمیگردد.

مؤسسات و سازمانهای غیر دولتی میتوانند، که مفکوره ضروری مدافعه عدم تشدد را وسیعاً به تمام جامعه توسط وسایل مختلف ارتباط، اطلاع بدهند. این تشکیلات ملکی شخصاً و به همکاری دیگران میتوانند که یک پالیسی ضد-کودتا را آغاز و تطبیق نمایند. آنها توسط تربیه کردن اعضای خود این مقصد را پیش برده میتوانند، طوریکه احضارات گرفته و کار پلان سازی را مطالعه نموده، که جنبه مربوط به آنها از جمله تمام مردم و جامعه چطور به شکل بسیار مؤثر اقدام کنند، که در مغلوب ساختن کودتای آینده کومک نماید. بطور مثال، اشخاص، گروهها و مؤسسات که در ارتباط، انتقالات، دفاتر حکومتی، پولیس، امورات مذهبی، تعلیم و تربیه، و هر جنبه عمده جامعه باید پلان گذاری نمایند که چطور به شکل مؤثر امکان دارد که راه را به روی مسلط شدن کودتاچیان بر جامعه مسدود نمود.

آمادگی نیرومند مدافعه ضد-کودتا با تعلیم و تربیه و در سازمانهای داخل ساختمان حکومتی با هر دو یکجا شده میتواند، حتی اگر یک پالیسی ملی مدافعه ضد-کودتا قبول هم نه شده باشد. در بعضی حالات، احضارات متشکل توسط مؤسسات ملکی شاید حکومت های محلی و منطقوی و همکاری با اشخاص و گروه ها در داخل ساختمان حکومت ملی را نیز در بر گیرد.

این طرز پلان سازی ضرورت خواهد داشت که به یک درجه بالاتر توجه خود را بالای آن بخش جامعه متمرکز سازد، که برای کودتاچیان ساحه اولویت قانونی و تسلط باشد. در بین مناطق دارای اولویت های بالاتر، کنترل ارکان حکومت (مستخدمین ملکی، مامورین بلند رتبه و غیره) و کنترل پولیس و اعضای قوای نظامی خواهد بود. همچنان، روزنامه ها، رادیو، تلویزیون، تیلیفون، آب، انرجی، و

تدارکات غذایی مهم اند. توسط اینطور آغاز در تعلیم و تربیه، سازمان دهی، پلان سازی و آمادگی ها پلان های ملی احضا شده میتواند، که به وضعیت مشخص ملی توافق داشته و راه کودتا های آینده را مسدود سازد. اینطور یک پالیسی مدافعه حتی بیدون ابتکار حکومتی تقویه شده میتواند.

اگر این مؤسسات نیرومند باشند، و قسمت های مختلف جامعه را نمایندگی کنند، برای آنها ممکن شده میتواند که اینطور یک مدافعه ضد-کودتای به حد کافی نیرومند را احضار و اداره نمایند که بتواند اینگونه یک تعرض را حتی اگر حکومت در سازماندهی این مدافعه اشتراک هم نه کرده باشد، شکست بدهد.

احضاراتیکه توسط حکومت آغاز شده

در جائیکه جامعه یک درجه اعلاى ديموکراسی را دارا بوده، یا اقلأ رهبران سیاسی آن میخواهند که جامعه آنها بطور مسالمت آمیز بیدون کودتا تکامل نماید، در انصورت حکومت ها میتوانند که پالیسی ضد-کودتا را عملی نمایند. هیئت مقننه و دگر بخش های حکومت تدابیری را وضع کرده میتوانند که در مقابل کودتاهای آینده برای مدافعه مؤثر آماده باشند. این تدابیر توسط تغییرات در قانون اساسی، حقوقی و تشکیلاتی تقویه شده میتوانند، که هدف آن ممانعت کودتاچیان از قبض نمودن کنترول حکومت و جامعه باشد.

بطور مثال، در سال ۱۹۹۷ م، کشور تایلیند یک قانون اساسی جدید را وضع نمود که درین استقامت یک قدم عمده به شمار میرود. ماده ۶۵ قانون مذکور میگوید:

یک شخص حق دارد که بطور مسالمت آمیز به مقابل هر اقدامیکه برای بدست آوردن قدرت به

قصد اداره مملکت به وسیله که مطابق روش ها ی که درین قانون اساسی مقرر گردیده نباشد، مقاومت نمایند. ۱۷"

واضا اینطور یک پیشبینی قانونی دارای اهمیت زیاد میباشد. لیکن برای مؤثر بودن ایجاب مینماید که شروط اضافگی قانونی را برای عملی کردن اصول دران زیاد کنیم، و همچنان، احضارات حکومتی و غیر حکومتی لازم است که عدم همکاری را به اندازه کافی نیرومند سازند، تا که مقاومت موفق گردیده بتواند.

تا حدیکه ممکن باشد، اشتراک حکومت در اشتهار مفکوره مدافعه به مقابل کودتا و در احضارات برای مقاومت شدید یک برتری مهم میباشد. مهمترین تفوق البته عبارت از آمادگی مستقیم دستگاه حکومت میباشد، که در مقابل اشغال مقاومت نماید. مامورین بلند رتبه، موظفین خدمات ملکی، وزیران، بخش های اداری، پولیس، و قوای نظامی شده میتواند که برای بوجود آوردن مقاومت قوی تربیه شوند. مسؤلیت های مشخص و تعلیمات برای مقاومت ضد-کودتا باید برای، و هم از طرف مستخدمین ملکی، کارمندان وسایل ارتباط جمعی، اداره کنندگان ارتباط، پولیس و قوای نظامی، و مامورین حکومت های محلی، منطقوی، و ولایتی تکمیل گردد. اگر از طرف کودتاچیان استعمال این قسمت های دستگاه دولت

جلوگیری شود، در آن حالت مدافعه نسبت به آنکه اگر این ممانعت نمیبود، زیادتر وسیع و قوی خواهد گشت. همچنان احتمال دارد که مبارزه کوتاتر و تلفات نیز در آن کمتر گردد.

وضع قانون و دگر پلان های ممکن برای ترتیب و تنظیم مدافعه

احضارات حکومتی ایجاب قانون جدید و عملی کردن مقررات آنرا مینماید. از جمله قدم های که باید برداشته شوند، اینها شده میتوانند: (برای بحث مکمل احضارات حکومت ضمیمه یکم خوانده شود. برای بحث احضارات از طرف مؤسسات مدنی ضمیمه دوم مطالعه شود.)

- در قانون اساسی تغییر وارد میگردد که برای مردم حق و مسؤولیت میدهد که در مقابل کودتا مقاومت نموده و به آنها از دادن حق که کودتا را مشروع به شناسند امتناع می ورزد.
- قوانینی باید وضع گردد که تمام پولیس و قوای نظامی را مجبور به امتناع از اشتراک و یا کمک نمودن به کودتا نماید.
- قوانینی باید وضع گردد که تمام کارمندان حکومت را باید مجبور سازد تا از همکاری به کودتا و اطاعت به غاصبین امتناع نمایند. در زمان کودتا کارمندان حکومت مجبور خواهند بود که وظایف خود را مطابق قانون اساسی و مقررات قانونی و پالیسی های موجوده انجام دهند.
- قوانین باید وضع گردد که تمام اشخاص را در بخش ارتباط، ارتباط جمعی، ترانسپورت مجبور سازد که در مقابل سانسور از طرف کودتاچیان مقاومت نمایند، از همکاری و خبر دادن اوامر از طرف رهبران کودتا امتناع ورزند.
- قوانین وضع شده تمام مؤسسات مالی عمومی و شخصی را از ارتباط مالی با کودتا چیان منع نماید.
- هیئت مقننه پلانهای را حاضر مینماید که حکومت قانونی بعد از شکست کودتا چگونه تسلط را بالای حکومت تاسیس نماید.
- هیئت مقننه به سازمانها و مؤسسات تعلیمی پیشنهاد مینماید، که پروگرامها را احضار و به کار برند تا مردم را از حقوق شان باخبر ساخته که از همکاری با کودتا جلوگیری کنند.

در تمام این پلان سازیها باید واضح گردد که اصول مقاومت ضد-کودتا عدم تشدد میباشد، و هیچ کس نباید به مقابل هموطن خود که طور غیر قانونی از کودتا حمایت مینماید تشدد را استعمال نماید. همچنان، باید روشن ساخته شود، به کسانی جزا داده میشود که به شروع نمودن کودتا یا همکاری به آن مجرم ثابت شوند.

طرزهای دگر احضارات

بر علاوه از احضارات و اشتها خطوط رهنمایی عمومی، برای مقاومت ضد-کودتا چندین نوع دگر آمادگی ها برای مدافعه ممکن میباشد. بطور مثال، تطبیقات های تعلیمی به مقابل کودتا های فرضی باید احضار و توسط مقاومت ملکی به طرز مخالفت با کودتا باید تمثیل شود. تطبیقات های تعلیمی باید در محلات مسکون، دفاتر یا فابریکه ها، شهر ها، ولایات و در سرتاسر تمام مملکت باید اجرا شود. برای این طور دفاع به مقابل کودتا احضارات تخنیکی هم ضرور میباشد. تدارکات و تجهیزات برای تاسیس ارتباط ضرورت پیدا میکند، بعد از آنکه کودتاچیان مراکز مهم مثل محل فعالیت روزنامه های مشهور، ستیشن های رادیو و تلویزیون را اشغال کردند. مواد نشریاتی و تجهیزات پخش نمودن برای اخبار های مخفی، اوراق تبلیغاتی مقاومت و رادیو مخفی برای استعمال عاجل در محلات محفوظ باید پنهان گردد. ترتیبات قبلی برای محل پخش نمودن پروگرام های رادیو، مرکز ارتباط، مطبوعه در قلمرو مملکت حمایه کننده دست باید اتخاذ شود.

نتایج مدافعه ضد- کودتا

هدف این پالیسی مدافعه به مقابل کودتا عبارت میباشد، از محافظه حکومت قانونی توسط مسدود ساختن راه تحمیل نمودن یک حکومت عملی از طرف کودتاچیان، از راه گرداندن جامعه مورد تعرض غیر قابل اداره برای متعرضین، و توسط قادر ساختن مردم که کنترل و خودمختاری جامعه خود را محافظه نمایند، حتی زمانی که زیر حمله هم باشند. مسئولیت محافظه حکومت قانونی به تمام اعضای جامعه مربوط میباشد. این مردم آن جامعه هستند که میتوانند که آزادی خود را محافظه، ادامه و توسعه دهند و جامعه خود را مطابق اصولهای تکامل یافته ملی خود بهبودی بخشند.

این پالیسی ضد-کودتا کیفیت های عمده مثبت را دارا میباشد. و یک روشی است، که به اساس مردم بنا شده، نه به اساس مرمی و بم و به اساس مؤسسات انسانی بنا گردیده، نه به اساس تکنالوژی نظامی. این یک راهی میباشد که به جای تهدید به جنگ داخلی و یا تسلیم شدن به یک دیکتاتور جدید برای آزادی خدمت میکند. این روش وسیعاً و به سطح بین المللی پذیرفته شده و عملی گردیده است، و این پالیسی یک سهم بزرگ در از بین برداشتن کودتا به حیث یک جنجال عمده سیاسی داشته است. روش هذا، ظهور دیکتاتوری های جدید را محدود خواهد ساخت، و غلبه و تسلط ظلم را در جهان کاهش خواهد داد.

این روش یک مدافعه سازنده است، که به اساس قوت مردم پایه گذاری شده که حتی بتوانند در بحرانهای شدید صاحب مقدرات خود شوند و همچنان دوام دهند. و نتیجه آن ازین هم عمیق تر گردیده میتواند.

ضمیمه یکم

وضع قوانین و دگر احضارات حکومتی برای

مدافعه ضد-کودتا

از طرف حکومت برای جلوگیری از کودتا و شکست دادن آن احضارات مهم گرفته شده میتواند. این اقدام ایجاب قانون جدید و اجرای مقررات آنرا مینماید. در تمام این قانون و این اعلامیه ها مسؤلیت ها و وظایف باید واضح گردد، که هیچکس نمیتواند به مقابل هموطن خود که به طرز غیر قانونی رفتار میکند تشدد را استعمال نماید. برای این مقصد تدابیر قانونی و طرز العمل های ذیل پیشنهاد میگردد.

۱. یک مقررۀ قانونی باید طرح گردد، که هیچ تبعۀ جامعه دارای هر موقف قانونی، نقش یا مقامیکه باشد، حق ندارد که به حیث یک حکومت مشروع هر شخص و یا گروه را که کودتا را اجرا نموده اند قبول نمایند.

برعکس تمام شهریان بیدون استثنا وظیفۀ قانونی دارند، که از حقانیت هر گروه کودتاچیان انکار نموده، و از تمام همکاریها و اطاعت نمودن به آنها امتناع نمایند. شهریان باید مصرانه وظیفۀ معمولی خود را دوام داده، و در برآوردن ضروریات انسانی همشهریان خود کومک نموده، در حالیکه با کودتاچیان مخالفت مینمایند.

۲. قوانین مشخص باید وضع گردد که تمام کارمندان حکومت، و مستخدمین ملکی را در سطح ملی، منطوقی و محلی حکومت، قانوناً مجبور سازد که از معاونت به کودتا اجتناب کنند. وظیفۀ قانونی آنها اجرای کار های آنها مطابق به قانون، مقررات و پالیسی برقرار شده (قبل از کودتا) میباشد. آنها باید قانوناً منع ساخته شوند که از همکاری و اطاعت با همه گروه های غاصبین انکار نمایند. این انکار باید به امتناع همه حمایه های اداری که کودتاچیان توسط آن اوامر و اهداف غیر قانونی خود را اجرا میکنند توجیه گردد.

۳. قوانین مخصوص باید وضع گردد، تا مقررات قانون اساسی جدید تطبیق و آنرا یک تعهد قانونی گردانند، که تمام اعضای قوای پولیس و تمام اعضای قوای عسکری نه تنها به وفاداری به قانون

اساسی سوگند یاد کنند بلکه در سوگند تفرری خود عهد و پیمان نمایند که از اشتراک در هر توطئه که کودتا را تنظیم و یا اداره کند اجتناب خواهند کرد. وقتیکه در آینده به کودتا مبادرت گردد، وظیفه این اشخاص خواهد بود که از اطاعت، خدمت کردن، و یا همدستی با هر گروهی که قصد قبض نمودن ارکان دولت را نموده امتناع ورزند.

به پولیس در تمام سویه ها، و اعضای سیستم قضایی باید هدایت داده شود، که تنها پالیسی ها، و مقررات قبلی بر قرار شده را بکار برند. آنها باید تمام پالیسی ها، فرامین، و اوامری را که به ایشان رسیده، و یا از طرف آنهایی که قصد نموده اند که دولت را به شکل غیر قانونی قبض نمایند اعلان گردیده، نادیده بگیرند. مخصوصاً آنها باید اشخاص و یا گروه را از احتمال بندی شدن اطلاع بدهند، و نیز باید آنها از یافتن و بندی کردن مقاومت کنندگان و طنخواه، آنهایی که توسط اقدامات شخصی، و مقاومت دسته جمعی و مظاهرات با کودتاچیان مخالفت میکنند.

مقاومت پولیس بعضی اوقات بصورت آشکار و در اوقات دگر آنها نشان میدهند که از کودتاچیان اطاعت مینمایند، ولی حقیقت برعکس میباشد. بطور مثال، آنها شاید راپور بدهند که برای شان ممکن نبود که اشخاص مورد نظر را یافته و یا بندی کنند.

اگر به آنها امر داده شود که مظاهره چیان کوچه را پراکنده سازند، اجراءات پولیس عبارت خواهد بود از موجودیت در آن محل، ولی در مقابل اقدام شدید را اتخاذ نه کنند، و یا همچون مقاومت کنندگان به مظاهره چیان خواهند پیوست. باید اجازه داده نشود که پولیس در دست کودتاچیان یک آله ممانعت کننده گردد.

۴. بر علاوه مقاومت بر ضد کودتاچیان، تا حدیکه ممکن است پولیس باید عملاً به مقاومت معاونت کند. بطور مثال، در تحریک های مقاومت های گذشته واقع شده که پولیس تدارکات روزنامه های مقاومت و دگر مواد مطبوع را در وسایط پولیس به حصص دگر شهر و یا منطقه که به آن ضرورت بود انتقال دادند.

۵. عساکر و دگر اعضای قوای نظامی باید نه گذارند که به منزله یک آله جلوگیری در خدمت آنهایی که میخواهند جای حکومت قانونی را اشغال کنند بگردند. عدم همکاری و عدم اطاعت آنها بطور خاص بسیار مشکل خواهد گردید، در صورتیکه کودتا از طرف صاحب منصبان قوای نظامی اداره شود، با مقایسه اگر یک گروه سیاسی موافقت قوای نظامی را در تطبیق نقشه تسلط یافتن غیر قانونی خود بالای حکومت و جامعه می خواهد.

همین طور، در چنین حالات مشکل برای پولیس و عساکر که مخالف کودتا اند، طرز های حرکت های موجود میباشد که یکی از آن هم به مفاد کودتاچیان نه میباشد. بطور مثال، آنها میتوانند وقتیکه در کوچه با مظاهره چیان روبرو میشوند بسیار ملایم باشند، یا وقتیکه برای شان امر داده شود که بالای معترضین انداخت کنند، میتوانند که در بالای سر آنها فیر کنند که درین حالت هیچکس زخمی نمیشود. همچنان آنها میتوانند که کوشش کنند که قطعه خود را تشویق کنند که آشکارا به غاصبین مخالفت نمایند، و یا بیدون

استعمال اسلحه‌شان، عساکر میتوانند که در یک اقدام مخصوصاً خطرناک اعتراض و مخالفت به مقابل کودتا چیان اشتراک نمایند.

مخالفت آشکار پولیس و قطعات نظامی احتمال دارد که بسیار خطرناک ثابت شود، طوریکه جزا برای عدم اطاعت و بغاوت اکثراً اعدام مییاشد. در نتیجه، دگر طریقه های کمتر آشکار انکار نمودن اطاعت و کومک به غاصبین، ضرورت به تحقیقات و بکار بردن دارد.

۶. قوانین خاص باید وضع گردد که برای تمام سازمانهاییکه در بخش ارتباط کار میکنند یک مسؤلیت قانونی بوجود آورده شود، که تنها به حکومت قانونی وفاداری خود را ادامه دهند. به این معنی که در جریان کودتا آنها قانوناً مجبور خواهند بود که به اراده کودتاچیان برای تحمیل کردن سانسور، نشر ابلاغیه ها و اوامر از طرف آنها و موافقه به هر امر غیر قانونی از طرف کودتا چیان تسلیم نگردند.

در حالتیکه ارتباط عادی، تسهلات طباعتی و پخش نمودن پروگرام های رادیو برای فعالیت های عادی و استفاده قانونی حکومت از اثر اقدامات ممانعت کننده کودتاچیان غیر قابل استفاده گردند، مسؤلیت کسانی در مسلک های مربوطه و دگر شهریان خواهد بود، که یک وسیله جدید ارتباط را در بین مردم خارج از کنترول غاصبین بوجود بآورند.

۷. تمام اشخاص و گروهها که در هر سویه حکومت کار میکنند در زمان وقوع کودتا تا وقتیکه ممکن گردد، اجرای پالیسی ها و مقررات موجود را ادامه دهند و هر پالیسی، امر و تعلیمات جدید را که از طرف غاصبین صادر میگردد نادیده بگیرند.

تحت اوضاع احتمالی ابتدایی، مامورین حکومت میتوانند که مخالفت را در محل کار معمولی خود دوام بدهند. اگر به مقابل آنها ممانعت غیر قابل تحمل وارد گردید، این اشخاص و یا گروه میتوانند که به اعتصاب دست بزنند و یا نا پدید شوند. باید اجازه داده نشود که دستگاه دولت آله دست غاصبین برای کنترول تمام جامعه گردد.

۸. قوانین مشخص باید وضع گردد که تمام اشخاص و سازمانها که برای ترانسپورت کار میکنند تمام اوامر غاصبین را نه پذیرفته، سیستم ترانسپورت را برای کودتا چیان غیر قابل استعمال ساخته و در عوض در کومک به مقاومت کنندگان استعمال گردد.

۹. قوانین مشخص باید وضع گردد که برای تمام مؤسسات مالی حکومتی و شخصی، تمام بانکها، مؤسسات تجارتي و دگر مؤسسات مالی و تمام اتحادیه های کارگری و اتحادیه های مشابه یک تعهد قانونی گردانیده شود، که از تمام ارتباط های مالی با کودتاچیان احتراز کنند.

۱۰. بسیار قبل از شروع کودتا حکومت باید به تمام حکومت هائیکه به آنها رابطه دیپلماتیک دارد و به تمام مؤسسات بین المللی به شمول ملل متحد برساند و از آنها تقاضا کند که هرگونه ارتباط عادی سیاسی و اقتصادی را با غاصبین رد نموده و در عوض تنها باید حکومت قانونی را بشناسند.

- ۱۱ . هیئت مقننه، وزیران حکومتی و رؤسا باید انواع پلان های احتمالی را برای ادامه رهبری قانونی در حالیکه کودتاچیان تعمیرات حکومتی را اشغال، مقامات رسمی حکومت و نمایندگان را بندی و یا اعدام نموده و یا اقدامات مشابه ممانعت کننده را اتخاذ کرده باشند حاضر نمایند.
- ۱۲ . هیئت مقننه باید از قبل پلان دقیق را حاضر نماید که چگونه حکومت قانونی بعد از مضمحل شدن کودتا فعالیت های مکمل عادی خود را آغاز نماید. هیچ گروه غاصب باید اجازه داده نشود که در دوران انتقال به طرز غیر دیموکراتیک تسلط خود را بر مملکت تحمیل نماید. در حالت تلفات انسانی، مقامات رسمی سابقه در جریان کودتا و مدافعه به مقابل آن مقررات باید ساخته شود که چطور اشخاص دگر باید بطور مشروع مقام های خالی را اشغال کنند.
- ۱۳ . هیئت مقننه باید قبل از کودتا تمام مؤسسات آزاد، سازمان ها، اتحادیه ها، و همه مؤسسات تعلیمی کشور را وادار و از آنها حمایه نماید، که در تعلیم و تربیه نمودن اعضای خود، شهریان عمومی اشتراک نموده و به آنها وظایف مناسب وطن پرستانه شانرا تعلیم دهند که غاصبین را رد نموده و عدم همکاری و مخالفت را به مقابل هر مبادرت به کودتا به کار برند.
- ۱۴ . همچنان هیئت مقننه باید قانونی را وضع نماید که اشتراک کنندگان در کودتا را از هر درآمد پایدار مالی به واسطه فعالیت های غیر قانونی شان تحریم نماید. همچنان آنها باید از احراز وظایف و مقامات حکومتی در آینده محروم شناخته شوند.
- ۱۵ . هیئت مقننه باید همچنان در نظر بگیرد، برای آنهاییکه کودتا را آغاز و یا به آن همکاری نموده اند چگونه جزاهای دگر باید پیشبینی گردد. این مقررات باید پیشبینی نماید که حمایه کنندگان قبلی کودتا را تشویق کند که تغیر جهت نموده و در صف مدافعه به مقابل کودتا موقف گیرند.

ضمیمه دوم

احضارات توسط جامعه مدنی

برای مدافعه ضد-کودتا

احتمال مبادرت به کودتا کمتر و شکست آن زیاده تر ممکن میگردد، اگر مؤسسات جامعه مدنی آماده و توانا باشند که به مقابل هر قصد اقدام اشغال دولت مقاومت کنند.

این مدافعه توسط مؤسسات غیر حکومتی و اتحادیه ها، جمعیت های ارتباط و ترانسپورت، تشکیلات و مؤسسات مذهبی و دگر جمعیت ها ترتیب و تنظیم و اجرا میگردد.

این اقدام مقاومت توسط جامعه مدنی یا به مقصد حمایت تدابیر مدافعه پلان شده حکومت، و یا در صورت نبودن آن شده میتواند که بصورت مستقل مستقیماً به ابتکار شهریان مورد اجرا قرار گیرد.

در هر صورت، احضارات قبلی برای مقاومت ضد-کودتا توسط مؤسسات مستقل جامعه امکان دارد که طراحان کودتا را وادارد، که قبل از اجرای اینگونه تعرض خوب دقت نمایند. اگر باوجود باز هم آنها به کودتا مبادرت نمودند، این احضارات، قدرت مدافعه ضد-کودتا را خواهد افزود.

این احضارات و مقاومت تقریباً به پنج نوع فعالیت دسته بندی میگردد: (۱) تعلیم و تربیه عوام؛ (۲) وسایل ارتباط دسته جمعی؛ (۳) سازمان های سیاسی؛ (۴) مؤسسات دینی؛ و (۵) گروپ ها و مؤسسات مشخص.

۱. تعلیم و تربیه عوام

وظیفه این جمعیت های غیر حکومتی شامل تعلیم و تربیه اعضای خود شان و شهریان عمومی میباشد که چگونه به ذرایع مؤثر هر غاصب را غیر مشروع دانسته و تردید نمایند، و چطور عدم همکاری و مخالفت وسیع را به مقابل حکومت کودتا چیان به راه انداخت. هدف عبارت ازین میباشد که کنترل متعرضین را غیر مشروع و حکومت کردن آنها را غیر ممکن ساخت.

در حالیکه تمام مؤسسات جامعه مدنی باید در مساعی تعلیم و تربیه نمودن اعضای خویش اشتراک کنند، بعضی مؤسسات خاصاً برای رسیدن و تفاهم کردن با مردم مناسبتر میباشدند. این مؤسسات شامل سیستم تعلیم و تربیه رسمی و شعبات مختلف وسایل ارتباط جمعی مثل روزنامه ها، مجلات، رادیو، تلویزیون، انترنت، و سینما میباشدند. محتویات سیاسی اندازه اینطور تعلیم و تربیه عمومی شامل دو مواد میگردد: (۱) اهمیت رد نمودن حقانیت به هر کودتاچی و، (۲) اهمیت عدم همکاری و مخالفت که برای کودتاچیان، تاسیس و محافظه حکومت غیر مشروع شانرا ناممکن سازد. بر علاوه تعلیمات صریح درین مورد، فلم های مستند، فلم ها، و درامها، در موارد مقاومت های قبلی ضد-کودتا نیز استعمال شده میتواند. دادن معلومات در مورد نتایج نا گوار نه کردن مقاومت در مقابل کودتا ها در ممالک نیز مهم میباشد.

مردم ضرورت خواهد داشت که در مورد خواص مبارزه عدم تشدد معلومات داده شوند، مثل اصولهای زیاد آن و طریقه هائیکه در تصادمات بکار میرود. بعضی اوقات مظاهرات در کوچه ها برای نشان دادن مخالفت به قبض نمودن غیر قانونی دولت امکان دارد که مفید ثابت گردد. لاکن باوجود آن، در حالات دیگر اینطور اقدام مثل مارش نمودن در کوچه به مقابل تفنگ های کودتاچیان بسیار غیر عاقلانه می باشد. اینطور عمل نه تنها باعث تلفات زیاد خواهد گردید، بلکه ترس را بالای مردم حکمفرما ساخته و عامل تسلیم گردیدن مردم به کودتاچیان خواهد شد.

به نسبت این وضعیت ها، مردم باید بسیار قبل از بحران در مورد اشکال دیگر اعتراض و مخالفت باید آگاه ساخته شوند، که بطور آشکار کمتر خطرناک بوده، لاکن بدون شک مخالفت عمومی مردم را روشن میسازد. بطور مثال، اگر کتله های مردم شهر برای یک زمان معین بطور ساده بداخل خانه ها،

مکاتب و یا تعمیرات دگر بمانند، کوچه ها عموماً از مردم خالی خواهند ماند، لذا مسافه انداخت مناسب موجود نمیشد که مقاومت کنندگان را به قتل رساند و یا آنها را ترساند. کوچه های خالی از مردم مخالفت وسیع را به مقابل کودتا ارائه مینماید.

۲ . وسایل ارتباط جمعی

اعضای وسایل ارتباط جمعی جامعه- ژورنالست ها، ناشرین روزنامه ها و مجلات، گردانندگان و خبر نگاران رادیو و تلویزیون، اتحادیه های طباعی، معاونین ارتباط و غیره- میتوانند که مقاومت قبلی را به مقابل کودتا ترتیب نمایند. این مقاومت شامل پا فشاری به مقابل تحریم کودتاچیان، پلان ها که پیام ها را از حکومت قانونی به شهریان برساند، و پلان ها که از رساندن پیام ها از طرف کودتاچیان به مردم ممانعت شود.

بر علاوه، پرسونل وسایل ارتباط جمعی می توانند که احضارات قبلی را برای تامین ارتباط، در صورتیکه مرکز فعالیت خود را از دست بدهند و یا به اختفا بروند اتخاذ نمایند. اگر کودتاچیان کنترل دستگاه وسایل ارتباط جمعی جامعه، اتحادیه طباعی، گردانندگان رادیو و غیره را بدست گیرند، آنها نواقص میخانیکی را بهانه گرفته عدم توانایی خود را در اجرای تعلیمات کودتاچیان و نمود کرده میتوانند. پلانها برای مطبوعات زیرزمینی، و ظرفیت پخش نمودن پروگرامهای رادیوی از محل مخفی همچنان باید بوجود آورده شود. و نیز احضارات پخش پروگرامهای رادیو از ممالک همسایه تنظیم شده میتواند.

تمام این اقدامات به اندازه قابل ملاحظه مشروعیت و کنترل را که مردم به رهبران کودتا داده میتوانند محدود میسازد، زیرا که رهبران مذکور نه خواهد توانستند که بالای معلوماتهای که جامعه دسترسی دارد و مدافعین خواهند توانست که توسط آن وسیعاً در بین خود و مردم ارتباط داشته باشند، کنترل مکمل را اعمال کنند.

۳ . سازمانهای سیاسی

هر دو، احزاب سیاسی و سازمان های غیر حزبی که به پیش بردن اهداف اجتماعی اقتصادی و سیاسی خود مصروف اند، باید در مساعی وظایف خود تعلیم و تربیه اعضای شان و مردم عوام را در قسمت اهمیت و اصول های مدافعه ضد- کودتا نیز شامل سازند. ارتباطات سابقه سازمانی و شبکه همکاری آنها

نیز به اندازه قابل ملاحظه در رسانیدن رهنمایی های ضروری در باره مقاومت و اداره کردن مدافعه ضد-کودتا میتواند کمک نماید

۴ . مؤسسات دینی

رهبران دینی و معنوی و گروه ها باید به معتقدین و حامیان خود اصرار نمایند که کودتا را مثل یک حمله بر دیموکراسی قانونی دانسته که هم غیر اخلاقی و هم تخلف از اصول رفتار و سلوک جمعیت آنهاست ، که به آن عقیده دارند و به اساس آن باید زندگی کنند. با الآخره اگر چنین یک تعرض صورت گیرد رهبران دینی و معنوی و گروه ها باید به معتقدین و حامیان خود تاکید نمایند که به اساس اعتقاد خود به کودتاچیان هیچ حق مشروعیت نه داده، تمام همکاری ها را با آنها و اطاعت را از آنها امتناع و در عوض عملا در مدافعه ضد-کودتا اشتراک کنند.

۵ . گروه ها و مؤسسات معین

اعضا و مؤلفین گروه های انفرادی و مؤسسات جامعه نیز میتوانند که در جلوگیری کودتا چیان از کنترل نمودن ساحة فعالیت آنها تنظیم شوند. بطور مثال، اعضای جامعه مدنی که در بخش ترانسپورت، فعالیت های اقتصادی، وسایل ارتباط جمعی، ارتباطات، مؤسسات دینی و تمام قسمت های فعال عمده دگر و خدمات جامعه ، برای اینکه آزادی خود را دوباره از کودتاچیان بدست آرند باید عدم همکاری و مخالفت را به کار برند.

برای این جمعیت ها و مؤسسات بسیار مهم خواهد بود که از کنترل داخلی این مؤسسات توسط کودتا چیان و طرفداران آنها جلوگیری کنند. حتی متعرضین شاید بخواهند که این گروه ها و مؤسسات آزاد را تخریب و آنها را به مؤسسات جدید که توسط کودتا چیان و یا همدستان آنها کنترل گردد تعویض نمایند. این کوشش ها نیز باید خنثی گردند.

شهریان و مؤسسات غیر حکومتی آنها باید احضارات بگیرند و در زمان بحران مقاومت حقیقی را آغاز نمایند. این مقاومت ضد-کودتا شده میتواند که به موافقت پلان از قبل حاضر شده مدافعه ضد-کودتای حکومت بوده و یا طوریکه قبلا بیان شد، اگر اینطور یک پلان وجود نه داشته باشد بطور آزاد مورد اجرا قرار داده شده میتواند.

آن گروه های مردم و مؤسسات که فعالیت مینمایند و یا فعالیت های مهم اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و یا صنعتی را کنترل میکنند، معمولا نسبت به نظریه پردازان این نوع مقاومت زیادتر معلومات و مهارت داشته میباشند که کدام شکل خاص عدم همکاری و مخالفت باید انتخاب گردد که در دور نگهداشتن آن قسمت جامعه از غاصبین زیادترین تاثیر داشته باشد. چند مثال ذیلا ارائه میگردد:

- کارگران ترانسپورت، مثلا دریوران لاری ها، کارمندان خطوط آهن، و گردانندگان خطوط هوایی ممکن است که بسیار زیاد صاحب معلومات و مهارت باشند نسبت به کارمندان دفاتر حکومتی در تعیین کردن آنکه چگونه به شکل بهتر سیستم ترانسپورت را بطی یا فلج نمود، که

آنرا از دست کودتا چیان دور نگهداشت. همچنان آنها در دانستن اینکه چگونه در شرایط قسماً فلج شدن ترانسپورت توسط مقاومت کنندگان و یا مسدود شدن آن توسط کودتاچیان، مواد غذایی و دگر مواد مهم را به جاهای رسانیده که در آنجا بسیار مورد ضرورت اند.

- در ساحة ارتباط، تا وقتیکه تیلیفون های دستی و سیستم ای میل هنوز هم فعال باشد، آنها به شکل مبتکرانه در مورد تبلیغ پلان های مقاومت، آغاز فعالیت های مقاومت، و اطلاع دادن وضعیت کودتاچیان و مبارزه مقاومت استعمال شده میتوانند.

تجهیزات احتیاطی نشریات که برای زمانهای عاجل مخفی شده اند، برای مقاصد دفاعی استعمال شده میتوانند، حتی در زمانیکه دفاتر حکومتی و یا مراکز نشریات قبلی اشغال شده باشند.

- مستخدمین ملکی در دفاتر حکومت وظایف خود را بطور مستقلانه دوام داده میتوانند، حتی اگر رئیس آنها به کودتاچیان ملحق هم شده باشد. برعلاوه مخالفت آشکار، کار مندان ملکی همچنان خاموشانه میتوانند که به مقابل کودتا خاموشانه توسط بطی ساختن جریان کار اداری و در محل غلط گذاشتن و به مرجع غلط ارسال نمودن اسناد مهم، و دگر فعالیت های مشابه غیر تحریک کننده ولی مؤثر که تسلط کودتاچیان را محدود میسازد، مقاومت کرده میتوانند.
- اتحادیه های کارگری میتوانند که به جسارت، کوشش های کودتاچیان را که فعالیت های اقتصادی را اداره کنند رد نمایند، و می توانند که از کارهای که منع شده اند ادامه دهند. صرف نظر از هر آنچه که رهبران کودتاچیان، مدیران همدست با آنها، و یا مقامات شرکت بگویند.
- ایام مخصوصیکه در آن اشخاص را احترام میگذارند، رویدادها، و یا اصول های که برای ملت و مقاومت دیموکراتیک اهمیت دارد باید تجلیل شوند، باوجودیکه اگر کودتاچیان آنرا منع قرار دهند. اینطور ایام که جدیداً کسب اهمیت نموده اند، مثلاً احترام به قربانیان مدافعه ضد- کودتا نیز میتوانند که برقرار گردیده و تجلیل گردند.

سپاس و امتنان

ما از گونزالو اریاس (Gunzalo Arias) سپاسگزاریم که با مهربانی اجازه داد که در لسان انگلیسی نام کتاب او را که در عین موضوع در سال ۱۹۸۲ م (EL ANTIGOLPE) نوشته بودند استعمال کنیم. خوانندگان زبان هسپانوی اینرا دلچسپ خواهند یافت. ۱۸

مؤسسه البرت انشتاین از سازمان ارکا (Arka Foundation) برای اعطای کومک مالی شان ممنون است، که توسط آن نشر این اثر و آثار دگر در موضوع استعمال مبارزه عدم تشدد ممکن گردید.

هاردی میریمین (Hardy Merriman) از مؤسسه البرت انشتاین در آماده ساختن این اثر توسط مشوره های مفید، و مهارت قلمی، نظریات، ترتیب و تنظیم چاپ نمودن آن با مطبعه کومک های بسیار زیاد نموده است.

سپاسگزاری بسیار زیاد از مردان شجاع و دلیری که در سالهای گذشته، بدون پلان گذاری قبلی مدافعه ضد-کودتا را در چندین کشور در شرایط آبی در جرمنی، فرانسه، اتحاد شوروی، و تایلند موفقانه به پیش بردند. آنها نشان دادند که اینطور مدافعه ممکن می باشد، و بعضی اوقات کامیاب شده میتواند.

نشریات قبلی درین موضوع توسط جین شارپ (Gene Sharp) انتشار یافته و درپانامه، (Panama) وینزوویلا، (Venezuela) السلوادور، (El Salvador) هیتی، (Haiti) و تایلند، (Thailand) مورد دلچسپی زیاد واقع گردیده است. جین شارپ در سال ۱۹۹۲ م به کمیسیون مسایل داخلی پارلمان تایلند، شهادت شخصی داده است، و بروز جنکنز و جین شارپ به کمیسیون شورای عالی اتحاد شوروی در ۱۹۹۱ م مشترکاً شهادت داده اند.

یک نقل قبلی متن اصلی این اثر شامل چند فوتوکاپی گردیده بود. "به مقابل کودتا: رهنمای اقدام مؤثر برای جلوگیری و شکست دادن کودتا" توسط جین شارپ و بروز جنکنز، توسط اتحادیه بین المللی برای حقوق بشر در ۱۹۹۴ م در نیویارک توزیع گردید. حال درینجا به شکل قدری مشرح تر با ضمائم برای بار اول به چاپ رسانیده شد..

یاداشت: موضوعات ستراتیژی مدافعه ضد-کودتا طوریکه درین اثر بیان گردید، از آن بیشتر متنوع و پیچیده اند. لذا خوانندگانیکه مسئول اتخاذ تصمیم ستراتیژیکی ضد-کودتا هستند، به مطالعات وسیعتر منابع دگر اکیداً توصیه میگردند.

NOTES

1. The term “coup d’etat” and “putsch” are used synonymously in the paper.
2. See for example, Rosemary H.T. O’Kane, *The Likelihood of Coups* (Aldershot, England etc, : Avebury,1987), P. 1; Steven R. David, *Defending Third World Regimes from Coups d’etat* (Lanham, Maryland etc.: University Press of America, 1985), P. 4; J. Craig Jenkins and Augustine J. Kposowa, “ The Political Origins of African Military Coups: Ethnic Competition, Military Centrality, and the Struggle over the Postcolonial State,” in *International Studies Quarterly* (1992), Vol. 36, PP. 271-272; Steven R. David, *Third World Coups d’Etat and International Security* (Baltimore and London: Johns Hopkins University Press, 1987), PP. 1-2; and Steven R. David, “The Superpower Competition for Influence in the Third World” in Samuel P Huntington, Editor, *The Strategic Imperative: New Policies For American Security* (Cambridge, Massachusetts: Ballinger, 1982), P . 236. The quotations are respectively from O’Kane, *The Likelihood of Coups*, P. 1 and Jenkins and Kposowa, “The Political Origins of African Military Coups,” P. 271.
3. David, *Third World Coups d’Etat and International Security*, P. 153-154, and O’Kane, *The Likelihood of Coups* ,P. 135.

4. Genuine emergency actions by an executive that then quickly relinquishes such prerogatives and restores regular constitutional procedures do not constitute coups d'Etat.
5. See O'Kane, *The Likelihood of Coups*, and for a contrasting view Jenkins and Kposowa, "The Political Origins of African Military Coups."
6. For a discussion of six types of military coups in the third world countries, classified according to motivations and effects, see Steven R. David, *Third World Coups d'Etat and International Security* (Baltimore and London: Johns Hopkins University Press, 1987), PP 13-16.
7. David. *Defending Third World Regimes from Coups d'Etat*, PP4-5
8. From the Spanish autogolpe, used to describe cases in Latin America in the early 1990's.
9. This is not to deny that in some circumstances foreign intervention may block or even overturn a coup, especially where an overwhelming military invasion is possible, as in the United States' action in Grenada in 1983. The point is that these cases are exceptions and those means are not dependable. If they are used, they take control of the situation away from the local population.

It could be very easy to underestimate the difficulties that would face the United States, or any future superstate, that adopted a policy of threatening or applying military intervention to block coups d'Etat generally. Steven R. David has pointed to these: "The difficulties inherent in protecting regime from the consequences of large scale military threats pale in comparison to the problems involved in devising strategies for the protection of leadership from indigenously created coups d'etat." (David, "The Superpower Competition for Influence in the Third World," P. 242.)

10. This account is based on Wilfred Harris Crook, *The General Strike* (Chapel Hill, NC: University of North Carolina Press, 1931), pp. 496-527; Donald Goodspeed, *The Conspirators* (New York: Viking, 1962), PP. 108-188; Erich Eyck, *A History of the Weimar Republic* (Cambridge, Massachusetts: Harv

11. Constitution of the Kingdom of Thailand. A certified correct English Translation has been used and can be found at:
www.krisdika.go.th/law/text/lawpub/e11102540/text.htm
12. Gonzalo Arias, *El Antigolpe: Manual Para una respuesta noviolenta a un golpe de Estado. Con un comentario de Fernando Savater y una contribucion de Adam Roberts*. Velez-Malaga,, Spain: Ahimsa, 1995, Fourth Edition. E-mail: ahimsa@arrakis.es
13. ard University Press, 1962), vol. 1, pp.129-160; Karl Roloff (Pseud.:Karl Ehrlich). "Den Ikkevoldelige Modstand: den Kvalte Kapp-Kupet,"in K. Ehrlich, N. Lindberg, and G. Jacosen, editors, *Kamp Uden Vaaben* Copenhagen: Levin & Munksgaard, Einar Munksgaard, 1937),
14. PP. 194-213; and Kohn Wheeler-Bennett, *The Nemesis of Power* (New York: St. Martin's Press, 1953), PP 63-82. See also Gene Sharp, *The Politics of Nonviolent Action*(Boston: Porter Sargent, 1973), PP. 40-41 and 79-81.
15. This account is based on that of Adam Roberts, "Civil Resistance to military Coups," *Journal of Peace Research* (Oslo), vol. xii, no. 1 1975), PP. 19-36. All quotations are from that source.
16. This account of the August 1991 Soviet coup has been prepared by Bruce Jenkins, and was previously published in Gene Sharp with the assistance of Bruce Jenkins, *Self-Reliant Defense Without Bankruptcy of War* (Cambridge, Mass.: Albert Einstein Institution, 1992), PP. 16-19. It was compiled from the following sources: *The Boston Globe*, 20-30 August 1991; *The Economist*, 24-30 August 1991; Stuart H. Loory and Ann Imse, *Seven Days that Shook The World*, CNN Reports, (Atlanta: Turner Publishing, Inc.: 1991); *Newsweek*, 2 September 1991; *The New Yorker*, 4 November 1991; *The New York Times*, 20-25 August 1991; *Times* 2 September 1991; *The Washington Post*, 21 August 1991.
17. This clarification was introduced by the late Lars Porsholt. See Lars Porsholt, "The conduct of Civilian Defence" in T.K. Mahadevan, Adam Roberts, and Gene Sharp, editors, *Civilian, Defence: An Introduction*

(New Delhi: Gandhi Peace Foundation, and Bombay: Baratiya Vidya Bhavan, 1967), PP. 145-149.

18. For a good discussion of strategic principles in nonviolent struggle generally, see Peter Ackerman and Christopher Kruegler, *Strategic Nonviolent Conflict: The Dynamics of people Power in the Twentieth Century* (Westport, Connecticut and London: Praeger, 1994). See also Gene Sharp. *Waging Nonviolent Struggle: Twentieth Century Practice and Twenty-First Century Potential*. Forthcoming.

For more detailed discussions of civilian-based defense strategy, see Gene Sharp, *Civilian-Based Defense: A Post-Military Weapons System*. (Princeton, NJ: Princeton University Press, 1990), PP. 89-111; Gene Sharp, *Making Europe Unconquerable: The Potential of Civilian-Based Deterrence and Defense* (Cambridge, Mass.,: Ballinger Books, 1986), PP. 88-118, (London: Taylor & Francis, 1985), PP. 113-151; and Adam Roberts, "Civilian Defence Strategy" in Adam Roberts, editor, *The Strategy of Civilian Defence* (London: Faber & Faber, 1967); U.S. edition: *Civilian Resistance as a National Defense* (Harrisburg, Pa.: Stackpole Book, 1968) PP. 215-251. Other sources are cited in Sharp, *Making Europe Unconquerable* (Ballenger edition), PP. 160-161, n.1.

19. See Gene Sharp, *The Politics of Nonviolent Action*, PP. 586-620.

20. See Gene Sharp, *From Dictatorship to Democracy: A Conceptual Framework for liberation*, Bangkok: Committee for the Restoration of Democracy in Burma, 1993 and Boston: Albert Einstein Institution, 2002.

در باره نویسندگان

داکتر جین شارپ (Dr. Gene Sharp)

داکتر جین شارپ دانشمند ارشد مؤسسه البرت انشتاین در شهر باستین، ایالات متحده آمریکا میباشد. ایشان از سال ۱۹۶۵ م تقریباً برای مدت سی سال در مرکز مطالعات بین المللی پوهنتون هاروارد وظایف تحقیق را ایفا نموده، و در پوهنتون دارت موت مساجوست پوهاند اعزازی نیز میباشد.

داکتر شارپ به "کلزویچ مبارزات عدم تشدد" و به "ماکیاولی عدم تشدد" شهرت دارد.

در سال ۱۹۸۳ م، مؤسسه البرت انشتاین را تاسیس نمود، تا در موضوع عدم تشدد ستراتیژیکی به مقابل دیکتاتوری، جنگ، قتل عام ها و ظلم، تحقیقات، مطالعات پالیسی ها و تعلیم و تربیه را تشویق و ترویج نماید.

جین شارپ، در رشته فلسفه تیوری سیاسی، درجه داکتری را از پوهنتون آکسفورد بدست آورده است (۱۹۶۸). و از پوهنتون اوهایو، درجه ماستری را در رشته سوسیالوژی (۱۹۵۱)، و درجه لیسانس را در رشته سوسیال ساینس، (۱۹۴۹)، حاصل کرده است. او سه داکتری افتخاری و چندین افتخارات علمی را بدست آورده اند.

برای مدت ده سال در ناروی و انگلستان زندگی کرده، و در پوهنتون اکسفورد و ناروی مطالعات پیشرفته را اجرا، و هم در پوهنتون اسلو در مؤسسه تحقیقات اجتماعی ناروی در مقامات بلند کار کرده اند. همچنان، در پوهنتون اسلو، پوهنتون مساجوست باستن، پوهنتون باستن، و پوهنتون براندایز تدریس نموده، و به سویه بین المللی لکچر های زیادی را ایراد نموده اند.

داکتر شارپ، در موضوعات مبارزه عدم تشدد و غیره کتاب ها و آثار زیاد نوشته اند، که به چهل زبان ترجمه شده اند. بعضی از آثار شان قرار ذیل اند:

۱. سیاست مبارزه عدم تشدد، (The Politics of Nonviolent Action, 1973)

۲. گاندی به حیث یک ستراتیژیست سیاسی، (Gandhi as a Political Strategist, 1979)

۳ . قدرت اجتماعی و آزادی سیاسی، (Social Power and Political Freedom, 1980)

۴ . اروپا را فتح ناپذیر گردانیدن، (Making Europe Unconquerable, 1985)

۵ . مدافعه توسط اهالی ملکی، (Civilian-Based Defense, 1990)

۶ . از دیکتاتوری به دیموکراسی، (From Dictatorship to Democracy, 2002)

۷ . به کار انداختن مبارزه عدم تشدد، (Waging Nonviolent Struggle....., 2005)

۸ . یکشنری مبارزه عدم تشدد و نافرمانی ملکی،

(Dictionary of Nonviolent Struggle and civil Disobedience, 2009)

۹ . قدرت و اجرای مبارزه عدم تشدد، با مقدمه از طرف دالای لاما رهبر مذهبی تبت.

۱۰ . گاندی قوای اخلاقی را خوب به کار انداخته است. (این اولین کتاب شان میباشد، که مقدمه های از البرت انشتین و بهارتان کوماراپا نیز در آن شامل اند.)

آثار داکتر شارپ به اضافه از چهل زبان ترجمه شده اند.

بروز جنکنز (Bruce Jenkins)

بروز جنکنز، رئیس پالیسی مرکز اطلاعاتی بانک در واشنگتن دی سی. قبل ازین او آمر اجراییه مؤسسه البرت انشتین از ۱۹۹۵ الی ۲۰۰۰، و همچنان معاون ریاست مؤسسه در امور پالیسی و پروگرام رسانید معلومات ها به مناطق دور.

او از پوهنتون نیو هیمشر در رشته علوم سیاسی درجه لیسانس و از پوهنتون فری برلین، (Freie Universitat, Berlin) در رشته (علوم سیاسی/رابطه بین المللی) با تمرکز مخصوص بالای تحریمات اقتصادی، دیپلوم را بدست آورده است.

او تجربه وسیع بین المللی را در هر دو بخش پالیسی سازی و گروپ های جامعه بین المللی دارا میباشد. او در اجرای مشاوریت ها، ورکشاپ ها، و وظایف حقیقت یابی در چین، سویدن، روسیه، و ایالات بالتیک در جریان گذار به دیموکراسی از راه عدم تشدد، اشتراک نموده است.

اصول های مبارزه عدم تشدد

تا حال ۱۹۸۱ طریقه مبارزه عدم تشدد، قرار آتی شناخته شده اند:

اصول های اعتراض و قناعت دادن مبارزه عدم تشدد

بیانیه های رسمی

۱. ۰ خطابه های عمومی

۲. ۰ مکاتیب مخالفت و یا موافقت

۳. ۰ اعلامیه ها از طرف سازمانها و موسسات

۴. ۰ بیانیه های عمومی امضا شده

۵. ۰ بیان تحریری شکایت و یا خواهش

۶. ۰ خواهش دسته جمعی و یا کتلوی

رسانیدن پیغام برای کتله های وسیع مردم

۷. ۰ شعارها، کاریکاتورها و علامت ها (سمبول ها)

۸. ۰ بیرق ها، پوسترها و دگر ابلاغیه های تصویری

۹. ۰ اوراق، رساله ها و کتاب ها

- ۱۰ . اخبار و مجلات
- ۱۱ . ریکارد ها، رادیو و تلویزیون
- ۱۲ . نوشتن در زمین و یا هوا

نمایندگی دسته جمعی

- ۱۳ . هیئت نمایندگان به یک مقام ذی الصلاح
- ۱۴ . اعطای جایزه های استهزایی
- ۱۵ . جد و جهد دسته جمعی برای تائید لوایح
- ۱۶ . تشویق مردم به انجام ندادن یک عمل
- ۱۷ . انتخابات کاذب

انجام دادن اقدامات علامتی عمومی

- ۱۸ . نمایش بیرق ها و رنگهای علامتی (سمبولیک)
- ۱۹ . پوشیدن علایم
- ۲۰ . دعا ها و عبادات
- ۲۱ . توزیع اشیای علامتی (مثل بیرق ها و غیره)
- ۲۲ . تخریب جایداد شخصی
- ۲۳ . روشن کردن چراغ های علامتی
- ۲۴ . برهنه نمودن بدن خود برای اعتراض

- ۰ ۲۵ . اویزان کردن عکس ها
- ۰ ۲۶ . به مقصد اعتراض انداختن رنگ بالای عکس ها
- ۰ ۲۷ . نام ها و علایم جدید
- ۰ ۲۸ . صدا های علامتی (الله اکبر)
- ۰ ۲۹ . احیای اشیای علامتی
- ۰ ۳۰ . انجام دادن حرکات بی ادبانه
- وارد کردن فشار بالای اشخاص
- ۰ ۳۱ . تعقیب اشخاص رسمی به مقصد مزاحمت
- ۰ ۳۲ . سر زنش کردن اشخاص رسمی
- ۰ ۳۳ . تشکیل سازمان برادری
- ۰ ۳۴ . شب زنده داری (در یک محل و یا پیشروی خانه یک شخص رسمی)
- موسیقی و پرآه
- ۰ ۳۵ . مذاح های مسخره آمیز و خنده آور
- ۰ ۳۶ . نواختن موزیک و تمثیل نمودن نمایش نامه ها
- ۰ ۳۷ . سرآئیدن (آواز خواندن)
- حرکات دسته جمعی**
- ۰ ۳۸ . رفتار ها
- ۰ ۳۹ . رسم گذشت ها
- ۰ ۴۰ . اجتماع دینی

۰ ۴۱ زیارت کردن

۰ ۴۲ موتر سیکل سواری

احترام کردن به مردگان

۰ ۴۳ ماتم گرفتن سیاسی

۰ ۴۴ جنازه ساختگی

۰ ۴۵ جنازه نمایشی

۰ ۴۶ زیارت نمودن مقابر

اجتماعات عمومی

۰ ۴۷ اجتماع به غرض اعتراض و یا تائید

۰ ۴۸ . جلسات برای اعتراض

۰ ۴۹ . جلسات سترواخفا شده اعتراض

۰ ۵۰ در یک زمان و محل مشخص آموختانیدن یک موضوع خاص

عقب نشینی و تقبیح نمودن

۰ ۵۱ بیرون شدن

۰ ۵۲ خاموشی

۰ ۵۳ قبول نکردن مکافات ها

۰ ۵۴ پشت دور دادن

اصول های عدم همکاری اجتماعی

تجرید نمودن و محروم ساختن اشخاص از حقوق اجتماعی

۰ ۵۵ . تحریم اجتماعی

۰ ۵۶ . تحریم انتخاب شده اجتماعی

۰ ۵۷ . امتناع جنسی

۰ ۵۸ . تکفیر کردن

۰ ۵۹ . بی حصه ساختن

عدم همکاری در مراسم اجتماعی، عنعنات و مؤسسات

۰ ۶۰ . به تاخیر انداختن فعالیت های اجتماعی و سپورت ها

۰ ۶۱ . تحریم امور اجتماعی

۰ ۶۲ . اعتصاب شاگردان

۰ ۶۳ . نافرمانی اجتماعی (مثل چادر بر سر نکردن)

۰ ۶۴ . خارج شدن از مؤسسات اجتماعی

از سیستم اجتماعی عقب نشینی کردن

۰ ۶۵ . به خانه ماندن

۰ ۶۶ . شخصاً طور مکمل همکاری نکردن

۰ ۶۷ . فرار کارگران از کار

۰ ۶۸ . پناه بردن

۰ ۶۹ . جمعاً از انظار غایب شدن

۰ ۷۰ . برای اعتراض هجرت نمودن

اصول های عدم همکاری اقتصادی

(آ) • تحریم اقتصادی

اقدام از طرف مستهلکین

۷۱ • تحریم از طرف مستهلکین

۷۲ • مصرف نکردن اشیای تحریم شده

۷۳ • عدم استعمال لوازمات آسایش

۷۴ • امتناع از تادیه نمودن کرایه

۷۵ • کناره گیری از کرایه گرفتن

۷۶ • تحریم تولیدات و خدمات مملکت دشمن ویا تمام ممالک خارجی

۷۷ • تحریم از طرف مستهلکین بین المللی

اقدام از طرف کارگران و تولید کنندگان

۷۸ • تحریم کارگران

۷۹ • تحریم تولید کنندگان

اقدام از طرف دلالان (عمده فروشان)

۸۰ • تحریم از طرف تولیدکنندگان و فروشندگان

اقدام از طرف مالکان و اداره

۸۱ • تحریم از طرف تجاران

۸۲ • احتراز از فروش ویا اجاره دادن املاکات

۸۳ • قفل نمودن فابریکه ها

۸۴ • احتراز از کومک صنعتی

۰ ۸۵ اعتصاب عمومی تجاران

اقدام از طرف متصدیان منابع مالی

۰ ۸۶ از بانک ها پول های خود را بیرون کشیدن

۰ ۸۷ امتناع از پرداخت حق الزحمه ها، قروض و مالیات

۰ ۸۸ امتناع از پرداخت قروض و یا سود

۰ ۸۹ تفکیک کریدت ها و سرمایه

۰ ۹۰ امتناع از پرداخت مالیات

۰ ۹۱ امتناع از گرفتن پول حکومت

اقدام توسط حکومت ها

۰ ۹۲ توقیف داخلی (مثل توقیف تولیدات کیوبا در امریکا)

۰ ۹۳ داخل نمودن نامهای تاجران در لست سیاه

۰ ۹۴ توقیف فروشندگان بین المللی

۰ ۹۵ توقیف خریداران بین المللی

۰ ۹۶ توقیف تجارت بین المللی

اصول های عدم همکاری اقتصادی

علامتی اعتصاب

۰ ۹۷ اعتصاب اعتراضی

۰ ۹۸ اعتصاب کوتاه مدت

اعتصاب زراعتی

۰ ۹۹ . اعتصاب دهقانان

۰ ۱۰۰ . اعتصاب کارگران فارم ها

اعتصاب توسط دسته های مخصوص

۰ ۱۰۱ . امتناع از کار شاقه

۰ ۱۰۲ . اعتصاب توسط محبوسین

۰ ۱۰۳ . اعتصاب توسط کسبگران

۰ ۱۰۴ . اعتصاب توسط دسته های حرفوی

اعتصاب های عادی صنعتی

۰ ۱۰۵ . اعتصاب مؤسسات مثل مکاتب

۰ ۱۰۶ . اعتصاب صنعتی مثل اعتصاب بوت دوزان

۰ ۱۰۷ . اعتصاب همدردان

اعتصاب های محدود

۰ ۱۰۸ . به تدریج کم شدن کارگران و با الاخره هیچ کس به کار حاضر نه شدن.

۰ ۱۰۹ . بند نمودن کار فابریکه ها به نوبت

۰ ۱۱۰ . اعتصاب کار کردن بطی

۰ ۱۱۱ . مراعت شدید مقررات کار، طوریکه سرعت کار را بسیار تقلیل دهد

۰ ۱۱۲ . اعتصاب خود را به مریضی انداختن

۰ ۱۱۳ . اعتصاب توسط استعفا

۰ ۱۱۴ . اعتصاب محدود

۱۱۵ . اعتصاب انتخابی

اعتصاب صنایع مختلف

۱۱۶ . اعتصاب تعمیم شده

۱۱۷ . اعتصاب های عمومی

ترکیب اعتصاب ها با ارتباط اقتصادی

۱۱۸ . هرتال، یک نوع اعتصاب هندوستانی میباشد که اقتصاد یک منطقه را طور داوطلبانه موقتاً توقف میدهد

۱۱۹ . توقیف فعالیت های اقتصادی

اصول های عدم همکاری سیاسی

تردید اقتدار

۱۲۰ . مضایقه و یا پس گرفتن وفاداری

۱۲۱ . عدم قبولی کمک های عمومی

۱۲۲ . نوشته ها و خطابه هائیکه از مقاومت حمایت نمایند

عدم همکاری اتباع باحکومت

۱۲۳ . تردید مؤسسات تقنینی

۱۲۴ . تحریم انتخابات

۱۲۵ . تحریم وظایف و مقامات حکومت

۱۲۶ . تحریم شعبات، نمایندگی ها و قسمت های دگر حکومت

۱۲۷ . خارج شدن از مؤسسات تعلیمی حکومت

۱۲۸ • تحریم تشکیلاتیکه از طرف حکومت حمایه میگردند

۱۲۹ • امتناع از کومک با نمایندگان تطبیق قانون

۱۳۰ • دور ساختن علایم خود و علامه محل خود (لمبر خانه)

۱۳۱ • امتناع از پذیرفتن مامورین مقرر شده

۱۳۲ • عدم قبول انحلال مؤسسات موجود

اصول های دگر به جای اطاعت از دیکتاتور

۱۳۳ • بی پروایی و پذیرفتن اوامر بطور بطی

۱۳۴ • وقتیکه رهنمایی مستقیم موجود نباشد بی اطاعتی کردن

۱۳۵ • بی اطاعتی عامه

۱۳۶ • بی اطاعتی به تغیر شکل مثلاً عدم اجرای یک امر طوریکه لازم است

۱۳۷ • امتناع از پراگنده ساختن یک مجلس و یا اجتماع

۱۳۸ • نشستن

۱۳۹ • عدم همکاری با اخذ عسکر و تبعید

۱۴۰ • پنهان شدن، گریختن و یا هویت غلط را استعمال کردن

۱۴۱ • نافرمانی ملکی از قوانین " ناحق "

اقدام از طرف منسوبین حکومت

۱۴۲ • امتناع انتخابی کومک، توسط حمایه کنندگان حکومت

۱۴۳ • بند ساختن مجرای اطلاعات و قومنده

۱۴۴ • بطات و ممانعت

۱۴۵ • عدم همکاری اداری عمومی

۱۴۶ • عدم همکاری قضایی

۱۴۷ • از طرف شعبات تطبیق قانون، بی کفایتی قصدی و عدم همکاری انتخابی

۱۴۸ • بغاوت

اقدام داخلی حکومتی

۱۴۹ • از قانون، نظم و یا از فیصله محکمه بیدون مخالفت مستقیم قسماً تجاهل قانونی کردن و یا آنرا به تعویق انداختن

۱۵۰ • عدم همکاری حکومت های محلی باحکومت مرکزی

اقدام بین المللی حکومتی

۱۵۱ • تغییرات در دیپلوماتیک و نمایندگی های دگر

۱۵۲ • مراسم دیپلوماتیکی را به تعویق انداختن و یا لغو کردن

۱۵۳ • در امر به رسمیت شناختن دیپلوماتیکی مضایقه نمودن

۱۵۴ • قطع روابط دیپلوماتیکی

۱۵۵ • از مؤسسات بین المللی بیرون شدن

۱۵۶ • از عضویت در مؤسسات بین المللی امتناع کردن

۱۵۷ • از مؤسسات بین المللی اخراج کردن

میتودهای مداخلات عدم تشدد

مداخلات سایکالوژیکی

۱۵۸ • خود را به بسیار هوای گرم و یا هوای سرد معروض ساختن

۱۵۹ • روزه گرفتن

الف: روزه فشار اخلاقی، که خود و یا زندگی خود را به خطر به اندازد و احساسات جامعه بشری را تحریک نماید

ب: اعتصاب گرسنگی

ج: روزه سیتی‌گراهیک، که جانب مقابل را از عذاب دیدن خود بشرماند

۱۶۰ • محاکمه معکوس، که بالای قانون انتقاد نموده و جانب مقابل را به محاکمه محول کند

۱۶۱ • آزار دادن عدم تشدد

مداخله عملی (فیزیکی)

۱۶۲ • نشستن

۱۶۳ • استادن

۱۶۴ • سوار شدن

۱۶۵ • در آب استادن

۱۶۶ • جمع شدن موقتی فعالین عدم تشدد در محلی که اهمیت علامتی (سمبولیک) داشته باشد

۱۶۷ • جمع شدن برای دعا

۱۶۸ • حمله عدم تشدد. مارش نمودن افراد داوطلب به یک نقطه مهم علامتی و یا ستراتیژیک و اشغال آن

۱۶۹ • تجاوز فضایی عدم تشدد، در قلمرو فضایی دشمن توسط طیاره برای توزیع اوراق، خوراک و یا تحایف بیدون استعمال تشدد داخل شدن

۱۷۰ • تجاوز عدم تشدد

۱۷۱ • بلند کردن صدای عدم تشدد

۱۷۲ • ممانعت عدم تشدد

۱۷۳ • اشغال عدم تشدد

مداخله اجتماعی

۱۷۴ • تاسیس نمودن نمونه های جدید اجتماعی

۱۷۵ • مزاحم ساختن تسهیلات

۱۷۶ • طولانی ساختن مباحثه با یک مقام رسمی و ضایع کردن وقت او

۱۷۷ • در یک جلسه داخل شدن و با سخن زدن جلسه را اخلاص نمودن

۱۷۸ • در یک ازدحام به مردم به سرعت پیغام را رسانیدن و بعد فرار کردن

۱۷۹ • مؤسسات تعویضی اجتماعی را تاسیس کردن

۱۸۰ • سیستم ارتباطات تعویضی را ساختن

مداخله اقتصادی

۱۸۱ • اعتصاب معکوس (که به کارگران گفته شود به کار نه آئید و آنها بروند)

۱۸۲ • اعتصاب بیرون نیامدن از خانه

۱۸۳ • بیدون تشدد قبضه نمودن زمین

۱۸۴ • نافرمانی از حکم محاصره

۱۸۵ • به سبب تحریک سیاسی اسعار جعلی ساختن

- ۱۸۶ • احتراز از خریدن اجناس
- ۱۸۷ • قبضه کردن دارایی ها
- ۱۸۸ • ذخیره کردن مؤقتی
- ۱۸۹ • سرپرستی نمودن انتخابی
- ۱۹۰ • مارکیتهای تعویضی
- ۱۹۱ • سیستم های انتقالات تعویضی
- ۱۹۲ • ساختن مؤسسات تعویضی اقتصادی

مداخله سیاسی

- ۱۹۳ • سیستم اداری را ازدحام ساختن
- ۱۹۴ • افشا کردن هویت نمایندگان استخباراتی
- ۱۹۵ • خواهش بندی شدن را نمودن
- ۱۹۶ • از قوانین "بیطرف" نافرمانی مدنی کردن
- ۱۹۷ • بیدون همکاری کار کردن
- ۱۹۸ • حاکمیت دوگانه و حکومت موازی

اکثراً مردمانیکه برای آزادی و تامین عدالت مبارزه میکنند از تعداد مکمل اصول های مبارزه عدم تشدد بی خبر میباشند. ستراتیژی معقول، توجه به میکانیزم مبارزه عدم تشدد، و به احتیاط انتخاب اصولها، امکان کامیابی یک مبارزه را ازدیاد می بخشیده.

